

۲۲

ل. ی. میروشنیکف

ایران در جنگ جهانی اول

ترجمه: ع. دخانیاتی



۲۲

ل. ی. میرو شنیکف

ایران در جنگ جهانی اول

ترجمهٔ : ع . دخانیاتی

چاپ اول
خرداد ۱۳۴۴



مجموعهٔ کتابهای علمی ، تاریخی و فلسفی
با انتخاب و نظارت : پرویز شهریاری

***

ایران درجنگ جهانی‌اول: ناشر: مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر،
کاغذ ۷۰ گرمی، تیراژ ۳۰۰۰ نسخه، چاپ: درچاپخانه اتحاد
پایان‌چاپ . خرداد ۱۳۴۴

این کتاب :

مجموعهٔ سخن‌رانی‌هائی است که ل. ی. میروشنیکیف محقق برجستهٔ انستیتوی آسیا ، فرهنگستان علوم اتحاد شوروی ، و دانشیار دانشگاه دولتی مسکو در سمینارهای مرکز بررسی‌های خاورمیانه و مرکز تحقیق دربارهٔ روسیه ، دانشگاه‌ها وارد ، در نوامبر ۱۹۶۲ ایراد نمود. متن سخنرانی‌ها درپایان سال ۱۹۶۲ زیر نظر دو مرکز تحقیقاتی نامبرده منتشر گردید .

چاپ دوم این کتاب که به وسیلهٔ ادارهٔ نشریات ادبی خاوری منتشر گردیده تفاوتی باچاپ اول آن‌ندارد . فقط برخی اشتباهات واغلاط چاپی تصحیح و کتاب باچند یادداشت و تفسیر تکمیل‌شده است امامؤلف‌این‌اثررا بیش‌ازیك مجموعه سخنرانیها محسوب نمی‌داند .

آغاز قرق بیستم دوره‌ای هم بسیار جالب و هم پیچیده در تاریخ نوین ایران است. این امرازنقطه نظر وضع داخلی ایران وسیاست های قدرت های بزرك نسبت بآن صادق است. آغاز قرن بیستم دورهٔ انقلاب ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵، ایام بیداری ایرانیان وشرکت فعالانه‌آنها در زندگی سیاسی‌است. ضمناً این دوره دورهٔ تقسیم ایران به وسیلهٔ دولت های انگلیس و روسیه تزازی برطبق معاهده ۱۹۰۷ (و موافقت نامه سری ۱۹۱۵) است، که در طی آن ایران تبدیل به یک‌کشور نیمه مستعمره گردید.

در پی سالهای طوفانی انقلاب ایران، سالهای آشفته و متلاطم‌پیش ازجنگ فرارسیدند. ازخصوصیات‌این سالها مبارزهٔ شدید سیاسی‌داخلی و رقابت دول‌بزرگ برای تدارك يك جنك بزرك به‌منظورتقسیم جهان بود. دورهٔ هفت ساله بعدی دوره‌ای بودکه درآن جنك نقش برجسته‌ای داشت. پس از این دوره، به‌مفهوم حقوقی يك دولت مستقل درایران تشکیل شد. اماجنك جهانی اول در ایران در سال ۱۹۱۸ پایان نپذیرفت و انواع مختلف عملیات جنگی در خاك آن تا ۱۹۲۱ ادامه یافت.

حوادث انقلاب ایران دربسیاری از بررسی‌های عالمانه گزارش ها ومقالات مختلف تشریح شده است. در باره تاریخ پس ازجنگ کتاب‌های زیادی منتشر شده است، اما تاریخ جنك اول جهانی درایران، به‌نظرمن، باندازه‌کافی مورد تحقیق قرار نگرفته است. مقصودم کتاب هائی است که به‌تاریخ جنگ جهانی

اول درایران اختصاص دارند. مثلا در «تاریخ های» مختلف «ایران»، این دوره تاریخ ایران بقدری ناقص تشریح شده است که هیچ گونه تصویری درباره پیچیدگی فوق‌العاده سیاست‌های داخلی وخارجی کشور درجریان جنگ به دست نمی‌دهد. این نقص درآثارمتعددی که درشوروی وخارجه درباره تاریخ ایران منتشرشده، به‌چشم می‌خورد.

البته یکی ازدلایل این نقص‌تحقیقات‌تاریخی دوره جنگ جهانی در ایران و عدم دسترسی دانشمندان به آرشیوها بود. اما این مشکل اکنون رفع گردیده است ، زیرا اسناد زیادی ازدوره جنگ‌اول منتشر گردیده است. هم‌چنین کتاب‌های‌زیادی درباره جنبه های مختلف این دوره من جمله خاطرات شرکت کنندگان درحوادث بازماندگان جنگ، دیپلومات‌ها، نظامیان وسیاستمداران منتشر شده است .ارزش‌این منابع نسبت به‌ارزش مدارك مذکورالبته‌کم است، معذلك آنها فایده تاریخی بزرگی دربردارند. همین یادداشت‌ها وکتاب‌ها هستندکه امکان می‌دهند شرح کم وبیش دقیق حوادث جنگ جهانی اول در ایران تهیه شود .

مختصری دربارهٔ تقسیم بندی زمانی این‌دوره:

به نظرمن سالهای ۱۹۲۱-۱۹۱٤ را میتوان به‌مراحل زیر که هریك ازآنها خصوصیات معینی دارد، تقسیم‌نمود:

۱- مرحله نخست دوره «تهدیدآلمان» درایران است که درطی آن حکومت ایران سیاست «بی‌طرفی» متمایل به آلمان اتخاذ می‌کند. این مرحله ازآغاز جنگ تا پایان سال۱۹۱۵ طول می‌کشد.

۲- پس ازآن دوره عملیات نظامی موثرکه از مشخصات آن تقلیل وکاهش رقابت‌انگلیس وروس در ایران و«بی‌طرفی»

متمایل به‌متفقین است، شروع می‌شود. این دوره شامل دو سال ۱۹۱۷-۱۹۱٦ تا انقلاب اکتبر و کناره گیری روسیه ازجنگ است .

۳ـ سومین مرحله سال پایان جنگ یعنی۱۹۱۸ است که از لحاظ وضع جدید قوای نظامی وسیاسی درکشورپس‌ازانقلاب اکتبر وخاتمه خصومت دولت های روسیه و ترکیه درایران از مرحله قبلی متمایراست .

٤ـآخرین مرحله ازنوامبر ۱۹۱۸ تاآغاز۱۹۲۱ طول می‌کشد. ازمشخصات‌این مرحله اشغال یك جانبه نظامی ایران به‌وسیله انگلیس‌ها می‌باشد .

ژنرال و.ا.ر. دیکسن Dickson، نویسنده‌انگلیسی در کتابش موسوم به «ایران خاوری» آخرین مرحله را «مرداب جنگ بزرگ» خوانده.در واقع، دراین‌دوره ایران تبدیل به تحت‌الحمایه انگلستان شد ومداخلات مسلحانه برضد شوروی‌از خاك آن سازمان یافت . حوادث نظامی بعدی با امضای قرار داد ۱۹۲۱ ایران و شوروی و خروج ارتش انگلیس از ایران خاتمه می‌یابد .

در این سخن رانی من می‌خواهم درباره سه مرحله اول که شامل حوادث جنگ جهانی اول است، صحبت‌کنم. من نمی خواهم تمام حوادث نظامی و سیاسی ایران را در مدت جنگ جهانی اول مفصلا شرح دهم زیرا انجام این امر مستلزم وقت بسیار زیادی است . ضمناً تفسیر من درباره برخی حوادث این دوره تاریخ‌ایران وسیاست دول‌بزرگ نسبت بآن، گاهی اوقات ممکن است‌با تفسیرهائی‌که شما می‌کنید و معمولا درکتاب‌های انگلیسی دیده می‌شود، مغایرت داشته باشد. معذلك هردانشمند می‌تواند حوادث تاریخی را خود بررسی و تفسیرکند به‌شرطی

که از واقعیات دور نشود .

سخن‌رانی‌های‌من‌براساس‌منابع روسی، ایرانی، انگلیسی، فرانسوی‌وبطورجزئی آلمانی که‌اکنون آنهاراتشریح خواهم کرد وهم‌چنین برپایه اسناد و مدارك ارشیوهای روسی که قبلا مورد استفاده واقع نشده، قراردارند.

چون درباختر خیلی‌کم‌با آثار روسی در باره این‌مساله آشنائی دارند ، اجازه بدهید که سخن رانی خود را با آنها شروع کنم. ایران همسایه نزدیك شوروی است، وبه‌ویژه درآغاز قرن بیستم حوادث‌تاریخی این‌دوکشوررا به هم مربوط کرد. انقلاب‌اول ۱۹۰۵روسیه، درتوسعه وپیشرفت‌جنبش دموکراتیك در ایران که انقلاب ۱۹۱۱- ۱۹۰۵ ایران را به وجودآورد، تاثیر زیادی داشت . فرمانروایان روسیه تزای پس ازسرکوب جنبش انقلابی‌کشور خود به‌کمك مستبدین ایران‌آمدند. روابط اقتصادی زیادی بین دوکشور وجود داشت . در جریان جنگ جهانی‌اول‌سپاهیان روسیه‌تزاری درخاك ایران‌بودندوبالشکریان عثمانی و عوامل ترکیه ـ آلمان می‌جنگیدند. این امر علت انتشار کتاب‌های‌متعدد را درباره ایران بطوراعم ودرباره دوره جنگ جهانی اول بطور اخص نشان می‌دهد.

قبل‌ازشروع جنگ وزارت امور خارجه روسیه مجموعه مکاتبات درباره امور سیاسی ایران را درهفت جلد تحت عنوان «مجموعه‌اسناد دیپلوماتیك مربوط به‌حوادث ایران» که معروف به «کتب نارنجی[1]» است، انتشار داد. هرچند این‌کتب محتوی تمام اسناد دوره پیش ازجنگ نیستند، باوجود این به‌ما امکان می‌دهند که تصور روشن و مستدلی درباره اوضاع سیاسی داخلی ایران و مبارزه دیپلوماتیك برسرآن به دست‌آوریم. هم چنین نخستین مجموعه مدارك سری‌آرشیوهای وزارت امور خارجه

روسیه تزاری که به‌وسیله دولت شوروی منتشر گردید ، حائز اهمیت مخصوصی است[۲] برخی از مدارك بسیار مهم نخست در هفت جلد کوچك که پرده از راههای پنهانی تدارك وایجاد جنگ برای تجدید تقسیم جهان بر می‌داشت، منتشر شدند . در میان اینها اسناد موافقت‌نامه سری ۱۹۱۶ انگلیس ـ فرانسه ـ روسیه درباره توزیع و تقسیم پس‌ازجنگ قلمروهای نفوذ و متصرفات آسیائی ترکیه قرار داشت . اما این مجموعه علمی نبود و به وسیله یك فرد نیروی دریائی روسیه بنام نیکولای مارکین Nikolai Markin که بعداً درجریان جنگ داخلی کشته شد، برای انتشار تهیه شده بود . هدف انتشار این مجموعه نشان دادن خصوصیت غارتگرانه جنگ جهانی اول به‌جهانیان بود.

نخستین مجموعه علمی مدارك دیپلوماتیك به وسیله پروفسور کلیوچینکف Yu . V. Klyuchinkov و سابانین A . B . Sabanin تحت عنوان «سیاست‌های بین‌المللی عصر جدید در معاهدات ، یادداشت‌ها واظهارات » منتشر گردید[۳]. قسمت دوم این مجموعه بنام «از جنگ امپریالیستی تا رفع محاصره شوروی» شامل اسنادی در باره جنگ جهانی اول به طبع رسید .

درسالهای‌سی «کمیسیون‌انتشارمدارك‌عصر امپریالیزم» مسکو به‌ریاست مورخ مشهورشوروی‌پکرووسکی M.N. Pokrovsky کتاب «روابط بین‌المللی در عصر امپریالیزم» را منتشر کرد[۴] . این کتاب محتوی مدارك واسناد زیادی از آرشیوهای حکومت تزاری درآخرین ربع قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم است . جلدهای سری سوم (نه‌جلد) به ویژه به‌سالهای جنگ جهانی اختصاص دارد . این‌کاملترین مجموعه مدارك دیپلوماتیك دوره جنگ‌است، ومحتوی‌مطالب جالب‌درباره‌حوادث بسیاری‌می‌باشد که

درایران درطی جنگ رخ داده است. بدبختانه این مجموعه تکمیل نشد وسری سوم آن با جلد نهم که شامل مدارك واسناد تاژانویه ۱۹۱۶ است، پایان یافت .

بعد ازجنگ جهانی دوم وزارت امورخارجه اتحادشوروی مجموعه متون معاهدات و قراردادهای قرون هیجدهم، نوزدهم وبیستم ایران و روس را تحت عنوان « روابط ایران وشوروی در معاهدات، قراردادها و موافقت نامه‌ها[۵]» که به وسیله س .ی سیچف Sychov و ولکوف Volkov تالیف شده بود. منتشر کرد. این مجموعه می‌تواند منبع پر ارزشی برای آنهائی که تاریخ روابط روسیه شوروی و ایران رادرسالهای ۱۹۲۱-۱۹۱۷ مطالعه می کنند باشد.

آخرین مجموعه اسناد و مدارك دیپلوماتیك شوروی یك سری کتاب بنام «اسناد سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی[۶]» است که انتشارآن در سالهای پنجاه قرن بیستم آغاز شد. چهار جلد اول این سری در سالهای ۱۹۶۱ـ۱۹۵۷ منتشر گردید و محتوی مطالب و مدارك زیادی درباره روابط ایران و شوروی بین سالهای ۱۹۲۱ـ۱۹۱۷ است . بسیاری از این مطالب برای اولین بار منتشر شدند .

حوادث سیاسی ونظامی سالهای ۱۹۱۸ـ۱۹۱۷ درایران به طور غیر قابل انفکاکی با حوادث بخش آسیائی امپراطوری عثمانی سابق و سیاست دول بزرگ در مورد ترکیه در زمان جنگ مربوط است . بنابراین اسناد و مدارك مربوط به ترکیه درخور توجه و دقت شایان دانشمندان و محققین می‌باشد. یکی ازمنابع پرارزش برای بررسی سیاست دول بزرگ درمورد ترکیه درسالهای ۱۹۱۸ـ۱۹۱۷ مجموعه اسناد و مدارك سری است که وزارت امورخارجه شوروی تحت عنوان«تقسیم ترکیه آسیائی[۷]»

منتشر نمود. این مجموعه به‌وسیله ا. آ. آدامف Adamov گرد آوری‌وتنظیم‌شد. مجموعه موردبحث محتوی‌مکاتبات دیپلوماتهای انگلیسی، فرانسوی، روسی و دیگر سیاست مدارانی‌که درامور ترکیه مداخله داشتند،می‌باشد. دراین‌کتاب مدارك‌تقسیم رسمی ایران بین بریتانیا و روسیه درآغاز سال ۱۹۱۵ دیده می‌شود که به‌موجب آن دولت روسیه درازای وعده انگلستان دایر به انتقال بغاز بسفر به‌آن دولت پس از جنگ جهانی، منطقه «بی طرف» ایران را به‌دولت انگلستان واگذارنمود.

مقالاتی بر اساس مطالب بایگانی منتشر نشده راجع به حوادث‌ایران درمدت‌جنگ درزمانهای مختلف‌درمجلات‌تاریخی شوروی منتشرشدند.

جریان عملیات نظامی در ایران درآن ایام به‌تفصیل در دوکتاب یك مورخ نظامی بنام سرتیپ‌کورسون Korsun تحت عناوین «عملیات نظامی الاشکرت و همدان در جبهه قفقاز[۸]» و «جنگ جهانی اول در جبهه قفقاز»بیان شده است. این‌کتابها براساس مطالب بایگانی قراردارند و درباره حوادثی‌که درطی جنگ در خاك ترکیه و ایران روی داده‌اند، بحث می‌کنند. کورسون در زمان جنگ افسر ستاد ارتش تزاری بود و خود در جنگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ درایران شرکت‌کرد. او بعداً استاد دانشگاه نظامی ارتش شوروی در فرونزه Frunze گردید. کتاب های اوآثار پر ارزشی درباره تاریخ ایران درآن دوره می‌باشند. او نه تنها به عنوان یك شرکت‌کننده درحوادث بلکه به عنوان یك مورخ واقع بین و صلاحیت‌دار درمسائل نظامی به شرح وقایع می‌پردازد. کورسون به‌سال۱۹٤۱ مقاله‌ای درباره فعالیت‌های خرابکارانه عوامل آلمان درایران دردوران جنگ جهانی اول انتشار داد.[۱۰]

از مشخصات دوره اولیه جنگ جهانی در ایران فعالیت عوامل ترکیه وآلمان و اوضاع سیاسی پیچیده وبغرنج درکشور وکشمکش دیپلوماتیک شدید در خارج است که درمقاله ت . س کوروتکوواT . S . Korotkova تحت عنوان «مداخله‌آلمان وترکیه در آذربایجان ایران » ۱۹۱٤-۹۱۵ مورد بررسی و تحقیق‌قرار گرفته‌است. این مقاله‌بخشی از رساله‌منتشر نشده«بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول[۱۲]» می‌باشد. هم مقاله و هم رساله هر دو براساس مدارك گوناگونی‌من‌جمله اسناد «بایگانی دولتی مـرکزی تاریخ نظامی» درمسکو و «بایگانی مرکـزی تاریخی‌گرجستان» نوشته شده‌اند. ت. س .کوروتکوواسیاست داخلی دولت ایران را در سالهای ۱۹۱۵-۱۹۱٤و خصوصیت بی طرفی ایران را درجنگ مورد تجزیه و تحلیل قرارمی‌دهد وسپس به‌تشریح سیاست و فعالیت‌های خرابکارانه‌آلمان وترکیه می‌پردازد. مقاله‌دیگرت.س. کوروتکووا به‌نام «ایران درآستانه جنگ جهانی اول» دارای ارزش است . نویسنده در این مقاله اوضاع اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی پیش از جنگ ایران را شرح می‌دهد .

هم چنین مقاله ماریا ایوانوواMaria Ivanova تحت عنوان «تجاوز آلمان به ایران در سالهای جنگ جهانی اول» که در«یادداشت‌ها و مدارك موسسه بررسی‌های خاوری» منتشر شده است، حائزاهمیت می‌باشد.

سیاست ایالات متحده امریکا درسالهای جنگ درایران درمقاله عبدالله‌اف به‌نام «ازتاریخ روابطایران وامریکا درجنگ جهانی اول[۱۵]» تجزیه وتحلیل شده است . این مقاله به ضمیمه خلاصه‌ای از ترجمه آن به زبان روسی در آذربایجان شوروی منتشر شد.

عملیات نظامی بریتانیا در جریان جنگ در مقاله من زیرعنوان «نیروهای نظامی ایران وانگلیس درایران، ماوراء قفقاز وترکستان در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱٤» شرح داده شده است و حوادث اشغال خاك ایران به وسیله انگلستان و استفاده از آن به منظور تهاجم علیه شوروی درسالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸ درکتاب من موسوم به «توسعه نفوذ بریتانیا درایران[۱۷]» بیشتر مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفته است . مقدمه این کتاب شامل شرح مختصر جنگ جهانی اول و تأثیر آن در ایران تا آخر سال ۱۹۱۷ است .

من برای تالیف این کتاپ از مدارك منتشر شده ومنتشر نشده «آرشیوهای دولتی مرکزی ارتش سرخ» استفاده کرده‌ام.

حوادث جبهه روس وترکیه در شمال غربی ایران به‌صورت خاطرات درکتاب جالب ا.ج. املجانف A. G. Emel'Janov موسوم به «جبهه‌ایران [۱۸]» شرح داده شده است . املجانف در ایام جنگ درایران بود و بنابراین کتابش حوادث و روح زمان را بسیار خوب منعکس می‌کند. هم چنین تاریخ جنگ درجبهه ایران درکتاب «جنگ جهانی درجبهه قفقاز[۱۹]» تالیف یك مهاجر روسی بنام ماسلووسکی Evgenii Maslovsky تشریح شده است .

هم‌چنین نیکیتین V.P. Nikitin قنسول سابق روس در شمال غربی ایران حوادث این دوره را درکتاب خود زیر عنوان «ایرانی که‌من‌شناختم[۲۰]» بیان کرده است . بررسی های این مولف درباره مسائل کردی بسیار جالب می‌باشد . کتاب در پاریس نوشته شده و در تهران به زبان فارسی ترجمه و منتشر گردیده است (من در باره وجود نسخه فرانسوی این کتاب اطلاعی ندارم) .

نیکیتین درسال۱۹۲۳مقاله کوتاهی تحت عنوان «نظری کلی درباره صحنه جنگ بزرگ درشمال غربی‌ایران» نوشت، که در روزنامه فرانسوی‌آسیای فرانسه منتشر گردید[۲۱].

پس از آثار مذکور جنبه های نظامی تاریخی، و سیاسی مساله ما قراردارند. دراین زمینه هم‌کتاب های متعددی وجود دارندکه راجع به‌اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران درآستانه جنگ و درجریان آن بحث می‌کنند. درمیان‌آثارشوروی‌کتاب اساسی بوبینین N.K.Bobynin تحت عنوان «ایران، اوضاع اقتصادی و بازرگانی‌آن در سال‌های ۱۹۲۳ـ۱۹۰۱ـ[۲۲]» بسیار قابل توجه است . مقاله س. میتزکه در مجله «خاور نو» چاپ شده درباره‌بازرگانی‌ایران دردوران جنگ‌بحث می‌کند[۲۳].

شرح اختلاف زندگی اجتماعی و اقتصادی را در ایران در «منافع اقتصادی روسیه در ایران [۲۴]» اثر تر. گوکاسف Ter-Gukasov و«اوضاع اقتصادی ایران جدید [۲۵]» نوشته کاسیسG.Ya.Kassis که درآغاز جنگ‌منتشرشدند، وهم‌چنین درچاپ‌قبل ازجنگ«شرح‌خلاصه‌آماری‌واقتصادی‌ایران[۲۶]»تالیف سوبوتسینسکیL.A.Sobotsinsky و«بررسی نظامی وآماری ایران[۲۷]» اثر مدودف A.I.Medvedev و «روابط اجتماعی وسیاسی درایران[۲۸]»تالیف. ل. ف.تیگرانفL.F.Tigranov وکتب دیگر می‌توان دید.

در مورد تاریخ عمومی جنگ جهانی اول می‌توانم کتابهای روسی « جنگ جهانی اول » [۲۹] اثر ن. ا. تالنسکی N·ATalensky و « جنگ‌جهانی ۱۹۱۸ـ۱۹۱۴»[۳۰] تألیف زایونچکووفسکی و«مبارزه‌دیپلوماتیک در دوران جنگ جهانی اول»[۳۱]نوشته‌نوتوویچNotovich و«اروپادرعصرامپریالیسم[۳۲]» اثر تارل E.v.Tarle را توصیه‌کنم. اطلاعات آماری مربوطه

را می‌توان در یک مجموعه مقالات زیر عنوان «جنگ جهانی با ارقام» یافت[۳۳].

همچنین من یک سری از کتاب‌ها، مقالات و نطق‌های ایلیچ من جمله «حوادث بالکان و ایران[۳۴]»، «امپریالیزم به‌مثابه آخرین مرحله سرمایه‌داری[۳۵]» و «درباره صلح جداگانه[۳۶]» و «یادداشتهائی در باره[۳۷] امپریالیزم» راتوصیه می‌کنم. او درمقاله «درباره صلح جداگانه» که در سال ۱۹۱۶ منتشر شد، نوشت که این جنگ «... مولود روابط غارتگرانه بین دول بزرگ برسر تقسیم غنائم و بلعیدن مستعمرات وممالک کوچک است ...» ودراین جنگ « ... دو کشمکش عمده وجود دارد. کشمکش نخست بین انگلیس و آلمان و کشمکش دوم بین آلمان وروسیه است. این سه دولت بزرگ، این سه راهزن، نمایندهٔ نیروهای عمده این جنگ می‌باشند ، بقیه متحدین وابسته هستند.»

اکنون اجازه بدهید به‌برخی از کتب منتشره در ممالکی که مانند روسیه نقش قاطعی در تاریخ سیاسی و نظامی ایران در سراسر دوره مورد بحث داشتند، مراجعه کنیم، مقصود من از این ممالک ، متفقین روسیه انگلستان و فرانسه از یکطرف و آلمان از طرف دیگر وسرانجام خود ایران است .

البته آرشیوهای بریتانیائی باید به‌روی محققین جنگ جهانی اول گشوده شود. درمورد سیاست دوره قبل از جنگ اسناد و مدارک منتخبه‌ای که در کتاب معروف «مدارکی درباره سیاست خارجی بریتانیا در سالهای ۱۹۱۹-۱۹۳۸[۳۸]» منتشر شده، در اختیار مورخین قرار دارد. وضع از لحاظ مدارک نظامی کمی بهتر است . در بریتانیا یک کتاب چهار جلدی درباره تاریخ جنگ در بین‌النهرین منتشر شده که محتوی یک سلسله مدارک درباره جنگ انگلیس و ترکیه در بین‌النهرین و نقاط مجاور ایران است[۳۹] . درموارد زیادی

اسنادمذکور به‌صورت خلاصه یاتفسیرشده‌ای ارائه‌گردیده است اما باوجوداین، می‌توان این‌کتاب را یك منبع رسمی شمرد. مجموعه «آمارکوشش‌های‌نظامی امپراطوری بریتانیا در جنگ بزرگ[40]» حائز اهمیت زیادی است. مطالبی‌که‌دراین مجموعه آمده به‌ما اجازه می‌دهد تانتایج اقدامات‌نظامی بریتانیا را در جبهه‌های مختلف درجریان‌جنگ جمع‌بندی‌کنیم.

به‌علاوه، یك سلسله یادداشت‌ها و خاطراتی‌که می‌توان آنها را منابع‌موثق محسوب داشت، کمبودمدارك واسناد منتشره در انگلستان را در جنگ جهانی اول جبران می‌کند، از آن جمله‌اند «خاطرات‌جنگ[41]» نوشته‌داویدلویدجورج واثراساسی وینستون چرچیل بنام «بحران‌های‌جهانی[42]».

یادداشت‌های آنهائی‌که در حوادث شرکت داشتند، تا آنجاکه درباره تاریخ ایران‌در این‌ایام است، ارزش‌ویژه‌ای دارند. اغلب نویسندگان این یادداشت‌ها ازافسران‌وسرداران ارتش‌انگلیس بودند. کامل‌ترین شرح و وصف جنگ در ایران درجلد دوم‌کتاب سایکس Sykes موسوم به «تاریخ ایران»[43] آمده است. اما نوشته سایکس در خصوص جنگ در ایـران مغرضانه و یك‌طرفه است. اودقت و توجه اصلی خود را روی حوادث بخش جنوبی‌کشور درسالهای ۱۹۱۸-۱۹۱۶که برای ایران آنقدرها اهمیت نداشت، متمرکزکرد و از شرح جریان جنگ درناحیه جبهه قفقاز یا چشم پوشید ویا وقایع‌آنرا عمداً تحریف‌کرد. این غرض ورزی‌که یك مورخ واقعی باید ازآن به‌دور باشد، به‌طور قابل ملاحظه‌ای از ارزش سایکس‌که هنوز هم‌کتاب‌درسی دانشگاههای انگلستان‌است،کاست. معذلك، این کتاب را میتوان به‌عنوان مجموعه مطالب مفید در باره تاریخ ایران در دوره جنگ مورد استفاده قرارداد. هم‌چنین درکتاب

«ایران»[۴۴] سایکس که به‌وسیله اکسفوردچاپ شده ونیز درمقالاتی
در«مجله‌جغرافیائی»[۴۵] ودیگرمجلات به‌طبع رسیده مطالب‌جالبی
می‌توان‌یافت. مبارزه مسلحانه بریتانیا برضد قبایل‌جنوبی‌ایران
درکتاب ژنرال ر. ا. ه. دایر Dyer موسوم به «مهاجمین
سرحدی»[۴۶] و در اثر ژنرال دوگلاس فرمانده «جبهه شیراز»
تحت عنوان «جاده بوشهر - شیراز ۱۹۱۹-۱۹۱۸»[۴۷]، تشریح
شده‌است. سرکونور Sr . T . O'Connor قنسول‌سابق‌بریتانیا
در شیراز وقایع جنوب ایران را در یادداشت‌های خود شرح
می‌دهد[۴۸].

ژنرال و. ا. ر. دیکسن Dickson فرمانده «خط جنگی
خاوری ایـران» درکتابش «ایران خـاوری ، مرداب جنگ
بزرگ»[۴۹] به‌تفصیل درباره تجهیز نیروی بخش جنوبی‌مرزهای
ایران‌وافغانستان وایران وهندوستان وهم‌ساختمان جاده دزداب
(زاهدان) مشهد ، که برای توسعه بازرگانی هند وایران مورد
استفاده انگلیس قرارگرفت ، صحبت می‌کند . این جاده ضمناً
به‌عنوان جاده سوق‌الجیشی اصلی برای قشون و. مالسون که بر
ضد ارتش شوروی درترکستان واردجنگ شد، به‌کار رفت. در
کتاب دیکسون مطالب زیادی درباره زندگی‌اقتصادی ووضعیت
سیاست داخلی درایران خاوری وجود دارد. حوادث آخرین
دوره جنگ جهانی اول در ایران و تاریخ استفاده از خاک‌آن
به‌مثابه پایگاه مداخلـه ضد شوروی در خاطرات بسیار معروف
ژنرال دنسترویل * تحت عنوان «ماجراهای نیروی دنستر»[۵۰]
وکتاب م. ن دونوهو M . T . Donoho بنام «با ارتش‌اعزامی
به ایران»[۵۱] ومقالات ژنرال‌و. مالسون، سرهنگ‌تود وکنسولیس
ودیگران به‌تفصیل تشریح شده است .

---

* Dunsterville

برای بررسی دوره جنگ جهانی در ایران و بین‌النهرین کتب سر آرنولد.ت . ویلسون Sir Arnold T · Wilson به‌نامهای «وفاداری . بین‌النهرین ۱۹۱۷-۱۹۱٤»[۵۲]، «بین ـ النهرین ، ۱۹۲۰-۱۹۱۷ : پایان وفاداری»[۵۳]، «جنوب غربی ایران: یاداشتهای یك افسر سیاسی در سال‌های ۱۹۱٤-۱۹۰۷»[۵٤] وآثار دیگر او بسیار سودمند است . در «خاطرات چهارجبهه»[۵۵] ژنرال و . مارشال . و «شورش بین‌النهرین ۱۹۲۰»[۵٦]، ژنرال ا . ل . هالدان Haldan ، فرماندهان سابق قشون بریتانیا در بین‌النهرین ، اطلاعاتی راجع به‌جنگ در ایران وجود دارد . فعالیت واسموس Wassmus درجنوب ایران در کتاب «واسموس، لاورنس آلمانی»[۵۷] نوشته کریستوفر سایکس تشریح شده است . مؤلف کتاب اخیر به خاطر جذابیت داستان برخی اوقات مرتکب خطاهای تاریخی می‌شود . نویسنده این کتاب ، مانند دیگر نویسندگان انگلیسی در تشریح توسعه و پیشرفت نفوذ آلمان در ایران، برای توجیه عملیات تجاوزکارانه بریتانیا در خاور نزدیك که هدف آن مبارزه برضد «تهدید هند بوسیله آلمان» بود ، مبالغه کرده است. ج . م . بالفور J· M· Balfour معاون سابق مشاور مالی انگلیسی دولت ایـران کتابی به نام «وقایع اخیر ایران»[۵۸] نوشته که ازخصوصیات آن واقع‌بینی قابل‌ملاحظه در تجزیه وتحلیل سیاست انگلیس درایران است. این کتاب دارای اطلاعات زیادی درخصوص اوضاع اجتماعی وسیاسی ایران پس ازجنبش مشروطیت است وبه‌تفصیل وقایع سیاسی ۱۹۲۱-۱۹۲۰ راتشریح میکند .

کتاب « میدان جنگ قفقاز. تاریخ جنگهای مرز قفقاز وترکیه در سال‌های ۱۹۲۱ ـ ۱۸۲۸»[۵۹] نوشته پ . موراتف P . Muratoff تنها اثر تاریخی مهم انگلیسی است که در آن

حوادث نظامی شمال غربی ایران تشریح گردیده است . چون موضوع اصلی کتاب بررسی تاریخ جنگهای مرز قفقاز وترکیه در طی یك قرن است، بنابراین مولف توجه غیرکافی به تاریخ جنگ ۱۹۱۷-۱۹۱۵ روس وترکیه دربخش ایرانی جبهه قفقازمبذول داشته است. یکی ازنقایص عمده این قسمت از کتاب عدم استفاده کافی ازمنابع وادبیات روسی است .

آثار انگلیسی فراوانی درباره این موضوع وجود دارد. اما من فقط به ذکر منابع بسیارمهم اکتفا کرده ام .

آثارفرانسه درباره تاریخ ایران در دوره جنگ جهانی اول زیاد نیست، اما به نظرمن برخی از آثار مؤلفین فرانسوی به طور قابل ملاحظه ای سودمند است. درمیان آنها اثرتاریخی مهمی به نام «جنگ ترکیه درجنگ جهانی»[٦٠]، نوشته میشل لارشه Larcher وجود دارد. این کتاب باوجود شرح ناقص عملیات نظامی، دارای مطالب سودمند زیادی است وتاریخ جنگ جهانی اول درآسیای صغیر در آن به طور عینی تجزیه وتحلیل گردیده است. دوره اولیه جنگ در ایران وسیاست آلمان درخاورنزدیك از نقطه نظر فرانسه در کتاب های «مسأله ایران وجنگ»[٦١] و «روش های ترکیه وآلمان»[٦٢] نوشته ج. دمورگنی G.Demorgny وهم چنین درکتاب اندره شره دام تحت عنوان «نقشه افشاشده جهانجویان آلمانی» که بروسی و انگلیسی ترجمه شده، تشریح گردیده است .

این کتـاب در نیویورك تحت عنوان «توطئه افشا شده جهانجویان آلمانی»[٦٣] به طبع رسیده است .

مقاله مفصلی زیر عنوان « آلمانها در ایران »[٦٤] نوشته آ. دوکرك A . Ducroq به سیاست آلمان درایران در جنگ جهانی اول اختصاص داده شده است . دوکرك اگراشتباه نکنم،

مدتی نماینده نظامی فرانسه دراین کشور بود. کتاب امیل‌لوزوئر به‌نام «انگلیس‌ها درایران»[۶۵] نیزسودمند است. این نویسنده که یك شوونیست «جدی» فرانسوی است ــ خصوصیت تجاوزکارانه سیاست انگلیس را درایران که منافع متحدش فرانسه را زیرپا می‌گذاشت مورد تجزیه وتحلیل قرارمیدهد. این کتاب بدون‌شك به‌فهم سیاست دول بزرگ درایران که به‌طورعمده درمنابع انگلیسی ازنقطه نظر بریتانیا مورد بحث قرارگرفته کمك می‌کنند. یادداشت های رهبران سیاسی و نظامی فرانسه مانند « در خدمت فرانسه»[۶۶] نوشته ریموند پوانکاره و «روسیه تزاری در آستانه انقلاب»[۶۷] اثر پالئولوك Paleologue که من‌فقط ترجمه‌روسی آنرا دیده‌ام، وغیره ، هرچند دارای مطالبی که به‌طور مستقیم به موضوع بحث ما مربوط باشند نیستند، ولی جالب و سودمند می‌باشند .

آثار امریکائی درباره وضع ایران در جنگ جهانی‌اول زیاد نیستند. دراینجا باید این موضوع را متذکرشوم که ما در روسیه‌باتمام نوشته‌های دانشمندان امریکائی دراین زمینه آشنائی نداریم‌وامیدوارم این نقیصه‌را درمدت اقامت خود درکشورشما برطرف نمایم .

به‌نظر من‌انتشار رسمی‌مدارك سیاسی‌امریکائی‌درباره‌دوره جنگ‌جهانی‌اول که من‌آنهارا«اسنادروابط‌خارجی‌ایالات‌متحده» خواندم، حائز ارزش زیادی است. آنها شامل‌سری‌های «جنگ جهانی»، «روسیه۱۹۱۸» و«مدارك‌لانسینك* ۱۹۲۰-۱۹۱۴»[۶۸] می‌باشد .این کتاب‌ها به‌طور وسیع مورداستفاده محققین‌شوروی در مطالعهٔ تاریخ روابط بین‌المللی درشرق قرارگرفته است . هم‌چنین‌می‌خواهم‌مجموعه‌مدارك قابل‌ارزشی‌را درباره‌دیپلوماسی

*Lansing پایتخت میشگان (م)

خاور نزدیک تحت عنوان «دیپلوماسی درخاور نزدیک ومیانه»[۶۹] تألیف هورویتس J . C . Hurewitz ذکر نمایم. کتاب «روابط سیاسی ایالات متحده امریکا وایران درسال‌های ۱۹۲۱–۱۸۸۳»[۷۰] نوشته ا . یزلسون A . yeselson راهنمای عمومی خوبی برای مطالعه تاریخ روابط امریکا وایران است. دکتر فیروزکاظم‌زاده در اثر خود به‌نام «مبارزه برای ماوراء قفقاز ازسال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱»[۷۱] درباره تاریخ ایران درجنگ جهانی اول سخن می‌گوید. او راجع به‌مساله روابط ایران وآذربایجان در ۱۹۲۰–۱۹۱۹ وفعالیت هیئت نمایندگی ایران درکنفرانس صلح پاریس ودیگر مسائل سیاست خارجی بحث می‌کند. ن. س. فاطمی درکتابش تحت عنوان « تـاریخ دیپلوماسی ایـران »[۷۲] و ژرژ لینچووسکی George Lencrovsky درنوشته‌اش در باره «روسیه وغرب درایران»[۷۳] سیاست دول بزرگ را درایران بعداز سال ۱۹۱۷ مورد تجزیه وتحلیل قرار می‌دهند .

دشمنی آشکار ژرژ لنچووسکی با شوروی کتاب بزرگش را بیش ازحد مغرضانه کرده وارزش آنرا به‌طورقابل ملاحظه‌ای پائین آورده است .

درنوشته‌های عمومی مؤلفین امریکائی درباره تاریخ ایران، جنگ جهانی در ایران به‌طور اختصار مورد بحث قرارگرفته است، مقصودم کتاب «ایران»[۷۴] ریچارد فرای Frye است که در آن فقط دویـا سه صفحه به‌این دوره اختصاص داده شده و همین طوراست کتاب «تاریخ جدید ایران[۷۵]» نوشته ژوزف اپتون.

منـابع روسی ، انگلیسی ، فرانسوی و امـریکائی نقطه نظرهای مختلف هریك ازاین گروهها را درمبارزه برای تقسیم ایران وترکیه درجنگ جهانی اول منعکس می‌کنند. اکنون میل دارم مختصراً کتاب‌هائی راکه نظریات دسته‌بندی دول مرکزی

برهبری آلمان را منعکس می‌نماید، مرور کنم .

نوشته‌ها و آثار نویسندگان درباره این موضوع و تاریخ ایران درآغازقرن بیستم به‌طور کلی، کاملا مورداستفاده مورخین روس قرار نگرفته است. علت این امر این است که کتب آلمانی راجع به‌این‌موضوع درکتابخانه‌های ما کم است. بنابراین لیست کتب آلمانی مورد توصیه من ناقص خواهد بود .

کتاب «زیر آفتاب سوزان ایران»[۷۶] نوشته اسکار نیدرمایر Oscar Niedermayer درباره‌تاریخ ایران درجنگ جهانی اول است. مؤلف رئیس سابق میسیون نظامی آلمان بود و در سال ۱۹۱۵ ازایران به‌افغانستان رفت. او در این کتاب به‌تفصیل راجع‌به‌ماجراهای عوامل آلمانی دراین دوکشور درآغازجنگ سخن‌می گوید. همچنین‌اثر گریزینگر Griesinger , W تحت عنوان «توطئه‌های آلمان در ایران: سفرنامه یك‌نماینده آلمان، لشکرکشی نیدر مایر از راه ایران به‌افغانستان وهندوستان»[۷۷] که بزبان انگلیسی در لندن منتشر شده ، سودمند می‌باشد . عملیات نظامی در«جبهه ایران» جنگ جهانی اول درکتاب «با فیلد مارشال فون درگولتز پاشادر بین‌النهرین وایران» نوشته هانس‌فون کیسلینگ تشریح شده است . لیمن فن ساندرس‌رئیس سابق میسیون نظامی‌آلمان درترکیه دریادداشت‌های خود به‌نام «پنج سال در ایران» که به‌تاریخ جنگ درترکیه اختصاص‌دارد درباره ایران بحث می کند. هم‌چنین«خاطرات جنگ ۱۹۱٤ــ ۱۹۱٤ من»[۸۰] نوشته ژنرال‌لودن دورف رئیس ستاد ارتش‌آلمان جالب توجه است. کتاب اخیر به‌زبان روسی ترجمه شده‌است.

درکتاب ویلهم لیتن قنسول سابق آلمان در تبریز تحت عنوان «ایران‌ازنفوذ مسالمت‌آمیز تاقیمومیت[۸٤]» اطلاعات‌مفصلی درباره ایران قبل ازجنگ، و موقعیت های سیاسی و اقتصادی

دول بزرگ دراین کشور (مسلماً ازنظر آلمان) می‌توان یافت.
مؤلف بررسی خودرا درسال۱۹۱۹ تمام می کند.

در دوران جنگ آلمان‌ها به‌منظور تبلیغ نظریات سیاسی خود مجموعه مدارکی راجع به سیاست بریتانیا در ایران زیر عنوان «مدارك انگلیسی درخصوص خفقان ایران[۸۲]» که عنوانش شبیه به‌عنوان کتاب معروف مورگان شوستر امریکائی است، منتشر کردند.

اسناد آلمانی درباره سیاست امپراطوری آلمان درایران در جنگ جهانی اول تا این اواخر منتشر نشده بود. آلمان‌ها به‌ترجمه نشریات شوروی از قبیل» روابط بین‌المللی در عصر امپریالیزم[۸۳]» و «تقسیم ترکیه آسیا[۸٤]» اکتفا کردند. اما سال گذشته تحقیقات اولریخ گرکه Urich Gehrke که به ویژه در خصوص سیاست آلمان درسالهای جنگ اول جهانی می‌باشد، تحت عنوان سیاست خاوری آلمان درایران درمدت جنگ جهانی اول [۸٥]» در دو جلد دراشتوتگارت منتشر شد. در این اثر مهم تاریخ «سیاست ایرانی» آلمان با دقت مخصوص محققین آلمانی مورد بررسی قرارگرفته است، این کتاب بر اساس یك سلسله منابع جامع آلمانی ودیگر زبان‌های اروپای باختری قراردارد. «اولریخ گرکه» کمتر از آثار روسی استفاده کرده‌است. پرارزشترین جنبه کار «گرکه» استفاده اوازمدارك سیاسی وزارت امورخارجه آلمان است که پس ازشکست آلمان درجنگ دوم جهانی به‌دست بریتانیا افتاد (درواقع شایدبا افتادن این اسناد به‌چنگ دولت بریتانیا انتشار قسمتی ازآنها ممکن شده. مولف از خاطرات و یاداشت های کامل عـوامل آلمان در جنگ جهانی اول مانند نیدرمایر، واسموس، تسوگ‌مایر، ویگت Voigt ودیگران استفاده کرده است. من ازقضاوت نهائی درباره این اثر فاضلانه خود

داری می‌کنم زیرا فرصت بررسی کامل آن برایم مقدور نشد. معذلك شك نیست که این کتاب کاملترین و منظم‌ترین مجموعه اطلاعات ومطالب مفید درخصوص سیاست آلمان درجنگ جهانی اول در ایران می‌باشد. من می‌خواهم به شما توصیه کنم که به کتاب‌هائی که در اثر «گرکه» به‌آنها اشاره شده است. مراجعه نمائید. زیرا این‌کار مرا از ادامه مرور منابع آلمانی بی نیاز می‌کند.

در مورد آثار نویسندگان ترك می‌توانم کتب ترکی زیر راکه به انگلیسی ترجمه شده‌اند، توصیه کنم: «ترکیه در جنگ جهانی‌اول[۸۶]» ازاحمدامین درسری «تاریخ اقتصادی‌واجتماعی[۸۷]» جنگ‌وکتاب دیگری به همین عنوان از یالمن چاپ نیو هاون امریکا و «خاطرات یك سیاست مدار ترك» نوشته جمال پاشا، چاپ لندن.

چون‌من‌ترکی‌نمی‌دانم نمی‌توانم‌ارزش‌منابع وادبیات‌ترکی را ارزیابی‌کنم. به آنهائی‌که سوئدی می‌دانند توصیه می‌کنم به خاطرات سوئدی‌هائی‌که درژاندارمری و نیروهای پلیس ایران‌به عنوان معلم درآن‌ایام خدمت می‌کردند، مراجعه‌کنند، مقصودم Fem ar i Persien som Gendarm-officer [۸۹] نوشته هوپتمن پ نیسترم Nystrom و» گزارش‌پلیس‌ازتهران[۹۰]» نوشته برگدهال Bergdhal می‌باشد.

اسناد ومدارك رسمی ایرانی دوره جنگ جهانی اول که باید اساس‌کار محققین قرارگیرد، متاسفانه منتشر نشده است. فقط قسمتی از مدارك دیپلوماتیك وزارت امور خارجه ایران تحت عنوان «بی‌طرفی ایران[۹۱]» منتشر شده. ایـن‌کتاب فقط مربوط به‌شش ماه اول جنگ است وهدفش نشان دادن وفاداری دولت ایران به بی‌طرفی رسمی ایـران بود. معذلك این تنها

منبع مستند ایرانی مربوط به جنگ جهانی اول خالی ازفایده نیست و محتوی ،مکاتبات دولت مرکزی باحکام ایالات مختلف ، متون یادداشت های آن به دول اروپائی در خصوص نقض بی طرفی‌ایران وگزارش های حکام ایالات درباره عملیات اخلال گرانه یك افسر دستگاه جاسوسی آلمان بنام واسموس و دیگر مطالب‌است . ترجمه فرانسوی‌این‌کتاب درسال۱۹۱۹درپاریس تحت‌عنوان «Neutralite Persane[۹۲]»منتشر شد. مورخین بااین‌متن‌فرانسوی بیشترآشناهستند زیرا«بی‌طرفی ایران»برای استفاده رسمی درنسخه‌های معدوری منتشر شده واکنون بسیار نادراست .

در ادبیات ایران ده‌ها کتاب ومقاله وجوددارد که به‌طور مستقیم یاغیر مستقیم مربوط به‌جنگ جهانی‌اول درایران است. تاریخ سیاسی‌این دوره‌درکتابهای «مختصری اززندگانی سیاسی سلطان احمد شاه قاجار[۹۳]» تالیف حسین مکی و «تاریخ مختصر احزاب سیاسی» تالیف ملك الشعرای بهار منعکس شده است . حسین مکی بیهوده کوشیده است تا آخرین شاه سلسله قاجار را به عنوان‌یك«شخصیت سیاسی» معرفی‌کند، زیرا سلطان نامبرده درواقع نقش سیاسی مهمی نداشت . معذلك مولف مطالب جالب زیادی در خصوص دوره جنگ آورده است . جنگ در جنوب ایران درکتاب«فارس و جنگ بین‌الملل[۹۵]» نوشته رکن‌الدین آدمیت شرح داده شده است . مولف اخیرکتابی درباره جنگ درتنگستان نوشته‌که من‌فقط ازلحاظ‌کتاب‌شناسی با آن‌آشنائی دارم . درسال ۱۹۵۷ اولین اثر فارسی که‌تماما به تاریخ ایران درجنگ جهانی اختصاص دارد. به‌نام «ایران درجنگ بزرگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸[۹۶]»تالیف‌احمد علی سپهردرتهران منتشر گردید. کتاب سپهر محتوی‌اطلاعات،مدارك واسنادایرانی جالب زیادی

می‌باشد .

«کتاب تاریخ نهضت ایران» نوشته حلاج و «شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه[۹۸]» تالیف عبدالله مستوفی و «سیاست امریکا در ایران[۹۹]» از م. کیانفر، و «ایران و انگلیس[۱۰۰]» نوشته مهدی مجتهدی حائزاهمیت می‌باشند. در آخر جنگ جهانی اول و کمی پس از آن چند کتاب از محمود افشار درباره سیاست و رقابت دول بزرگ در ایران به زبان فرانسه منتشر شد.[۱۰۱] گزارش علی امیر تحت عنوان «حقوق ایران[۱۰۲]» و مقاله‌اش به نام «ایران و کنفرانس» در بریتانیا نشر یافتند .
جزوه سید ضیاءالدین طباطبائی موسوم به «عصر جدید در تاریخ ایران ومعاهده ایران وانگلیس[۱۰۴]»، هرچندمعروف نیست ولی مدرکی است بسیارجالب. سیدضیاءالدین آنرا وقتی که نماینده ایران در «حکومت مساوات آذربایجان» بود، نوشت. جزوه‌مزبور درباکو به «آذربایجانی» وروسی منتشر گردید . مولف کوشیدتا فایده قرارداد شوم نهم اوت ۱۹۱۹ ایران وانگلیس را ثابت کند وافکارعمومی رادرباکو برای الحاق حکومت مساوات آذربایجان به این قرارداد حاضر نماید.

خاطرات احسان‌اله خان، یکی از رهبران جنبش آزادی ملی ایران وهمکار نزدیك میرزا کوچك خان، حائزاهمیت فراوان است ، پ . ابیخ P.Abikh یادداشت‌های احسان‌اله خان را بدزبان روسی ترجمه ودرمجله «شرق جدید» تحت عنوان «جنبش ملی و انقلابی ایران در سال‌های ۱۹۲۰ ـ ۱۹۱۷[۱۰۵]» منتشر نمود .

کتاب‌های فارسی منحصر به کتاب‌هائی که در بالاذکر کردم نیست. من فقط کتاب‌هائی را که برای بررسی این دوره مفیدتر است. نام بردم .

***

درآستانهٔ‌جنگ، ایران یك کشور مستقل رسمی بودوحکومت مشروطه سلطنتی داشت. انقلاب ایران مردم ایالات وسیع ایران را به فعالیت سیاسی برانگیخت، اما فقط مشروطیت ناقصی که از نمونه‌های غربی تقلید شده بود و یك پارلمان به نام «مجلس» داشت، به وجود آورد. انقلاب اساس فئوالی وشیوه‌های تولید را درایران تغییر نداد. روابط سرمایه‌داری، تازه درکشور شروع به نشوونما کرده بود. بنابراین قدرت سیاسی دردست گروه ملاکین فئودال بود که درکابینه‌های کوتاه مدت جانشین یکدیگر می‌شدند. درراس دولت آخرین نماینده سلسله منقرض شده قاجار، سلطان ضعیف‌النفس احمد شاه قاجارقرارداشت.

قدرت دولت مرکزی وشاه قاجار در قسمت اعظم مملکت به‌ویژه درایالات دورافتاده بسیار محدود بود. حکومت ایالات در دست خان‌های عشایر و فئودال‌ها بود که مالك املاك وسیع، چادرها و قصبات بودند و قوای شبه‌نظامی مخصوصی داشتند.

توده‌اصلی مردم که دهقانان راتشکیل می‌دادند روزبروز فقیرتر و سیه‌روزتر می‌شدند. بسیاری از دهقانان به شهر می‌گریختند، ولی به‌علت عدم‌رشدصنایع ملی، کاری پیدا نمی‌کردند و به‌ارتش بیکاران آواره ودربدر می‌پیوستند. عده‌ای‌ازایرانیان هرسال برای امرار معاش به مناطق مجاور روسیه و دیگر کشورها مهاجرت میکردند. به‌قول ل.ف.تیگرانف Tigranov اقتصاددان روسی«غارت گری‌وظلم وستم» درکشورایران امری معمولی بود [۱۰۶].

کشور ایران ازلحاظ‌سیاسی واقتصادی بی‌اندازه ناتوان بود. درآغازجنگ قرض‌دولتی بالغ‌بر۷ میلیون لیره (معادل ۱۵٤ میلیون تومان) بود وپرداخت‌بهره وام‌های‌خارجی‌یك‌سوم

تمام درآمد سالیانه‌را می‌بلعید. بریتانیا وروسیه طلبکاران اصلی وعمده ایران بودند ومواضع اقتصادی آنها دراین کشور محکم بود. انگلیس امتیاز بهره‌برداری ازمنابع نفتی جنوب ایران، خطوط تلگرافی، کشتی‌رانی در رودکارون وخلیج فارس رادردست داشت سرمایه بریتانیائی به‌وسیله «بانك شاهنشاهی» تمام حیات مالی مملکت راکنترل می‌کرد. این بانك نرخ ارزرا تعیین وعوارض گمرکی ومالیات‌های داخلی‌راکنترل می‌نمود و دارای امتیاز نشراسکناس بود. در مقابل، روسیه‌تزاری «بانك‌استقراضی» را که‌به‌مثابه ابزارکنترل‌مالی‌اقتصادایران‌بود، تأسیس‌کرد. امتیاز ساختن راهها و خطوط‌تلگراف، شیلات بحرخزروکشتی‌رانی‌در دریاچه ارومیه(رضائیه) دردست روسیه بود. روس‌ها تنها نیروی نظامی مؤثر ایران یعنی بریگادقزاق شاهی‌راکنترل‌می‌کردند. برطبق موافقت نامه ۳۱ اوت ۱۹۰۷ روس وانگلیس، ایران‌به دومنطقهٔ نفوذ تقسیم شده بود: قسمت شمال منطقهٔ نفوذ روسیه و ایالات جنوبی‌منطقهٔ نفوذانگلیس بود. این‌دورقیب‌قسمت‌مرکزی ایران‌را ناحیه بی‌طرف اعلام‌کردند.

در این اوضاع‌واحوال بریتانیا و روسیه درواقع‌صاحبان زندگی سیاسی و اقتصادی ایران بودند. ایلیچ ایران آن زمان را یك نیمه مستعمره یاکشوری‌که «از لحاظ سیاسی» رسماً مستقل ولی عملا دردام‌های وابستگی اقتصادی و سیاسی گرفتار است، تعریف‌می‌کرد. [۱۰۷]

ازآغاز قرن بیستم نفوذ امپراطوری‌آلمان‌عامل مهمی در حیات سیاسی واقتصادی ایران می‌شود. شیوه‌های توسعه طلبی سیاسی واقتصادی‌آلمان درایران باسیاست‌روسیه وبریتانیاتفاوت داشت. آلمان‌ها می‌کوشیدند بازرگانی‌خودرا با ایران‌توسعه دهند. آنها از هیچ‌گونه کوششی برای به دست آوردن امتیاز

ساختن راه‌آهن فروگزار نمی‌کردند (درسال ۱۹۱۱ برطبق موافقت نامه پتسدام رضایت روسیه را برای ساختن رشته راه آهن بغداد- خانقین به‌دست آوردند).

اما توجه اساسی آنها به نفوذسیاسی در کشور ودیگر هدف‌ها معطوف بود. ایران پربود ازعوامل سیاسی آلمان که بامحافل دولتی نمایندگان مجلس، مسئولین ادارات ایالات وخان‌هاورو‌سای عشایر که‌در اختیار آنها اسلحه و مهمات فراوان می‌گذاشتند ، تماس برقرار می‌کردند. عوامل آلمانی به‌عنوان متخصصین فنی، معلمین نمایندگان شرکت‌های بازرگانی و صنعتی ، پزشکان و مبلغین مذهبی در سراسر کشور پخش شده بودند . معلمین آلمانی در آموزش وپرورش افسران ارتش ایران شرکت داشتند. آنها بامعلمین سوئدی پلیس و ژاندارمری تماس برقرارکرده کوشیدند تا این نیروی نظامی را در تحت نظارت خود درآورند. حجم تجارت آلمان وایران به‌سرعت زیاد می‌شد واز سال ۱۹۰۳ تاسال ۱۹۱۲ چهل برابر گردید . اما این رقم فقط سرعت توسعه سرمایه آلمانی را نشان می‌دهد ونه برتری آنرا ، زیرا مقدارصادرات آلمان به ایران از لحاظ ارزش دوازده‌بار کمتر از صادرات روسیه وشش بارکمتر ازصادرات بریتانیا به‌ایران بود ،آلمان راه خود را برای شرکت فعالانه در غارت و چپاول ایران هموارمیکــرد . معذلك مواضع سیاسی واقتصادی این کشور بسیارضعیف تر ازمواضع ممالك روس و انگلیس بود.

درآغاز قرن بیستم ایالات متحده امریکاعلاقه‌شدیدی نسبت به ایران نشان می‌داد که تا اندازه قابل توجهی به‌واسطه کشف منابع سرشار وغنی نفت درجنوب مملکت بود . معذلك این علاقه خیلی دیر ابرازشد و شانس‌های موفقیت کم بود . باوجود این بازرگانی امریکا با ایران بزودی فزونی گرفت اماحجم آن مثل

حجم بازرگانی آلمان زیادنبود. کمی پیش ازجنگ اقدام امریکا درایران مورد مخالفت روس و انگلیس قرار گرفت و به شکست انجامید. امریکائی‌ها نخستین کوشش خودرا برای کنترل مالیهٔ ایران به‌وسیله هیئت مورگان شوشتر Morgan Shuster به‌کار بردند. آنها ازپشتیبانی سری بریتانیاکه ازاعمال فشار برروی «شریك» خود درایران ابائی نداشت. برخوردار بودند، اما شوستر پس از یکسال فعالیت تحت فشارروسیه‌تزاری و انگلیس مجبور شد هیئت خودرا ازایران خارج کند. درآن سال‌های خطرناك پیش ازجنگ بریتانیا نمی‌خواست باروسیه‌قطع رابطه کند. تنها نتیجه فعالیت امریکاکتاب معروف‌مورگان‌شوستر تحت عنوان«خفقان ایران»* است که درآن‌روسیه‌بشدت‌به‌جرم امتناع ازقبول‌یك‌رقیب دیگر مورد حمله قرار می‌گیرد.

کشورهای اروپائی فرانسه، بلژیك وسوئدوبرخی دیگر نفوذ بسیار ناچیزی در ایران داشتند؛ این‌نفوذبه‌هیچوجه‌با‌نفوذ بریتانیا وروسیه قابل مقایسه نبود. در واقع‌این دودولت‌خدایان قلمروهای سیاسی ایران‌بودند. جریان سیاست‌ایران و ترکیب کابینه‌های‌کوتاه مدت آن‌به‌میل واراده‌روسیه وبریتانیاکه برخی اوقات با نیروی نظامی‌خود اعمال‌زورمی‌کردند، تغییر می‌یافت در حقیقت چیز زیادی از حاکمیت ایران باقی نمانده‌بود وفقط رقابت روس و انگلیس بودکه مانع ازتبدیل‌کشور به‌یك‌مستعمره واقعی‌گردید. معذلك معاهدهٔ ۱۹۰۷ آشکارا نشان‌دادکه‌آن‌زمان زیاد دور نیست‌که تقسیم ایران بین روس و انگلیس‌شکل قاطع به‌خود گیرد. جنگ جهانی‌اول‌هنگامی که ایران‌دراین‌وضع‌فلاکت بار بود، آغاز گردید.

---

*Strangling of Persia

***

برطبق تعریف بسیار مشهور کلوزویتز* جنگ ادامه‌سیاست باوسایل دیگر یا دقیق‌تر ادامه سیاست بااعمال زوراست. دولتها با شروع جنگ نه باکمك دیپلوماسی بلکه به‌یاری ارتش‌ها به‌هدف می‌رسند .

عمق و شدت اختلافات و تضادهای آلمان و انگلیس را می‌توان ازیادداشتی که ویلهلم دوم قیصر آلمان با دست خود در حاشیه تلگراف ۳۰ ژوئیه سفیر آلمان در پترزبورگ نوشت ، مورد داوری‌و قضاوت‌قراردارد. او نوشت: «اکنون تمام‌این‌دستگاه (سیاست انگلستان ل.ی.م) را بایدبه سرعت‌به‌مردم نشان دادو ماسك صلح‌دوستی مسیحی را درید و دو روئی و تزویر خشکه مقدسانه صلح‌طلبان‌را برملاکرد !! وقنسول‌هـای ما درترکیه و هند ونمایندگان ما در اینجا وآنجا باید تمام جهان مسلمان را به‌آتش‌شورش برضد دوره گردان‌نادرست و نفرت‌انگیزودروغ گو بکشند، زیرا اگر ما مجبورشویم خون خودرابی‌دریغ بریزیم؛ بریتانیا نیز بایستی دست‌کم هندوستان را ازدست بدهد» . این جملات ازکتاب تازه‌ای‌که اولریخ گرکه تحت‌عنوان « سیاست خاوری آلمان درایران [۱۰۹]» منتشرکرده، نقل‌شده‌است. هدفهای جنگ‌آلمان در خاورمیانه بسیارزیادبود. من‌دراینجا نمی‌خواهم درباره‌آرزوهای خیالبافانه‌آلمان ومقاصد پان‌ترکیست‌ها برای فتح و تصرف‌آسیای مرکزی، افغانستان وهندوستان صحبت‌کنم زیرا این نقشه‌ها و مقاصد هرگز زمینه واقعی نداشتند . اما امپریالیسم آلمان‌نقشه‌های واقعی‌تری‌در این‌منطقه داشت.

---

* karl von clausewitz(۱۷۸۰-۱۸۳۱)سردار پروسی، مولف رسالهٔ معروف «درباره‌جنگ» (م)

آلمان می‌خواست به کمك نیروهای ترکیه به‌سواحل خلیج فارس که به‌وسیله بریتانیا سدشده‌بود، دست‌یابد. آلمان‌می‌کوشید روس و انگلیس را از ایران بیرون راند. از طرف‌دیگر ترکیه نیز تلاش می‌کرد با پشتیبانی آلمان (نیرومند) مرزهای‌خودرا به برخی از نواحی شمال‌غربی ایران(که قسمتی‌ازآنرا پیش‌از جنگ جهانی اشغال کرده بود) و بعضی از مناطق ماوراء قفقاز گسترش دهد. در طول مدت سال‌های انقلاب ایران ، ترکیه برخی از نواحی‌آذربایجان را در غرب دریاچه رضائیه اشغال کرد و حکومت خود را در‌آن سامان مستقر نمود. ترکیه‌بعد، تحت فشار روس، قشون خودرا ازآنجا بیرون‌برد. واختلافات مرزی ایران وترکیه به‌وسیله یك‌کمیته بین‌المللی تعیین حدود مرزی حل‌شد . روسیه تزاری با ترکیه حساب‌های قدیمی‌داشت و امیدوار بود با فرارسیدن جنگ مساله بغازهارا به‌نفع خود حل کند ، بریتانیا می‌خواست‌متصرفات‌آسیائی‌امپراطوری‌عثمانی راگرفته و یك‌زنجیرممتد مستعمراتی‌ازکشورهای وابسته واسیر ازمصر تاهندوستان به‌وجودآورد . به‌علاوه بریتانیا آرزومی‌کرد از تصرف بغازها به‌وسیلۀ روسیه‌تزاری جلوگیری به‌عمل‌آورد . بریتانیا وروسیه هرکدام نقشه‌های‌مخصوصی برای‌تحکیم‌موقعیت خود درایران‌داشتند. اختلاف‌بین‌آنهادرآن‌زمان بر سر مسائل اساسی نبود. وقتی‌که جنگ دراروپا شروع شد . هنوز درآسیا سخنانی درباره صلح وبی‌طرفی به‌گوش می‌رسید. امااین‌سخنان سرپوش‌آخرین تدارکات جنگی بود . مدت‌زیادی‌پیش ازآن‌که رزم‌ناوهای«گبن» و«برسلو»ی‌آلمان‌با بمباران‌بنادر دریای‌سیاه جنگ را در خاور نزدیك افتتاح‌کنند نیروهای ترکیه شروع به‌تمرکز در مرزآذربایجان ایران‌کردند. روسیه نیز به مقابله ارتش ترکیه شتافت . این‌کشور نه‌تنها در ماوراءقفقاز بلکه در

خاك ایران هم نیرو داشت .

روسیه قبل ازجنگ باترکیه دو واحد (واحدهای ماکو وآذربایجان) مرکب ازنه‌گردان‌پیاده،دوهزار وهشتصد سوار با سی‌عراده توپ درخط مرزی نواحی‌آذربایجان مستقرنمود .در مقابل، ترکیه یك‌لشکر ژاندارم ، نیروهای مرزی و دسته‌های سوار در ناحیه مجاور آذربایجان پخش کرد، به‌اضافه،دسته‌های کوچك (اتریاد) قوای روس در اردبیل‌وقزوین مستقرشدند[۱۱۰] ترکیه، قبل از جنگ، ارتش سوم خود را درآناطولی خاوری متمرکز کرد، قوای این‌ارتش درآناطولی تقریباً باقوای ارتش قفقاز برابر بود ،درآغازجنگ قوای قابل ملاحظه‌ای از قشون روس (دوسپاه وپنج لشکرقزاق) از قفقاز به‌جبهه‌اروپا فرستاده شدند و۱۰۰ گردان و۱۴۳ سوتنیا* و۳۰۰عرادهٔ‌توپ در قفقاز باقی‌ماندند. پس ازبسیج اضافی دراوت ۱۹۱۴ یك ارتش‌قفقازی جدید به فرماندهی سرتیپ ورونتسف داشکف Vorontsov Dashkov تشکیل گردید . در ابتدای عملیات نظامی ارتش قفقاز از ۱۵۰ گردان، ۱۷۵«سوتنیا» ، ۱۲ گروهان مهندس ، ۳۵۰ عرادهٔ توپ‌صحرائی وپنج گردان توپخانه تشکیل می‌شد . نیروهای ارتش سوم ترکیه‌که در رأس آن غازان عزت پاشا قرار داشت، مرکب بود از یکصدگردان و۱۶۰ اسکادران و «سوتنیا»ی کردی‌و۲۴۴ عراده توپ[۱۱۱] . قشون روس دفاع‌فعال ازماوراء قفقاز؛ جاده‌های استراتژیك و منطقه باکو را به‌عهده داشت . هدف های اولیه فرماندهی ترکیه وآلمان منحصر به انجام عملیات نظامی‌فعال درماوراء قفقاز ومتوقف‌کردن‌روس‌ها و ممانعت ازانتقال قوای روس ازاین جبهه به جبهه اروپا بود .

---

*Sotnia اسکادران قزاق (م)

وظیفه اصلی ارتش تـرکیه در جنوب جلوگیری از تصرف بین النهرین (عراق) به وسیلهٔ نیروهای بریتانیائی بود.

بریتانیا در تدارك جنگ با تـرکیه در خاك آن کشور (در بین‌النهرین) بود، قبلادراوت وسپتامبر ۱۹۱۴ کشتی‌های‌جنگی انگلیسی: «اودین» «لاورنس» و«اسپیکل[۱۱۲]» وارد بنادرایرانی محمره، آبادان و بوشهر شدند. درآغازاکتبر یعنی یك ماه قبل از وارد شدن ترکیه درجنگ، فرماندهی بریتانیا فرمانی مبنی برآماده‌کردن یك بریگاد از نیروهای انگلیسی و هندی برای انتقال به‌جزیره‌آبادان، محل پالایشگاه شرکت نفت ایـران و و انگلیس صادرکرد. در ۱۶ اکتبر واحد های شانـزدهمین بریگادارتش هند درگروه «د» متشکل شدند و از بمبئی به‌خلیج فارس اعزام‌گردیدند. در ۲۳ اکتبر گروه «د» با پنج‌کشتی‌که سفینه جنگی «اقیانوس» وکشتی‌گشتی «دالهوزی» آنها رابدرقه می‌کردند، به‌جزایربحرین رسیدند. نیروهای انگلیسی به‌سرعت ازجزایر بحرین به‌بین‌النهرین سفلی یا خوزستان منتقل شدند. گروه انگلیسی «د» زیـر فرمانـدهی ژنرال و. س. دلامین Delamain قرار داشت ومرکب ازهزار سپاهی‌بود. هم‌چنین نخستین بریگاد توپخانه‌هند وانگلیس جزء این‌گروه‌بود.[۱۱۳])

کابینه مستوفی‌الممالك کـه‌کمی پس از شروع جنگ در اروپا، تشکیل‌شده بود، روش قاطعی نسبت به مخاصمین اتخاذ نکرد. طرفداران انگلیس وروس و آلمان وترکیه «بی‌طرف» آنروز درکابینه شرکت داشتند. خود نخست وزیر به اصطلاح وادبولسکی Vadbolsky، فرمانده بریگادقزاق مردی«کاملا بی‌خاصیت» بود. اومی کوشیدموازانه‌بین‌روس‌وانگلیس‌راحفظ‌کند وهروقت امکان می‌یافت به جناح دموکراتیك طرفـدار آلمان مجلس چشمك می‌زد. دولـت ایران هم آهنگ با سیاست بسیار

جاه‌طلبانه بریتانیا فعالیت خود در مجرای ضد روسی هدایت می‌کرد . (هر چند بریتانیا متحد روسیه در جنگ بود ولی با تمام اقدامات آن درایران مخالفت می‌کرد). مستوفی‌الممالک چندین بار از روسیه تقاضا کرد قوای خود را از آذربایجان بیرون بکشد، اما بهیچ‌وجه موفقیت به‌دست نیاورد. این اقدامات دولت ایران مورد پشتیبانی سفارت ترکیه وهم‌چنین والترتونلی Walter Tounley وزیرمختارانگلیس قرار گرفت. پشتیبانی بریتانیا از درخواست‌های حکومت ایران در خصوص خـروج قوای روس ازایران به‌منظور تاکید تمایل بریتانیابرای رعایت بی‌طرفی ایران به شیوه سالوسانه‌ای انجام می‌گرفت . برای این منظورخبر عقب نشینی بحریه‌انگلیس از رودکارون به‌وسیله عوامل انگلیسی با هیاهو در روزنامه‌های ایران منتشرشد. اما این امر مانع ازآن نبودکه بریتانیا از تدارك يك لشکرکشی برای عملیات‌نظامی درجنوب‌ایران وپیاده‌کردن‌نیروهای خود درجزایر بحرین ایران چشم بپوشد . ولی وارتر تونلی وزیر مختار انگلیس در مذاکرات محـرمانه با همکار روسی خـود کوروستووتس Korostovets درتهران اظهار داشت‌که «هیچ گونه هم‌فکری (در لندن ل.م) با احضارقوای روس ازایران وجود ندارد». [۱۱۴] درآستانه جنگ (بلافاصله پس از اولتیماتوم اتریش به‌صربستان در ژوئیه ۱۹۱٤) دولت روسیه تصمیم گرفت تمام اختلافات خودرا بابریتانیا درمورد ایران حل‌کند. وزیر امورخارجه روسیه سازانوف Sazannev درگزارش خود بـه نیکولای دوم‌امپراطورروس تاکیدکردکه «درزمان حاضرمسائل مربوط به‌ایران نسبت‌به‌وخامت‌ناشی‌از روابط اتریش وصربستان بی‌اهمیت است ». [۱۱۵] سازانف ، چند روز بعد، در نامه‌ای به کورستووتس‌وزیر مختار روس خاطرنشان نمودکه «هرگونـه

اختلاف با بریتانیا در مسائل ایران درشرایط کنونی غیر قابل قبول است». [۱۱۵] نمی‌توان گفت که پس ازاین دستورات برخوردهای روس وانگلیس در ایران کاهش یافت. دیپلومات‌ها و نمایندگان قنسولی روس اغلب این دستورات را اجرا نمی‌کردند وهمکاران انگلیسی آنها که چنین دستورالعمل‌هائی از وزارت امورخارجه خود نگرفته بودند، مثل سابق می‌کوشیدند از اوضاع به زیان رقیب بریتانیا یعنی روسیه وتحکیم موقعیت قوای خودشان استفاده کنند. در مورد احضارقوای روس ازآذربایجان باید دانست که این مساله در محافل نظامی و دیپلوماتیك حتی مورد بحث قرار نگرفته بود. برعکس در سپتامبر۱۹۱٤ ژنرال واروپانف Varopanav فرمانده گروه مستقر در نواحی مجاور ترکیه آذربایجان ایران دستور داشت از عبور دسته‌های نظامی ارتش ترکیه باآتش جلوگیری کند». [۱۱٦] درآن زمان فرمانده روسی درمورد نقشه‌های ترکیه درمورداستفاده‌ازنیروهای ترك متمرکز در مرز ایران و ترکیه شك نداشت .ترکیه علاقه‌ای به‌رعایت حقوق مرزی ایران نداشت. درآغازاکتبر واحدهای نظامی ترکیه برای نخستین بارخاك ایران رادرنزدیك دریاچه‌ارومیه (رضائیه) اشغال کردند. درهفتم اکتبر علاءالسلطنه‌وزیرامورخارجه ایران در یاداشتی که برای حکومت ترکیه فرستاد، برضد این تجاوز اعتراض کرد. [۱۱۷])

چنین بوداوضاع سیاسی ونظامی ایران درنخستین ماههای جنگ جهانی اول . ورودترکیه به جنگ علامتی بود که درپی آن ماشه‌های تفنگ‌هائی که به‌سوی ایران نشانه گیری شده‌بودند، کشیده شدند وکشورتبدیل به‌عرصه زودآزمائی دوگروه ائتلافی مخالف گردید .

دو روز پس از ورود واقعی ترکیه به جنگ یعنی اول

نوامبر ۱۹۱٤ ایران یك اعلامیه رسمی راجع به بی‌طرفی در جنگ صادر نمود. درفرمان شاه گفته می‌شدکه ایران‌با تمام‌دول متخاصم دارای روابط دوستانه است وقصد دارد این روابط را درآینده نیزحفظ نماید. این‌فرمان شاه به همه مامورین دولتی و وزرای‌کابینه دستور می‌دادکه ازهیچ دولت متحاربی پشتیبانی نکنند وبی طرفی مطلق را حفظ نمایند. اما همانطورکه بعدا خواهیم دید این بی‌طرفی به‌صورت یك افسانه درآمد زیراتمام دول متحارب آنرا نقض‌کردند و حتی خود دولت ایران نیز همیشه یك روش بی‌طرفی حقیقی اتخاذنمی‌کرد .

در۳۱اکتبر، وقتی‌که ورود ترکیه به جنگ جامه عمل پوشید، فرمانده قوای بریتانیا دستورداد تاگروه ژنرال دلامین از جزایر بحرین وارد دهانه شط‌العرب شود. در ٦ نوامبر سربازان انگلیسی دژفائو Faoرا گرفتند ودر۱۰نوامبر جزیره وبندرآبادان را اشغال‌کردند . درهمان زمان‌یك گردان‌ازقوای انگلیسی‌ـ هندی وارد بندر بوشهر شدند. [118]

نیروهای انگلیسی موقع ورود به‌بین‌النهرین با مقاومت جدی ارتش ترکیه‌که قوای اصلی آن (ارتش ششم) در ناحیه بغداد بودند مواجه نشدند و به سرعت به طرف شمال پیشروی کردند وتاآخر سال بصره وقرنه*را به‌تصرف درآوردند.[119]

درآخر ژانویه سال بعد فرمانده انگلیسی برای حفظ و حراست معادن ولوله‌های‌نفت شرکت‌نفت ایران وانگلیس قوائی به خوزستان فرستاد. در وسط فوریه دوهزار سرباز انگلیسی تحت فرماندهی سرلشگر روبینسون Robinson که دستور داشت‌ازپیشرفت قوای‌ترکیه به‌سوی مناطق نفت خیز جلوگیری

* Kurna

کند در ناحیه اهواز موضع گرفتند[۱۲۰])

ترک‌ها نیروهای اصلی ارتش‌ششم خود را به مقابل‌قوای انگلیس که در منطقه دجله * در جهت بغداد مشغول پیش روی بودند فرستادند، درآخردسامبر ۱۹۱۴ دسته مخصوص آلمانی دربغداد تجهیز شد. این‌دسته مرکب بود ازیك گروه ۱۶ نفری افسرآلمانـی به رهبری هوپتمن کلاین Klein وابسته سـابق نظامی آلمان‌درایران. این‌دسته‌می‌بایست‌ستون‌فقرات‌نیروئی‌راکه هدف‌آن‌خراب کردن‌معادن‌ولوله‌های‌نفت‌درخوزستان‌بود تشکیل دهد . یك واحد ارتش‌ترکیه می‌بایست ازنیروی‌کلاین حمایت کند. آلمان‌ها باکمك‌عوامل‌مزدورخود درمیان عشایرخوزستان موفق به خراب‌کردن وازکارانداختن لوله‌های نفت برای‌مدت چندماه شدند. ولی‌موفقیتشان درخوزستان درآن هنگام‌محدود بود. [۱۲۱] ترک‌ها نمی توانستند قوای نیرومند خـود را به‌کمك بفرستندزیراخود ازجناح‌مورد تهدید سپاه‌انگلیس‌دربین‌النهرین بودند. وقتی ترکها در آوریل ۱۹۱۵ پس ازحملات متقابل‌بی نتیجه‌درناحیه‌بصره‌به شمال‌عقب نشینی‌کردند ، واحدهای‌کوچك ترك‌که به خوزستان فرستاده شده بودند ، به سرعت از ایران فراخوانده شدند. بهمین‌دلیل‌بودکه وقتی گروه‌انگلیسـی وهندی (مرکب ازده‌هزار سرباز) به منطقه اهواز اعزام‌گردیدندبا هیچ‌گونه مقاومتی‌ازجانب سپاه‌ترکیه درمدت تهاجم‌به‌سوی مرز ایران وعراق مواجه نشدند وفقط‌باواحدهای‌کوچکی ازطوایف محلی‌عرب که‌ازترك‌ها حمایت می‌کردند ، مختصر زدو خوردی کردند .

پس‌ازتصرف عماره**(درسوم‌ژوئن ۱۹۱۵) به‌وسیله نیرو

Tigris*

Amara **

های انگلیس دیگرمساله تهاجم قوای ترکیه به‌خوزستان منتفی شد. بنابراین فرماندهی انگلیس انتقال قسمتی ازنیروهای خود را از ایران به بین‌النهرین ممکن‌می‌شمرد . فقط قسمتی ازیك بریگاد سوار ویك بریگاد پیاده هندی وچند واحد توپخانه در نزدیکی اهواز باقی ماندند. [۱۲۳] لوله‌های ازکارافتاده نفت در ماه‌ژوئن تعمیرشدند. بنابراین ارتش بریتانیا درآغار جنگ با ترکیه به موفقیت های قطعی نایل شد.

درجبهه‌قفقاز به محض‌اعلان جنگ طرفین‌متخاصم‌عملیات نظامی فعالانه‌ای‌راآغاز کردند . روس‌ها بازدوخوردهای کوچك ومانورهای‌نظامی درجهت ارض روم(جنگ کپریکی*)درنوامبر واوایل دسامبر۱۹۱٤واردخاك‌ترکیه‌شدند. ترك‌هاهم به‌نوبه‌خود منطقه‌باطوم را اشتغال کردند . نیروهای روسی مقیم آذربایجان شروع به‌پیشروی درسرزمین ترکیه‌درجهت دریاچه وان‌کردندتا مواضع‌مناسب‌بیشتری‌به‌دست‌آورند. [۱۲٤] پس‌ازاین‌ترك‌هاازموقعیت استفاده‌کردند وبرخی‌ازواحد های نظامی روس‌را ازآذربایجان به قفقار راندند وشروع به حمله متقابل نمودند . ترك‌هاخوی، ساوجبلاع وارومیه را اشغال‌کردند ودر۱٤ ژانویه۱۹۱۵تبریز راکه روسها بدون جنگ‌تخلیه‌کرده بودند، به‌تصرف درآوردند. اما این موفقیت و پیروزی‌کم دوام بود.

فرماندهی ترك پس‌ازجنگ بی‌نتیجه‌کپریکی شروع به تدارك یك تهاجم عمومی درناحیه ساری‌کامیش نمود. هدف این تهاجم درهم‌شکستن نیروهای اصلی ارتش روس بود. انور پاشا وزیرجنگ ترکیه در رأس‌ارتش سوم قرارگرفت وژنرال‌برون سارت Bronsart آلمانی رئیس‌ستاد ارتش‌شد .

---

* the Keprikei battle

ابتدا ارتش ترکیه به موفقیت‌هائی نائل گردید، اما سرانجام جنگ ساری کامیش که یک ماه ونیم طول کشید باشکست کامل قوای ترکیه پایان یافت. ارتش سوم متحمل خسارات سنگینی گردید : از ۹۰هزار سرباز آن ۷۰ هزار نفر کشته شدند.

پیروزی قوای روس درجبهه قفقاز باعث انتقال واحدهای جدیدی ازقوای ترکیه به قفقار برای تقویت ارتش سوم گردید. این واحدها از دیگر جبهه‌ها به آن دیار فرستاده شدند واین امر منجر به تقویت وضع نیرو های بریتانیا دربین‌النهرین و ناحیه سوئز گردید . انگلیس‌ها بامشاهده پیروزی روسیه درقفقاز بـه نوبه خود تصمیم گرفتند ازورود نیروهای روس به حوالی قسطنطنیه جلوگیری کنند، وشروع به تدارک سریع عملیات تهاجمی درمنطقه داردانل نمودند.

حکومت روسیه کمی پس‌ازشکست ارتش ترکیه در جنگ ساری کامیش وشروع عملیات تهاجمی قوای انگلیسی در گالی‌پولی* تقاضای تعیین وضعیت پس‌ازجنگ بغازها را نمود .

س.سازونوف وزیرامورخارجه روسیه دریادداشتی که برای سفرای روس درپاریس ولندن در ٤مارس ۱۹۱۵ فرستادو خاطر نشان نمودکه « جریـان وقایع اخیر این فکر را برای اعلیحضرت امپراطور نیکولاپیش آوردکه مساله قسطنطنیه وبغازها باید سر انجام برطبق آرزوی دیرین روسیه حل‌شود . هرگونه تصمیمی بدون انضمام شهر قسطنطنیه ،کرانه باختری بسفر، دریای مرمره وداردانل وهمچنین جنوب تا خط انوز مدیه Enos-Media به امپراطوری روسیه غیر کافی وناپایدار خواهدبود.»سازونوف سپس افزودکه «دول متفق می‌توانندیقین داشته باشندکه دولت روس با

---

* Gallipoli

احساس‌همراهی باتحقق نقشه‌های آنها در مورد بخش‌های دیگر امپراطوری عثمانی و دیگر سرزمین‌ها موافقت خواهدکرد.[۱۲۹]

پس‌ازمذاکرات دیپلوماتیك‌مفصلی که‌همزمان‌درپترو گراد لندن وپاریس انجام شد پیشنهاد روسیه مورد موافقت انگلیس و فرانسه قرار گرفت . دول‌فرانسه وانگلیس موافقت‌کردندکه‌در ازای تصرف بخشهای دیگر امپراطوری عثمانی و سرزمین‌های دیگر، کنترل بغازها را به روسیه واگذارکنند .

بوچانان Buchanan سفیر انگلیس در پتروگراد در یادداشت ۱۲ مارس‌موافقت‌رسمی‌دولت متبوعه خودرابادرخواست های روسیه درخصوص قسطنطنیه وبغازها «درصورت پیروزی در جنگ وتحقق آرزوهای دول انگلیس وفرانسه» بیان نمود. در همان روز سفیر بریتانیا یادداشت مفصل دیگری‌که براساس دستورالعمل های رسیده از لندن نوشته شده بود به سازونوف تسلیم‌کرد.

دراین‌یادداشت دولت بریتانیا باواگذاری بغازهابه‌روسیه پس‌ازجنگ درصورت‌تحقق شرایط زیاد دیگری، موافقت نمود. یکی از این شرایط تجدید تقسیم ایران بود. دریادداشت گفته می‌شد: « سرادواردگری SirEdwardGrey البته نمی‌تواند پیشنهاد قاطعی در مورد نکات آرزوهای بریتانیا بدهد . اما ، یکی‌ازاین نکات تجدیدنظر در قرارداد ۱۹۰۷ روس وانگلیس براساس شناسائی منطقه بی‌طرف‌کنونی‌ایران به‌مثابه منطقه‌نفوذ انگلیس خواهد بود»

سازونوف در تلگرام ۲۰ مارس خوربه بن‌کن دورف موافقت روسیه رابا نقشه‌های‌انگلیس درموردایران اعلام داشت. سازونوف نوشت: «دولت امپراطوری روس موافقت خود را با

انضمام منطقه بی‌طرف به قلمرو نفوذ بریتانیا تایید مـی‌کند . معذلك نظر به‌منافع روسیه درمناطق اصفهان ویزدلازم است مناطق مزبور به روسیه واگذار شود.» . در تلگرام ضمناً لزوم الحاق قسمت کوچکی از منطقه بی‌طرف در ناحیه‌ذوالفقار به‌قلمرو نفوذ روس یادآوری گردید.[۱۲۷])

بنابراین دولت بریتانیا درازای وعـده خشك و خالـی واگذاری قسطنطنیه وبغازها پس‌از خاتمه جنگ به‌روسیه، امتیازات واقعی و بسیار قابل ملاحظه‌ای در ایران درسال ۱۹۱۵ به‌دست آورد. علاوه براین موفقیت عملیات نظامی بریتانیا در داردانل تا حدود قابل ملاحظه‌ای امکان عدم انجام این وعده را برای دولت انگلیس تضمین می‌کرد .

نیروهای روس در آذربایجان به سرکـردگـی ژنرال چرنوزوبوف Chernozubov ، اندکی پس‌از خاتمه عملیات نظامی ساری‌کامیش، به‌منظور بیرون راندن ترك‌ها ازآذربایجان ایران دست به حمله و تهاجم زدند. آنها در ۳۰ ژانویه تبریز رادوباره اشغال کردند ودرآغازمارس شاهپور* را گرفتند.[۱۲۸]) اما قوای ترك (دولشکر) با پشتیبانی واحدهای سوارکرد هنوز خط مرزی مناطق آذربایجان را درباختروجنوب دریاچه‌ارومیه دراشغال داشتند. بنابراین‌در آغاز ماه مه قشون روس که مرکب بوداز نیروهای سپاه چهارم قفقازوواحدهای ماکو وآذربایجان اقدام به حمله تعرضی جدیدی‌گردند. هدف ایـن‌حمله تعرضی تصرف منطقه وسیع اطراف دریاچه‌وان بود. در ضمن این حمله عملیاتی به منظور پاك کـردن آذربایجان از نیروهای تـرکیه صورت گرفت . برای‌انجام این‌کار گروه وسیعی از سواره نظام

---

* Dilman

روس‌در تبریز متمرکز شد. این سواره نظام مرکب از لشکر سوار قفقاز و بریگاد قزاق ماوراء بایکال بود. (۳۶ اسکادران و۱۲ توپ. [۱۲۹])

در۲۲ماه مه‌این گروه‌از تبریز به‌طرف‌جنوب حرکت‌کرد و پس‌از قلع وقمع واحدهای‌کردساوجبلاغ را به‌تصرف درآورد و سپس به‌شمال برگشت و بدون مواجه شدن با مقاومت شدید نیروهای‌کرد وترك شهر ارومیه را در آغاز ماه ژوئن گرفت. آنگاه‌گروه سوارژنرال شارپانتیه Charpantier از ارومیه به‌منطقه شمال دریاچه‌وان منتقل شد. درنتیجه‌این عملیات وضع جناح چپ قوای روس در جبهه قفقاز به‌طور قابل ملاحظه‌ای تقویت‌گردید. پس‌ازاین قدرت‌نمائی قشون روس، نواحی مرزی کردنشین به تدریج‌آرام شد.

در آوریل ۱۹۱۵ ارتش بریتانیا با دو ستون در امتداد رودخانه های دجله وفرات به‌گروه بغداد نیروهای ترکیه حمله برد. در سپتامبر گروه باختری فرات، کربلا شهر مقدس‌شیعیان راگرفت. در اکتبر گروه خاوری به فرماندهی ژنرال تانشند Townshend با همراهی ناوگان رودخانه‌ای شکست سختی بر نیروهای ترکیه درکوت‌العماره وارد ساختند و به تعاقب ترك‌ها درجهت مدائن پرداختند. ترك‌ها فقط در ناحیه سلمان پاك واقع در ۵۰ کیلومتری جنوب بغداد توانستندحمله تعرضی قوای‌انگلیس‌را متوقف‌کنند. بنابراین نیروهای‌انگلیس درپائیز سال ۱۹۱۵ چهار صدکیلومتر در امتداد فرات و ۵۰۰ کیلو متر در امتداد دجله درخاك بین‌النهرین پیشروی‌کردند.

عملیات نظامی نیروهای‌انگلیس، روس وترکیه درنواحی

Kut-al-Amara *

مرزی ایران برای «آرزوی» بی‌طرفی‌ایران بسیارنامساعدبود. مسلماً دولت ایران نمی‌توانست از اشغال کشور به وسیله قوای بیگانه جلوگیری کند. فعالیت دولت فقط منحصر به فرستادن یادداشت های اعتراض به دول متحارب بود. اگر ما سیاست و روش کابینه‌های ایران‌را درنخستین سالهای ماههای جنگ تجزیه و تحلیل کنیم خواهیم دیدکه ایران خود ازبی‌طرفی بسیاردور بود. بسیاری از اعضای دولت ایران و مخصوصا نمایندگان مجلس سوم (که افتتاح رسمی آن در۶ دسامبر ۱۹۱۴ صورت گرفت) همراهی خود را نسبت به ترکیه و آلمان پنهان نمی‌کردند و بنابر این در برخی موارد بی‌طرفی ایران‌جنبه نزدیکی به‌آلمان و ترکیه بـه‌خود می گرفت . ت. کوروتکووا T . Karotkova در رساله منتشر نشده خود موسوم به «بی طرفی» ایران در جنگ جهانی‌اول بخشنامه بسیار جالب‌دولت ایران را درمورد تبریزکه درآن موقع صحنه نبردخونین‌قوای ترکیه وروس درآذربایجان بود، نقل می‌کند. دراین بخشنامه گفته می‌شد:

«دولت ما قبلا به اتباع خود لزوم رعایت بی‌طرفی‌کامل را اطلاع داده است . بدینوسیله به اطلاع تمام اهالی ایران می‌رساندکه دولت ترکیه قوای خود را واردکشور ماکرده است . اگرکسی برضد این دولت اسلحه بردارد وبی‌طرفی را نقض‌کند به‌شدت مجازات خواهد شد. دولت ما اموالش را مصادره و خود او را محکوم به مرگ بادار خواهدکرد». [۱۳۰]

دولت با چنین روش ساده لوحانه‌ای از ترک‌هائی‌که می کوشیدندروس‌هارا ازآذربایجان بیرون‌کنند، حمایت وپشتیبانی می‌کرد.

دولت ایران پس‌از اشغال آذربایجان به‌وسیله ترک ها

یادداشت اعتراضی به‌استانبول فرستادند. اما دولت ترکیه پاسخ داد که نیروهای ترکیه فقط به منظور بیرون راندن روس‌ها به آذربایجان آمده‌اند . مذاکرات در این خصوص با مبادله این یادداشت‌ها پایان یافت .

اما، وقتی در ژانویه ۱۹۱۵ نیروهای ترکیه تبریز را گرفتند. مقامات محلی با تشریفات از آنها استقبال کردند. علت این امرتنها احساس همراهی ایرانیان با ترك‌ها نبود بلکه ظاهراً بیشتر ترس ازآنها بود. ترس ایرانیان از نظامیان ترك بی‌اساس نبود. ترك‌ها پس‌از ورود به آذربایجان سبعانه دست‌به توقیف مسیحیانی‌که با قشون روس نرفته بودند، زدند. اهالی مسلمان نیز از فشار وظلم آنها در امان نبودند. ترك‌ها سردار مکری فرماندار ساوجبلاغ و مظفرالسلطنه‌حاکم بانه و بسیاری دیگر از نمایندگان دولت ایران را تیرباران‌کردند. ۱۳۱)

کابینه مستوفی‌الممالك با نديده‌گرفتن اعمال ناروای نمایندگان سیاسی آلمان درایران خود بی‌طرفی ایران رانقض می‌کرد. مثلا این‌کابینه چشم خود را در مقابل این واقعیت‌که ساختمان میسیون دیپلوماتیك المان در تهران تبدیل به یك دژ واقعی‌گردیده بود، بست. همانطورکه یکی از ناظران نوشت درورودی اصلی ساختمان مزبوربه وسیله ژاندارم‌ها و واحدهای مسلح مزدور نگهبانی می‌شد. کارمندان میسیون آلمانی فقط با اسکورت‌های مسلح در شهر ظاهر می‌شدند. ۱۳۲) اقامتگاهای قنسول‌های آلمانی در شهرهای مختلف ایران تبدیل به دژهای مسلح شده بودند.

پس‌از پیروزی‌های روس و انگلیس و پیدا شدن نخستین نشانه‌های هم‌آهنگی دولت‌های نامبرده در ایران‌کابینه مستوفی الممالك استعفا داد ومشیرالدوله مامورتشکیل کابینه‌گردید.

نخست‌وزیر جدید ملی بود. سیفر روس کوروستووتس او را چنین توصیف کرد: «مرد با استعدای که آماده بحث‌های تخیلی در باره بی‌طرفی، ارتش ملی و اصلاحات قانونی است[۱۳۴]».

کابینه جدید می‌بایست در دو جبهه خارجی وداخلی مبارزه کند. مشکلات این کابینه بهیچ‌وجه از مشکلات کابینه قبلی کمتر نبود بی‌طرفی ایران نیز ظاهر خود را تغییر داد، ولی هرگز از مرحله حرف تجاوز نکرد. واکنش مردم ایران نسبت به‌ورود نیروهای بیگانه به ایران خصومت آمیز بود. این امر گاهی نتیجه فعالیت‌های تبلیغاتی طرف نظامی مخالف در میان مردم بود، اما اغلب عکس‌العمل کاملا طبیعی ملت نسبت به مداخلات مسلحانه اجنبی بود. مثلاترکها موفق شدند احساسات ضدروسی را درمیان عده قابل ملاحظه‌ای از اهالی کرد در آذربایجان بر انگیزند. اما آنها پس از اقامت کوتاه در آذربایجان واعمال وحشیانه وظلم‌وستم، خصومت مردم‌را علیه‌خود برانگیختند تا آنجا که‌اهالی آذربایجان درموقع‌عقب‌نشینی‌ترکها برضدآنها اسلحه‌برداشتند. ورودارتش انگلیس به‌خوزستان موجب مقاومت مسلحانه درمیان قبایل محلی عرب گردید. این مقاومت مسلحانه تا حدودی به تحریک ترکها ایجادگردید، معذلک نه ترکها بلکه عرب‌ها مخالفین اصلی بریتانیا درجنوب غربی ایران شدند. بعداً نقش اهالی محلی و مخصوصاً عشایر در توسعه وقایع نظامی وسیاسی درایران به‌طور وسیعی افزایش یافت.

ترکیه با ورود به جنگ و قرارگرفتن درکنار اتحادیه آلمان و اتریش مبارزه تبلیغاتی وسیعی رابه‌منظور داخل‌کردن دیگر ممالک مسلمان من‌جمله ایران در جنگ بر ضد متفقین شروع کرد. در ۱۱ نوامبر ۱۹۱٤ پیشوای مسلمانان ترک، شیخ

الاسلام حائری افندی فتوای جهاد بر ضد بـریتانیا، فرانسه و روسیه داد و از همه مسلمانان خواست علیه این کشورها جهاد کنند. این فتوی مورد تائیدمجتهدین کربلا ونجف قرار گرفت. مجتهدین نجف فتوای جهاد برضد متفقین را برای دولت ایران فرستادند وازاو طلب کردند درکنار ترکیه دراین جهادشرکت کند. اما در نخستین ماههای جنگ این فرمان‌های مذهبی بلا اثر ماند. به علاوه حاجی میرزا حسن، مجتهد تبریز و حاجی میرزا عبدالکاظم ، امام جمعه سابق تهران در پیام‌های خود کوشیدند علمای نجف را قانع کنندکه از «تبلیغات نامعقول برای جهاد» که به‌عقیده آنها «زیانی به‌روس‌ها نخواهد زد بلکه فقط ایران را خراب‌ترخواهد نمود[۱۳۴]» دست بردارند.

درآغازسال۱۹۱۵تبلیغات شدید ضدروسی وضدانگلیسی، مخصوصاً در مطبوعات ، با اخبار شکست ارتش ترك در ساری کامیش حنثی‌شد. رئیس‌بریگادقزاق ایران‌درگزارش‌بیستم‌ژانویه ۱۹۱۵ خود به‌ستادارتش نوشت: «پیروزهای درخشان سربازان قنقاز ایرانیان را آرام‌کرد و ترس آنها را از روس‌ها، ترسی که با آن خو گرفته بودند، برطرف نمود. درشهر آرامش‌کامل برقرار شد. اروپائیان نفس راحت‌کشیدند و ترس آنها ازکشتار خیابانی، قتل عام، بمب اندازی ودیگر اعمال وحشتناك که در روزنامه‌ها منعکس می‌شد و به‌صورت گفتگوهای شهری وشایعات بازاری دهن به‌دهن می‌گشت، زایل گردید. [۱۳۵]»

در بهار سال ۱۹۱۵ آلمان‌که تا آن زمان در پشت سر متحد مسلمانش (ترکیه) عمل می‌کرد، اقدام به یك پیکار شدید برضد انگلیس و روس در ایران نمود. فعالیت های خرابکارانه و غیرقانونی دیپلومات‌ها ودیگر نمایندگان آلمانی درکشورایران برای تشکیل و تجهیز گروههای مسلح بالاگرفت و از صورت

سری خارج‌شد. فعالیت آلمان مخصوصاً در آخر آوریل هنگامی که پرنس رایس Reiss وزیر مختار آلمان ازمرخص طولانی خود به تهران برگشت، به‌شدت افزایش یافت.

چون آلمان قشون فوق‌العاده‌ای برای به دست آوردن نتایج نظامی در خاور نزدیك نداشت بنابراین به ارتش ترکیه که‌درراس‌آن افسران آلمانی قرار گرفته بودند، تکیه می‌کرد. اما موقعیت نظامی ترکیه درآسیای صغیر و اروپا به‌قدری دشوار بودکه در آغاز سال ۱۹۱۵ به سختی می‌شد به ارتش ترکیه برای تحقق نقشه‌های نظامی در ایران تکیه نمود. پس آلمان تصمیم گرفت نیروهای خود را برضد بریتانیا و روسیه درایران روی عملیات انحرافی و خرابکارانه متمرکز کند. آلمان‌ها با تحکیم‌روابط خود با دموکرات‌ها وملیون می‌کوشیدند حکومت ایران را به ورود به جنگ درکنار دول مرکزی ترغیب‌کنند. هم‌چنین‌آنها روی ورودافغانستان به‌جنگ درکنار خود حساب می‌کردند.

در بهار سال ۱۹۱۵ شبکه نمایندگان آلمان در ایران در نتیجه ورود چندین هیئت نظامی، سیاسی و خرابکار بسط و توسعه پیداکرد. درآخر مارس یك میسیون آلمانی به ریاست ستوان اسکارنیدر مایر در چند دسته از بغداد به طرف شمال غربی ایران حرکت‌کرد. نیدرمایر دستور داشت واردافغانستان شده وامیرحبیب‌اله خان‌را به‌ورود به‌جنگ به‌طرفداری‌ازآلمان و ترکیه تشویق نماید. دومین وظیفه این میسیون‌که‌کم اهمیت تر از وظیفه اول‌نبود تشدید تبلیغات طرفداری ازآلمان وتهیه وتجهیز گروههای‌مسلح‌وهم‌آهنگ‌نمودن فعالیت‌های‌عوامل‌آلمان در ایران بود. نیدرمایر دارای افسران جاسوس تربیت شده آلمانی، پول، اسلحه‌ومهمات ودیگرلوازم جنگی‌بود. نیروهای

اصلی این میسیون (به‌رهبری‌جاکوب) ازراه‌کرمانشاه وسلطان آباد عازم اصفهان گردیدند وخود نیدرمایر با یك واحدکوچك تقریباً هم‌زمان با ورود پرنس‌رایس وارد پایتخت‌گردید. نیدر مایر پس‌از دو ماه اقامت درتهران به اصفهان‌که محل تمرکز نیروهای اصلی میسیونش بود ، رفت .

آلمان‌ها تصمیم داشتند اصفهان را به پایگاه فعالیت های خود در ایران مرکزی و جنوبی تبدیل‌کنند. سیلر Seiler قنسول آلمان در اصفهان و معاونش پوگین Pugin احساسات طرفداری از آلمان را در میان عده زیادی از توده مردم وهم چنین‌درمیان خان‌های‌بختیاری برانگیختند. در ماه مه‌آلمان‌ها دراین شهرتوطئه قتل‌کاور Kaver نایب قنسول روس راترتیب دادند و در آخراوت‌نسبت‌به‌گراهام Graham سرقنسول‌انگلیس سوء قصدکردند. دراین زمان درحدود دویست یا سیصدآلمانی واتریشی‌که اغلب عضومیسیون نیدرمایر بودند، درشهرمتمرکز شدند. درپائیز وخامت‌اوضاع اصفهان به‌حدی رسیدکه‌اروپائیان مقیم شهر ناگزیربه اهواز رفتند ودرآنجا زیر حمایت نظامیان انگلیس‌قرارگرفتند.

در آخرتابستان واحدهای خرابکار تحت هدایت عوامل تسوگ مایر Zugmayer و سیلر از اصفهان، از راه یــزد، کرمان ، شیراز ، تبریز ، بم و دیگر شهرهای جنوب شرقی ایران به جنوب شرقی رفتند. در بین راه آلمان‌ها عواملی از میان اهالی محلی اجیرکردند ودسته‌های مسلحی باآنها تشکیل دادند. آلمان‌ها حقوق افراداین‌دسته‌ها را ازمحل‌اندوخته‌هـای آلمانی‌وپول‌هائی‌که ازغارت شعبه‌های بانك شاهنشاهی‌انگلیس به دست می‌آمد، تامین می‌کردند. واحدهای آلمانی هفت شعبه بانك شاهنشاهی رادرکرمانشاه، همدان، سلطان‌آباد، اصفهان،

شیراز، وکرمان غارت کردند. کمیته حزب دموکرات کرمان تحت حمایت آلمان‌ها خروج روس‌ها وانگلیس‌ها راازشهر خواستارشد. وخامت اوضاع سیاسی اتباع روسی و انگلیسی را مجبور کرد به بندرعباس بروند.

وسترو Wustrow قنسول آلمان در شیراز به وسیله اهالی مسلح و ژاندارم‌ها حمله به قنسولگری انگلیس داترتیب داد. بر اثر این عملیات، آلمان‌ها اوکونور قنسول انگلیس و تمام اتباع انگلیسی شهر را دستگیر و به دژاهرم واقع درکرانه خلیج فارس اعزام کردند. آلمان‌ها در تمام این اقدامات از حمایت مخبرالسلطنه حاکم کل و «کمیته ملی استقلال ایران» که دموکرات‌های محلی آنراتشکیل داده‌بودند، برخوردار بودند. نیدرمایر باگروه خوداز راه نائین، طبس و بیرجند به‌هرات و از آنجا به‌کابل رفت. اما اقامت طولانی او درآنجا ومذاکره با امیرحبیب‌اله به نتایج منتظره منجر نگردید. امیر «هدایای» آلمان‌ها راپذیرفت و موافقت نمودکه درصورت کمك ارتش‌های ترکیه وآلمان، برضد روس و انگلیس اقدام نماید.

هم‌زمان با حرکت میسیون نیدر مایر، گروه خرابکار کوچکی به سرکردگی واسموس Wasmuss قنسول سابق آلمان در بوشهر ازبغداد حرکت کرد. این گروه مرکب بود ازخود واسموس و دومعاون آلمانیش وچندنفرایرانی وهندی‌که باخود بسته‌های جزوات‌واوراق‌تبلیغاتی‌حمل می‌کردند. گروه واسموس از خوزستان گذشت و به بوشهر درکرانه خلیج فارس رسید. در اینجا واسموس تصمیم گرفت در میان عشایر جنوب فارس‌که باآنها درهنگام قنسولی خود روابط نزدیکی برقرارکرده‌بود، به فعالیت بپردازد. جنبش گروه واسموس در جنوب ایران به وسیله دستگاه جاسوسی نظامی بریتانیا کشف و سرکوب گردید و

تمام افراد گروه دستگیر شدند . واسموس موفق به فرار گردید و مدتی دراز به ایجاد تحریك وآشوب بر ضد بریتانیا درمیان قبایل جنوب ایـران پرداخت.[۱۳۶]) بـه گفته پرسی سایکس PercySykes دراین زمان درحدود ۳۰۰نفر آلمانی واتریشی و ۵۰ نفر ترك هندی و تقریباً ۱۰۰۰ نفر ایـرانی مسلح در عملیات نظامی جنوب ایران شرکت داشتند.[۱۳۷])

آلمان‌ها به اصطلاح «میسیون نظامی ایران وآلمان» را (که در راس آن کلنل بوپ Bopp قرارداشت) تشکیل‌دادند . وظیفه این میسیون سازمان دادن فعالیت خرابکاران در ایران بود. فالکنهایم Falkenheim رئیس ستاد ارتش آلمان به‌این میسیون دستور داد «نیروهای نظامی ایران» را سازمان دهد و رهبری کند. این میسیون مرکب از ۲۷ افسر آلمانی بود و ۲۰ هزار تفنگ وچند میلیون فشنگ و دیگر مهمات داشت . [۱۳۸] محرك واقعی تمام تلاش‌ها برای ورودایران به جنگ به طرفداری آلمان و تشکیل واحـد هـای نظامی « ملـی » ،کانت کانیتز CountKanitz وابسته نظامی سفارت آلمان در تهران بود . ستاد ارتش آلمان فون درگولتز ، ژنرال آلمانی ارتش ترکیه و فرمانده ارتش ششم آن کشور را برای هدایت عملیات نظامی آینده انتخاب کـرد. فون درگولتز دستور داشت ایران را از وجود عساکر روس وانگلیس که «با زور درآن نفودکرده‌انـد» پاك کند و «آزادی واستقلال آینده ایران را تضمین نماید»

منطقه‌اصلی که آلمان‌ها امیدداشتنددرآنجا باارتشهای روس وانگلیس بجنگند، غرب ایران، ناحیه مجاورشاهراه خانقین ـ کرمانشاه ـ همدان بود. این‌شاهراه به‌اردوگاه گروه‌بغداد قشون ترکیه‌متصل‌بود. درماه مه‌سال ۱۹۱۷ یك‌واحدضعیف ترك اولین تعرض خود را از بین‌النهرین به طرف کرمانشاه آغاز کرد،اما

به‌طور غیر منتظره‌ای با مقاومت مسلحانه ایل سنجابی برخورد و مجبور شد از خاك ایران عقب نشینی کند ولی علی رغم این این واقعه ناحیه کرمانشاه ـ همدان در آن زمان زیر کنترل موثر عوامل ترکیه و آلمان بود. این امر امکان حرکت آزادانه میسیون‌ها وکاروان‌های مختلف آلمانی را با اسلحه به داخل خاك ایران در امتداد جاده قصر شیرین ـ همدان فراهم می‌کرد. شونه من Schunemann قنسول آلمان درکرمانشاه یك گروه نظامی صدنفری مرکب ازاهالی محلی وافسران تعلیم یافته ترکیه و آلمان تشکیل داد و آنرا با تفنگ های آلمانی مجهز کرد.

درماه‌مه‌چرکازوف Cherkasov قنسول روس وماك‌دول Mc Dowellهمکار انگلیسی او شهر کرمانشاه راکه درمعرض خطر اشغال‌قشون‌ترکیه‌بود،ترك کردند وقنسول‌ترکیه فرمانروای مطلق شهر شد و واحدهای‌نظامیش شاهراه بین‌النهرین ـ همدان را زیر کنترل گرفتند. درماه اوت شونه من با واحد های خود جلوی قنسول‌های روس وانگلیس راکه می‌کوشیدند به‌کرمانشاه برگردند ، در نزدیك کنگاور گرفت و به آنها اجازه پیشروی نداد .

وضع درهمدان بهتر ازاین نبود. قنسولخانه‌های‌اروپائی بیشتر شبیه به دژهای مسلح بودند تا اقامتگاههای نمایندگان سیاسی . ۲۰۰ قزاق و پنجاه سرباز پیاده از قنسولگری روس و ۱۰۰ سرباز سوار و ۵۰ سرباز پیاده ارتش هند از قنسولگری انگلیس‌حفاظت می‌کردند. اقامتگاه وبر Weber قنسول آلمان که بنا به میل خود در آنجا مانده بود ، با چند ده نفر مسلح حفاظت می‌شد. وبر مانند همکار خود درکرمانشاه عده‌ای از اهالی را اجیر کرده ودسته‌های‌نظامی تشکیل داده بود.

آلمان‌ها دربسیاری ازشهرهای ایران مخصوصاً درجنوب تهران و طبس گروههای مسلح مـزدور تشکیل دادنـد . آنها همچنین از وجود افسران آلمانی واتریشی که از اردوگاههای اسیران نظامی واقع درترکستان روس فرار می‌کردند ، استفاده می‌نمودند . عوامل آلمان می‌خواستند ژاندارم‌های ایرانی را که در تحت فرماندهی افسران سوئدی بودنـد به هواداری از خودشان بکشانند . ژاندارمری پس‌ازبریگاد قزاق مؤثرترین نیروی نظامی ایران بود وازلحاظ شماره برنیروی قزاق‌تفوق داشت. درسال ۱۹۱۵ ژاندار مری‌مرکب ازهفت هزار ژاندارم و ۷۵ افسر ایرانی وسوئدی بود . واحد های ژاندارم در تمام نواحی ایران پخش‌شده بودند واغلب به ارادهٔ افسران سوئدی ویا تحت تأثیر دموکرات‌ها وملیون ایران ازآلمان‌جانبداری می‌کردند . در همان آغاز جنگ کلنل بلازنوف Blaznov فرماندهٔ لشکرقزاق‌بامشاهدهٔ فعالیت‌های مشکوك میسیون‌آلمانی درتهران درگزارش خود نوشت : « آنهائی کـه باید در این میسیون دیده شوند ژاندارم ها و افسران سوئدی هستند که با کوشش خستگی‌ناپذیری‌به میسیون آلمانی کمك می‌کنند...»[۱۳۹] تقریباً یك سال‌بعد سازونوف وزیرامورخارجهٔ روسیهٔ تزاری به سفارت روس‌درتهران اطلاع دادکه ادارهٔ سانسور نظامی‌مسکو نامه های « استکهلم اندشیل‌بانك* » را به عنوان برگدهال، ادوال ودومـار افسران سوئدی باحواله‌های‌وزارت امورخارجهٔ آلمان به جنگ آورده است . سـازونوف نوشت : « خواهش می‌کنم این‌موضوع‌را که‌گواه رشوه گرفتن سوئدی هاازدشمنان ماست به دولت شاه اطلاع دهید». [۱۴۰]

Stockholm Endshil Bank *

بحران طولانی دولتی دراوت ۱۹۱۵ منجـر به استعفای کابینهٔ عین‌الدولـه‌که قـادر به ادامهٔ مانـور بین نمایـندگان دیپلوماتیك روسیه وبریتانیا ازیکطرف ودیپلومات های آلمانی و مجلس از طرف دیگر نبود ، شد . کابینهٔ جدیدی به ریاست مستوفی الممالك‌که بطورکلی متمایل به آلمان بـود ، تشکیل گردید .

انتقال قـوای نظامی روس و انگلیس و فرانسه به جبهه های‌اروپائی‌باعث‌تشدید فعالیت‌آلمان ونیروهای سیاسی طرفدار آن درایران شد.

اخبار ورود میسیون آلمانی به افغانستان وتشدیدفعالیت عوامل آلمانی درایران درتابستان سال ۱۹۱۵ موجب‌نگرانی شدید بریتانیا وروسیه‌گردید . به ابتکار بریتانیاکه ازدورنمای نفوذ آلمان در افغانستان و مخصوصـاً در هنـد وحشت داشت ، اقدامات مشترکی برضد عوامل آلمان به عمل‌آمد . بریتانیا و روسیه موافقت‌کردند برای تشکیل یك‌نیروی‌گشتی درطول مرز که به نام « خط خاوری ایران » معروف شد ، به شرق ایران نیرو بفرستند . فرماندهی روس هشتصد هزار قزاق به‌خراسان گسیل داشت و آنها به‌گروههای‌کـوچکی تقسیم شده و در خط استرآباد ــ مشهد ـ تربت‌حیدریه پخش‌گردیدند. بخش جنوبی این خط (از بیرجند تا بلوچستان ایران) از نیـروهای هندی تشکیل می‌شد. در سیستان، دهنهٔ باغی ، درنه و نزدیك دزداب (زاهدان) پست‌های نظامی‌انگلیسی‌گذاشته شد. هم‌چنین بریتانیا یك‌گردان‌پیادهٔ هندی و یك هنگ سوار برای خدمت به‌خاور ایران فرستاد.

موافقت راجع‌به‌واگذارکردن منطقهٔ بی‌طرف به‌بریتانیا و افزایش «تهدید آلمان» منجربه‌کاهش رقابت روس وانگلیس

در ایران گردید . هر دو طرف وزرای مختار قدیم خود ــ کوروستوتس و تانلی را فراخواندند. چارلز مارلینگ Marling به جای تانلی منصوب گردید و فون اتر Von Etter جانشین کوروستوتس شد . فون اتر ، این بارون بالتیکی ، سیاستمداری کوته نظر بود. او از همان آغاز اقامتش در تهران پتروگراد را برای اعزام نیرو به تهران تلگراف پیچ کرد. بریتانیا از اعتراض به روسیه برای نقض بی‌طرفی ایران دست کشید وازآن دولت خواست تا هرچه زودتر به ایران نیرو بفرستد اما پتروگراد «تهدید آلمان» را درتابستان ۱۹۱۵ زیاد جدی نمی‌شمرد واز نگرانی خارق‌العاده اتر وهمکارانگلیسی او جانبداری نمی‌کرد .

وقتی کابینهٔ مستوفی‌الممالك به قدرت رسید، موقعیت آلمان خیلی محکم‌ترشد. اما نخست وزیر جدید از امکانات روس و انگلیس آگاهی داشت و بسیار مواظب بود . کانت کانیتز فکر می‌کرد که زمان توسل به اقدامات قاطع مانندایجاد کودتا برای ورود ایران به جنگ برضد متفقین فرا رسیده‌است. نیروهای نظامی در پایتخت متمرکز شدند. درتهران، یك گروه دوهزار نفری نیرومند ژاندارم وجود داشت. آنها به‌دستور ماژورادوال Edwal در تهران گردآمدند تا «دولت ایران راکه پرداخت های خود را به تعویق انداخته بود. تحت فشار بگذارند». در شرایطی که نیروی مسلحی از مجاهدین برای تشریك مساعی با آلمان‌ها درنزدیك پایتخت جمع شده بودند، عنوان کردن تعویق پرداخت ها بهانه‌ای بیش نبود. در آخرماه اکتبر ، شونه من مقدار زیادی اسلحه از بین‌النهرین به تهران حمل کرد تا در اختیار این قوا بگذارد. درتهران شایع شده بودکه ایران و آلمان قرارداد بسته‌اند .

عکس‌العمل پتروگراد در مقابل این شایعات بسیارشدید

بود سازونوف وزیر امور خارجهٔ روسیه در ۱۵ اکتبر به اتر نوشت «به‌سفیر ایران (درپتروگراد ن.م) گفته شدکه اگراین شایعات درست باشد موجودیت خود ایران به خطر خواهدافتاد، زیرا معاهدهٔ روس وانگلیس برای تضمین تمامیت ارضی ایران تبدیل به‌قراردادی برای‌نابودی این‌کشور خواهدشد». [۱۴۱] در بیستم اکتبر فرمانی برای اعزام سپاهی از نیروهای جبههٔ قفقاز به ایران‌صادرشد. ژنرال باراتف Baratov فرمانده‌سپاه‌مأموریت داشت حیثیت روس‌ها را قبل‌از اعلان جنگ به روسیه بالاببرد و تهران را در صورت اعلان جنگ اشغال‌کند». در ۲۸ اکتبر پیش قراول هزارنفری این سپاه در انزلی (بندرپهلوی) پیاده شد. سپاه مرکب از۳۹ سوتنیای قزاق، دوگردان پیاده و دو گردان ژاندارم وبیست عرابه توپ بود[۱۴۲]).

درضمن میسیون روس‌اطلاعاتی دربارهٔ خطر توطئهٔ‌مسلحانهٔ آلمان‌ها درتهران‌کسب‌کرد. هدف این توطئه خلع سلاح قزاق های بریگاد و واداشتن ایران به امضای معاهده با آلمان‌بود. حکومت پتروگراد بنا به‌درخواست «اتر» موافقت نمودکه یك فوج از نیروهای روس به‌طرف تهران حرکت‌کند. این فوج‌به سرکردگی ژنرال زولوتاریوف Zolotariov تاکرج پیش رفت و آمادگی خود را برای ورود به پایتخت درصورت لزوم نشان داد . این نمایش نظامی به سرعت در اوضاع تهران اثر گذاشت. میسیون‌های آلمانی و اتریشی۔مجارستانی، سفیر و کارکنان سفارت ترکیه به‌قم گریختند وپشت‌سرآنها، ژاندارم‌ها پلیس‌ها و واحدهای مجاهد با نیمی از نمایندگان مجلس چند وزیرو سیاست مدار متمایل به‌آلمان وعده‌ای روحانی‌به‌آن‌شهر رفتند . آلمان‌ها روی نقل مکان تمام اعضای حکومت و خود شاه به قم حساب می‌کردند. اما شاه جرأت‌نمی‌کرد دست به

چنین اقدام خطرناکی بزنند. احمد شاه که آدمی متزلزل بود مدت زیادی تردید نشان داد. ولی فشار روس و انگلیس سرانجام کار خود راکرد و مسألهٔ انتقال پایتخت منتفی شد. اتر به دستور سازونوف درگفتگوی خود با شاه جوان محتملاً او را از ترك تهران برحذر داشت و خاطرنشان ساخت که در صورت بیرون رفتن ازتهران ممکن است هرگز نتواند بدانجا برگردد. سازونوف به‌اتر توصیه کرده بود که درمذاکرات خود با ایرانیان محکم باشد.۱۴۳)

مستوفی‌الممالك احضار قشون روس را ازکرج طلب کرد ووعده دادکه‌برای حفظ منافع روسیه وعقد قرارداد با روس و انگلیس اقدام نماید. اما اترو مارلینگ درخواست نمودندکه کابینه بلافاصله عوض شود و رهبران سیاسی طرفدار روس و انگلیس وارددولت گردند. این درخواست‌انجام شدوفرمانفرما، وثوق‌الدوله وعین‌الدوله عضوکابینه شدند ولی وخامت اوضاع سیاسی برطرف نگردید.

سیاستمدارانی‌که به‌قم رفته بودند درآنجا یك «حکومت ملی» تشکیل دادند وبرضدروس وانگلیس اعلام «جهاد» کردند. جمع‌آوری پول وتشکیل یك «ژاندارمری‌ملی» همراه با تدارك نظامی شروع شد. پرنس رایس وکانت‌کانتیز دیپلومات‌های آلمانی آنها را رهبری می‌کردند. افراج مسلح به سرکردگی نایب حسین‌کاشی وسردارصولت اصفهانی وارد شدند ودرکنارآلمان‌ها قرارگرفتند.۱۴۴) رایس وزیر مختار آلمان در یادداشت پنجم دسامبرخود حکومت ایران‌را ازعقد قراردادبا روس وانگلیس بر حذر داشت، وتهدیدکردکه درصورت عقد چنین قراردادی ایران، پس‌از اشغال هند به وسیلهٔ آلمان، به سرنوشت‌صربستان و بلژیك دچار خواهد شد.

آلمان‌هاعملیات نظامی موثری را درهمدان آغاز کردند.
در آغاز نوامبر یك واحد ژاندارم به‌سرکردگی کلنل محمد تقی خان(که بعداً درراس قیام ضددولتی‌درخراسان قرا گرفت) با کمك و پشتیبانی یك فوج مجاهد به رهبری احسان‌اله‌خان (که درآن زمان یکی از رهبران جنبش جنگل‌بود) به‌قزاق‌های ایرانی حمله برد. قزاق‌ها مقاومت زیادی نکردند: عده‌ای از آنها فرارکردند و بقیه اسیر شدند. سالار لشکر، پسرشاهزاده فرمانفرماوحاکم‌همدان توقیف گردید، ومحمدتقی‌خان فرمانده شهر شد. فاتحان غنایم جنگی فراوانی به دست‌آوردند. پول نقد شعبه همدان بانك شاهنشاهی نیز به چنگ آنان افتاد.
سپاه روس پس‌از ورود به‌ایران به‌سه گروه همدان، تهران و قم برای انجام عملیات نظامی در این سه منطقه تقسیم شد. ژنرال باراتف دستور داشت به وسیله نیروهای خود قنسول‌های روس را به محلشان بازگرداند و ژاندارم‌ها را خلع سلاح و سربازان مزدور را متفرق کند.[۱۴۵]) در۱۶ دسامبر یك فوج از سپاه روس پس از نبرد سخت در نزدیك دهکده الچی، همدان را بدون مقاومت گرفت وسپس سربازان مزدور و واحد های ژاندارم راکه تحت رهبری افسران آلمانی بودند ، به‌آنسوی گردنه عباس‌آباد عقب راند .
دیگرافواج روس لاله‌کان، ساوه وقم‌را دردسامبر تسخیر کردند و در ناحیه رباط‌کریم اتریاد قزاق به سرکردگی بلومستنوف Belomestnov یك‌گروه ازنیروهای دشمن‌راکه میخواست ازناحیه جنوب به تهران حمله‌کند ، شکست داد. در آخرهمان سال درنتیجه‌این‌عملیات نیروهای طرفدارآلمان بکلی دربخش مرکزی‌کشور تار ومار شدند . افواج مجاهد، فدائی وژاندارم به نواحی‌کاشان ، سلطان آباد بروجرد وکرمانشاه

عقب نشستند. نیروهای اصلی‌طرفدار آلمان درکرمانشاه‌تشکیل می‌شدند . آلمان ها امیدوار بودند جلوی روس‌هارا دراین‌شهر بگیرند. دراینجا تقریبا هزار ژاندارم و پنج هزار سوار به سرکردگی نظام‌السطنه ، حاکم لرستان‌که باآلمان‌ها قرارداد بسته بود، متمرکزشده‌بودند. حاکم پشت‌کوه وعده‌داد یك‌نیروی نظامی چند هزارنفری‌گسیل دارد، وآلمان ها نیزروی رسیدن نیروهای ترکیه ازبین‌النهرین حساب می‌کردند .

اما قوای‌روس به‌آلمان‌ها فرصت ندادندوضع‌خودشانرامحکم کنندودر۱۶ فوریه‌آنها را ازکرمانشاه عقب‌نشاندند. ژاندارمها و سربازان مزدور به خاك ترکیه در ناحیه خانقین‌گریختند . اعضای «کمیته دفاع‌ملی» هم‌که‌راه چاره‌ای جزمهاجرت‌نداشتند ازاصفهان به این‌شهر آمدند . در جنگی‌که در نزدیك‌کنگاور روی دادکانت‌کانیتز رهبر وگردانندهٔ اصلی ماجراهای آلمانی درایران‌کشته شد (وبه روایتی‌خودکشی‌کرد).

درآغاز مارس نیروهای نظامی روس کاشان راگرفتند و در ۱۹ مارس اصفهان را اشغال‌کردند . عملیات موفقیت آمیز نیروهای روس در ایران روش محافل حاکمه را نسبت به دول روس و انگلیس بطور اساسی تغییر داد . دولت مستوفی الممالك استعفا داد وکابینه جدیدی به ریاست شاهزاده فرمانفرما به‌قدرت رسید. دولت‌جدید باشرکت طرفداران روس وانگلیس در آخر دسامبر۱۹۱۵ تشکیل‌گردید . فرمانفرما دستور اخـراج همه افسران سوئدی را صادرکرد. ماژورنیسترم به جای ادوال به ریاست ژاندارمری منصوب شد. در۱۲ ژانویه احمدشاه به طور رسمی به مارلینگ واتر اطلاع دادکـه به‌کابینه جدیـد اجازه داده است برای عقد قرار داد اتحاد با دول روس و انگلیس شروع به مذاکره‌کند . بنابراین حکومت ایران به یك وضع

بی‌طرفی متمایل به متفقین بر گشت و مرحله «تهدید آلمان» به پایان رسید.

تهدید آلمان مدت زیادی دوام داشت، اما درمدتی اندك و با وسایلی کم برطرف گردید. اعزام نیروهای منظم به ایران این خطر را رفع نمود. آلمان‌ها کوشیدند ایران را بـه‌عنوان متحد خود وارد جنگ کنند. البته این اقدام با توجه به‌اوضاع و احوال زمان ماجرائی بی معنی بود که هرگز نمی‌توانست به ثمر برسد.

عوامل آلمان از فعالیت ضدروسی وضدانگلیسی دست بر نداشتند و به‌کار خودشان در میان ایلات و عشایر ادامه دادند. هر چند فعالیتشان تا پایان جنگ ادامه یافت، اما این کار غیرمنظم بود و دیگر خطری در برنداشت.

***

شکست عوامل آلمان به بریتانیا و روسیه امکان داد تا اقدامات جدیدی برای افزایش نفوذ خود درایران به‌عمل آورند. به‌دنبال مذاکرات نمایندگان دول روس وانگلیس با دولت ایران در ژانویه ۱۹۱۶ معاهده‌ای منعقد گردید که برطبق آن نیروی بریگاد قزاق که به‌وسیلهٔ افسران روسی کنترل میشد، می‌توانست تا ۱۰ ۱۱ هزار نفر افزایش یابد. بـه بریتانیا اجازه داده شد یک نیروی پلیس ۱۱ هزار نفری تحت فرماندهی افسران انگلیسی وهندی، در جنوب ایران به‌وجود آورد. این نیروی نظامی جدید کـه سپس «تفنگداران جنوب ایران» یا (ت ج ا) نام گرفت، می بایست جانشین واحدهای منحلهٔ ژانـدارمری بشود. بریتانیا و روسیه تعهد کردند برای نگاهداری این نیروها ماهیانه ۲۰۰ هزار تومان به دولت ایران کمك کنند. هر دو دولت ذینفع به اجرای ایـن

معاهده پرداختند. اماروسیه هیچ گونه کوشش اساسی برای افزایش عدهٔ نیروی بریگاد و تبدیل آن به قدرت لشکری به عمل نیاورد زیرا درآن زمان نیروهای منظم کافی در ایران داشت . از آن طرف دولت انگلیس اقدامات سریعی برای تشکیل سپاه «تفنگداران جنوب» به عمل آورد . در ماه مارس ۱۹۱۶ میسیون نظامی ـ سیاسی بریتانیا به ریاست ژنرال پرسی سایکس سر قنسول سابق کرمان و مولف کتاب مشهور «تاریخ ایران» وارد بندر عباس شد. این میسیون تحت رهبری عمومی وزارت امورخارجه ودر مسائل نظامی زیر نظر وزارت جنگ و فرماندهی ارتش هند بود. وظیفهٔ رسمی میسیون، بنابر نظـر سایکس، «تشکیل یک نیروی نظامی بـرای اعادهٔ قانون و نظم به سود دول ایران و انگلیس»[۱۴۶] بود. ژنرال سایکس با بیست وشش افسر انگلیسی و هندی یك اسکورت بیست وشش نفری سوار واسلحه و مهمات فراوان وارد بندرعباس شد.

میسیون بلافاصله شروع به استخدام سرباز برای تشکیل نیروی تفنگ داران جنوب کرد. در آغاز ماه مه پس از رسیدن قوای امدادی (یك گردان پیاده و یك اسکادران سوار) گروهی به سرکردگی سایکس به سوی کرمان حرکت کرد. درهمین زمان سردار ظفرخان بختیاری، حاکم کرمان به شدت به طرفداری از انگلستان برخاست و واحدهای تسوگ مایر وسیلر ناچار فرار کردند . بختیاری ها ژاندارم ها را خلع سلاح کردند و به گروه تسوگ مایر حمله بردند و یك عامـل اتریشی را به نام دکتر بیاخ Biach که بعداً به انگلیس ها تحویل داده شد، اسیر کردند. گروه سایکس پس از ورود به کرمان شروع به تشکیل نـیروی «ت ج ا» کرد. انگلیسها سپس تصمیم گرفتند از راه یزد واصفهان به شیراز بروند. ظاهراً هدف این راه پیمائی نظامی نشان دادن

قدرت نظامی بریتانیا در شهرها ونواحی بی‌طرف ایـران کـه روسیه هنوز آنها را مطالبه می‌کرد، بود. از نظر نظامی لزومی نداشت نیروهای انگلیسی و هندی وارد اصفهان شوند زیرا از ماه مارس واحدهای قزاق سپاه باراتف در این شهر مستقر شده بودند. معذلك نیروهای انگلیسی و هندی وارد اصفهان شدند و به خاطر ملاقات ارتش های «متفق» یك سری جشن ورژه ترتیب داده شد. سایکس و واحدش پس‌از دو ماه اقامت در اصفهان به صوب شیراز حرکت کردند. در آن زمان افگلیس‌ها در شیراز بانك، اداره تلگراف و قنسولگری داشتند. شیراز حتی قبل از تصفیه کرمان به وسیله دسته‌های نظامی قوام‌الملك حاکـم سابق این‌ایالت که‌دراختیار اوانگلیس‌هااسلحه ومهمات گذاشته‌بودند، از چنگك عوامل آلمانی‌آزاد شده بود.

انگلیس‌ها در شیراز بسیاری از ژانـدارم‌هائی راکه از فرمان معلمین سوئدی و آلمانی سرپیچیده و ترك خدمت کـرده بودند برای خدمت در نیـروی تفنگك داران جنوب استخدام کردند. اما آنها نتوانستند بین شیراز وبوشهر ارتباط بر قرار نمایند. تمام تلاش گروه بوشهر قوای انگلیس برای تامین عبور و مرور در طول جاده کوهستانی بوشهر ـ شیراز براثرمقاومت مسلحانه قبایل تنگستانی ـ شاهکتانی و برازجانی بی‌نتیجه‌ماند. اندکی بعد، در زمستان ۱۹۱۷ـ۱۹۱۶ نصیر دیوان رئیس‌قبیله کازرونی به یك واحـد جدید (نیروی تفنگك داران جنوب) در کازرون حمله برد وآنرا ازشهر بیرون راند. سایکس نیروهای انگلیسی ـ هندی به محل‌گسیل داشت. اما آنهـاکاری از پیش نبردند و ازتصرف‌کازرون منصرف شدند. انگلیس‌ها برای تسلط بر نواحی مجاور بحرعمان و مرز بلوچستان دو رشته عملیات در جنوب شرقی‌ایران‌انجام دادند. دراینجاژنرال دایر Dyer

برضد قبایل سرحدی که به‌خطوط مواصلاتی شرق ایران وپایگاه نظامی کویته* حمله مـی‌بردند ، اقـدام به لشکرکشی تنبیهی نمود. درماه مه سال ۱۹۱۶ این عملیات؛ که به تفصیل درکتاب دایرتحت‌عنوان «مهاجمین سرحدی» شرح داده شده، باتسخیر یك دهکده مرزی به اسم خاش که مرکزایل مرزی بود، خاتمه یافت .

در تابستان ۱۹۱۶ فوج‌کوچکی از نیروهای هندی بـه سرکردگی ماژورکیس Keys در بندرگـواتر پیاده شد تا به «تحریکات المان» در بلوچستان ایران خاتمه دهد. این فوج‌به خاش حمله‌کرد و از آنجا، دربهارسال ۱۹۱۷ ، از راه بمپور به ناحیه چاه بهار درکـرانه دریای عمان برگشت . سایکس می‌نویسدکه واحد نظامی‌کیس با مقاومت مسلحانه روبرو نشد و تـوانست با تمام شیوخ قبایل آن ایالت دور افتاده ارتباط بر قرار کند .

فرماندهی بریتانیا حتی‌پس‌ازرفع کامل تهدید خرابکاری عوامل آلمان در مناطق نفت‌خیز ، به نگاهداری نیروی نظامی درناحیهٔ جنوب غربی خوزستان ادامه داد . درماه مه ۱۹۱۷ یك بریگاد مختلط مرکب ازدوگردان پیاده، یك هنگ سوار و چند واحد توبخانه و چنددسته امدادی درآنجا مستقربود [۱۴۸]) قوای عمده این‌بریگاد به نام « جبهه کارون » دراهواز موضـع گرفته بودند وواحدهای‌کوچك درشوش وناحیه نفت‌خیز میدان نفتون قرار داشتند . از بهار سال ۱۹۱۵ یك عمل نظامی در این « جبهه » صورت نگرفت وکار نیروهای‌انگلیسی فقطانجام وظایف اشغالی بود .

---

* Kwetta

بنا براین، دراواخرسال۱۹۱۶وآغاز سال۱۹۱۷انگلیسها باکمك قشون هندکنترل‌کامل‌نواحی جنوبی ایران یعنی «قلمرو نفوذ بریتانیا»، ومنطقه بی‌طرف سابق را باستثنای اصفهان، که روس‌ها ازتسلیم آن‌به «متفقین» خود سرباز می‌زدند، وناحیه کوچك‌کوهستانی بین‌شیراز و بوشهرکه قوای انگلیس درآنجا ازعهده قبایلی‌که سربه شورش برداشته بودند، برنمی‌آمدند، به دست گرفتند.

بریتانیا به‌منظور تحکیم فرمانروائی خود درجنوب‌ایران تصمیم گرفت این منطقه را به وسیله راه‌آهن به هند متصل‌کند. پس‌نقشه راه‌آهن نوشکی به زاهدان‌کشیده شد تاازیکطرف راه مستقیم‌ورودکالاهای هندی وانگلیسی به ایران بازشود وازطرف دیگرمحصولات‌کشاورزی وموادخام ارزان آسان تر از ایران صادر گردد.

مخصوصاً دورنمای به دست‌آوردن بازارهای شمال‌شرقی ایران‌که تا آنزمان منحصراً دراختیار روسیه بود، بریتانیا را به‌خود جلب‌کرد. [۱۴۹]) هرچندکارساختمان راه‌آهن به سرعت پیس‌رفت، ولی‌اشکالات‌فنی‌مانع ازامتداد آن تاسرحدبلوچستان ایران قبل‌ازآغاز ۱۹۱۸ گردید.

باشکست نیروهای طرفدار آلمان درایالات مرکـزی و غربی ایران، روسیه تزاری فرمانروای بلا منازع منطقه نفوذ خودگردید. اما روسیه علی‌رغم متفقش بریتانیا، باارتش‌ترکیه که درمنطقه همدان عمل‌می‌کرد، واردجنگ شد. درسـال۱۹۱۶ درشمال غربی‌ایران «جبهه ایران» تشکیل شد. این‌جبهه جناح چپ جبهه قفقاز را تشکیل می‌داد. برای‌نجات نیروهای‌انگلیسی که درکوت‌العماره محاصره شده بودند، فرماندهی روس بنابه درخواست بریتانیادربهار سال۱۹۱۶ به ژنرال باراتوف دستور

داد مجدداً به طرف غرب تعرض آغاز کند. روس‌ها در ۱۰ مه قصرشیرین راگرفتند و ترك‌ها را از خاك ایران به خانقین عقب راندند، درماه ژوئن واحدهای سپاه روس بین‌النهرین ترکیه را تصرف کردند وضربات مهلکی به قوای ترکیه در رود خانه دیاله واردآوردند. همزمان بااین‌حملات واحدهای گروه وان ـ آذربایجان جبهه قفقاز در جهت موصل پیش‌رفتند وبه‌رواندوز (۱۰۰ کیلومتری موصل) رسیدند. این واحدها باقوای‌ترکیه مرکب از دو لشکر پیاده ترك و دسته های سوارکرد، روبرو شدند.

تعرض‌سپاهیان روس وضع‌ارتش‌بریتانیا را دربین‌النهرین آسان‌کرد. زیرا قوای قابل‌ملاحظه‌ای‌ازقشون ترکیه را متوجه خودنمود، امانتوانست‌پادگان‌انگلیسی۱۳هزارنفری‌محاصره‌شده کوت‌العماره‌راکه با فرمانده‌اش ژنرال‌تانشند در۲۹ آوریل به ارتش ترك تسلیم‌گردید، نجات دهد. برای بالا بردن روحیه نظامیان بریتانیا دربین‌النهرین و برقرارکردن رابطه بین‌ستاد های قوای انگلیس وروس، فرماندهٔ قشون روس درآوریل۱۹۱۶ یك اسکادران‌قزاق به‌بین‌النهرین‌فرستاد. این گروه کوچك‌قزاق به‌فرماندهی تاگملی ازراه پشت‌کوه وبیابانهای غیرقابل عبور و نواحی باتلاقی‌زیرکنترل ترکهابازحمت زیاد واردبین‌النهرین شد وموفقانه به ارتش بریتانیا درنزدیکی علی الغربی* پیوست انگلیس‌ها می‌بایست واحدی به‌پیشواز اسکادران قزاق بفرستند، اما ازاین کار خودداری نمودند، زیرا تصور می‌کردند این واحد روسی درجریان راه پیمائی خود از بین رفته است. اما وقتی‌دربامدادنهم ماه‌مه قزاق های روس‌را درنزدیك علی‌الغربی

Ah. Garbi*

دیدند، هاج وواج شدند.[١٥٠]) موگویف نویسنده شوروی این حادثه مهم جبهه ایران وبین‌النهرین را به طور بسیار زنده و جالبی درکتاب خود به‌نام «آنسوی دجله» وصف کرده است . این کتاب براساس یادداشت های یکی از افرادگملی* نوشته شده. اتفاقا سایکس «درتاریخ ایران» خود نه ذکری ازتعرض قوای روس وورود آنها به‌بین‌النهرین می‌کند ونه‌از راه‌پیمائی واحدگملی سخن به میان می‌آورد .

درواقع فقط نصف صفحه‌ازکتاب بزرگ سایکس به‌عملیات نیروهای روس درایران درپایان سال١٩١٥ وآغازسال ١٩١٦ اختصاص دارد. سایکس آشکارا به تحریف وقایع می‌پردازد و چنین می‌نویسد : « در جاهای مختلف جاده تاریخی‌که بغداد را به قلب ایران مربوط می‌کند جزرومد جنگ درسال ١٩١٦ میلادی قابل توجه است . ابتدا موفقیت با ترکها بودکه پس‌از عقب نشینی انگلیس‌ها از تیسفون فورا از مرز ایران گذشته وبه کرمانشاه حمله‌بردند . اما آنهارا به حال خود باقی‌نگذاشتند چه در ماه مارس ارتش روس‌که به واسطه فتح نمایان ارز روم بسی مغرور بود پیش رفته ودشمن‌را تاکرند عقب راند. تقریبا در همین هنگام یك ستون دیگر روس طوایف متخاصم بختیاری را ازاصفهان بیرون‌کرده‌وخطوط ارتباطیه روس وانگلیس‌راباهم متصل‌نمود [١٥٢]»**

امادرحقیقت‌تعرض روسهانه‌ازمارس١٩١٦ بلکه‌ازدسامبر ١٩١٥که همدان‌راگرفتند آغاز شد . بعد از تسخیر این شهر

Gamaly *

** این‌قسمت عینا ازتاریخ‌ایران» سایکس‌جلد دوم صفحه٦٣٣ ترجمه سید محمدتقی فخرداغی‌گیلانی نقل شده است . (م)

کرمانشاه وکرند را درمارس ۱۹۱۶ به تصرف آوردند . بنابه درخواست فرمانده قشون انگلیس روس‌ها به حمله تعرضی خود درماه آوریل‌ادامه دادند وپس‌ازتصرف قصرشیرین وارد بین ـ النهرین شدند . سایکس کلمه‌ای راجع‌به این موضوع‌نمی‌نویسد در حالیکه در مقابل چند سطری بـه شکست نیروهای باراتف اختصاص می‌دهد. اودر۱۶صفحه بقیه این‌فصل حرکت خودرادر درجنوب ایران‌که درواقع‌کارنمایان وبرجسته‌ای دربرنداشت، شرح می‌دهد . سایکس با ذکر قدردانی لردکریو در این فصل این نقص را جبران مـی‌کند . لـرد نـامبرده در بیست فـوریـه ۱۹۱۷ در مـجلس لردان راجع به عملیات سایکس درجنوب ایران گفته بود: «حرکت پرسی‌سایکس خیلی قابل ملاحظه بود و شایسته است در روایات ارتش هند در این صد سال اخیر یـا بیشتر ثبت شود[۱۵۳]»*

من‌در درجه اول توجه حضاررا به«تاریخ ایران»سایکس جلب می‌کنم زیرا این‌کتاب رایج‌ترین اثردرباره تاریخ‌ایران دردوره جنگ جهانی‌اول‌است وممکن‌است بسیاری ازمردم‌آنرا منبع قابل اطمینانی بدانند . اما مدت درازی پیش‌آکاد میسین و اسیلی بار تولد Vassily Bartold در تجزیـه وتحلیل انتقادی خود ازکتاب سایکس تاکیدکردکه این اثر از لحاظ تاریخ ایران بی‌پایه و غیرعلمی است . هـر چند سایکس اظهار امیدواری‌کرده بودکه اثرش جانشین«تاریخ ایران» مالکم شود اما همانطورکه واسیلی بار تولد به درستی خاطرنشان نموداثر سایکس نتوانست چنین‌کاری انجام دهد.

---

* عیناازصفحه۶۳۳ تاریخ ایران سایکس ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی نقل‌شده است . (م)

فرمانده سپاه اعزامی روس از همان آغازعملیات نظامی به‌فرمانده قشون انگلیس پیشنهاد کرد که عملیات مشترك شدیدی برای قلع و قمع نیروهای اصلی ترکیه انجام شود. رئیس ستاد روس بـه ژنرال ویلیامس Williams نماینده نظامی بریتانیا خاطر نشان کرد که وضع ایران وفعالیت آلمان‌ها اقدامات مشترك روس‌وانگلیس راایجاب می‌کند. نامبرده تاکید کرد: «عملیات ما باید هم‌آهنگ شوند ودارای جنبه تهاجمی باشند وبرای این منظور باید نیروهای کافی وارد عمل گردند». فرمانده قوای روس بخصوص پیشنهاد کرد کـه حملهٔ تعرضی مشترك نیروهای روس و انگلیس(ازناحیه اهواز ـ شوشتر) به‌کرمانشاه ترتیب داده شود. پس‌ازاینکه‌این کارصورت گرفت، پیشنهاد شد حمله تعرضی متمرکزی با دو ارتش به طرف بغداد آغاز گردد. اما هما نطورکه ژنرال ن. کورسوم می‌نویسد: «این فکرفرماندهٔ روس درعملیات بریتانیا منعکس نشد». [۱۵۴]، به‌نظر می‌رسد که انگلیس‌ها که بین‌النهرین را جایزه نظامی آینده خود تلقی می‌کردند، نمی‌خواستند ارتش روس را درآنجا ببینند.

فقدان هم آهنگی در عملیات ارتش‌های روس و انگلیس مولود تناقضات امپر یالیستی بودکه به طور مخالف در جریان عملیات نظامی در صحنه ایران ـ بین‌النهرین تاثیرمی‌گذاشت. یکی از نتایج آن اسارت گروه ژنرال تانشند به دست ترك ها بود. بعد همان نتایج تلخ نصیب روس ها گردید.

پس از شکست گروه تانشند ترك‌ها توانستند قوای قابـل ملاحظه‌ای را از این جبهه آزاد کنند (عدم توسل فرماندهـی انگلیس به مانورها واقدامات تعرضی کار ترك‌ها راآسان‌تر نمود) و به مقابله سپاهیان روس درناحیه خانقین بفرستند. ترك‌ها در آنجا موفق به ایجاد نیروئی شدند که قدرت جنگی آن دوبرابر

قدرت تمام سپاه روس در ایران بود. ترك ها از لحاظ تعداد نفرات از پیش‌قراولان سپاه روس که در بین‌النهرین مستقرشده بودند، تفوق داشتند. قشون ترکیه دارای دوازده هزار پیاده، چهارده هزارسوار، دوهزارسپاهی مزدور وپنجاه وچهار عرابه توپ بود.[۱۵۵]) در آن زمان سپاه باراتف مرکب از چهارهزار تفنگ‌دار، شش هزار شمشیرکش و دوازده‌عرابه توپ بود.[۱۵۶]، قوای روس که به‌سرحدات بین‌النهرین رخنه‌کرده‌بودند درواقع پشت جبهه نیرومند وسازمان یافته‌ای نداشتند وطول ارتباطشان تقریباً هزار کیلومتر بود. درچنین‌شرایطی‌تنهاراه چاره فرماندهی روس تنظیم‌یك عقب نشینی با نقشه با حداقل تلفات بود. ژنرال باراتف از فرماندهٔ انگلیس درخواست‌کمك‌کرد، اما او ازهر گونه اقدامی در این زمینه خودداری نمود. ظاهراً انگلیس‌ها مشغول‌تحقیق دربارهٔ علل «افتضاح بین‌النهرین» خودبودند.

نیروهای روس جنگ‌کنان بـه خاور عقب نشستند . در ژوئیه ۱۹۱۶ ازکرمانشاه و دراوت همان سال از همدان عقب نشینی‌کردند. سرانجام روس‌ها توانستند جلوی حملهٔ ترك‌ها را نزدیك گردنهٔ سلطان بلاغ بگیرند.[۱۵۷]، تهدیدمجددترك‌وآلمان موجب اضطراب وتشویش اروپائیان مقیم‌تهران گردید. بسیاری از آنها منتظر حمله ترك ها به پایتخت بـودند . سایکس کـه شاهد این ماجرا بود چنین می‌نویسد: «تخلیه شهر در ابتدا از طرف سفارت انگلیس توصیه شد ولـی بعد نظر بهتری پیدا شد و فقط زنان و بانوان قرار شد به طرف انزلی حرکت‌کنند که ازآنجا هم بعد از چند هفته اقامت به طـرف تهران مراجعت کردند». *[۱۵۸])

---

* این‌قسمت عیناً ازصفحه۶۹۲جلد دوم «تاریخ ایران» سایکس ترجمه آقای فخرداعی گیلانی نقل شده است (م)

فرماندهی روس نیز وضع را خطرناک می‌دانست اما ظاهراً امیدوار بود مواضع سلطان بلاغ را نگهدارد. در آن زمان روس‌ها نمی‌توانستندروی انتقال قوای امدادی قابل ملاحظه به ایران حساب کنند زیرا جنگ‌های سخت با ارتش ترکیه در خاک ترکیه همه نیروهای موجود را درگیر کرده بود و از طرف دیگر ارتش ذخیره روس درآن موقع در جبهه قفقاز بود.

درترکیه، در نبرد ۱۹۱۶ موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای نصیب روس‌ها گردید. درآغاز سال قوای روس بندرترابوزان و دژارض روم را تصرف کردند. درتابستان همان سال فرماندهی قشون ترکیه ارتش دوم خود راکه مرکب از ده لشکربود از داردانل به‌آناتولی خاوری فرستاد. فرماندهی قشون ترکیه می‌خواست برای درهم شکستن نیروهای اصلی سپاه روس باارتش‌های دوم و سوم در نواحی اوگنوت و ارزنجان حمله متقابلی ترتیب دهد. اماهردوارتش ترکیه که درجبهه قفقازعمل می‌کردند، پس از جنگ‌های سخت تابستانی، بر اثر حمله متقابل روسها تلفات سنگینی متحمل شدند و مجبور به عقب نشینی گردیدند. روس ها ارزنجان راگرفتند و در نتیجه عملیات جنگی سال ۱۹۱۶، تا ۲۵۰ کیلومتر در ترکیه نفوذکردند، بدین ترتیب طول جبهه قفقاز در آخر همان سال به ۲۵۰۰ کیلو متر رسید. ترک‌ها فقط در حملهٔ ارتش ششم بغداد خود در ایران باختری در جهت همدان موفقیت به دست آوردند. آنها هم چنین دردفع نیروهای سپاه دوم‌قفقاز (گروه سابق وان ـ آذربایجان) وعقب نشاندن آنها از رواند وزبه‌سرحد ایران وترکیه توفیق یافتند. در زمستان۱۹۱۷-۱۹۱۶ به‌علت سرمای سخت هیچ گونه عملیات جنگی قابل اهمیتی صورت نگرفت. برف سنگین و یخ بندان

شدید تلفات و خسارات زیادی به نیروهای ترکیه و روس وارد ساخت و هزاران تن را بیمار وهلاک کرد.

نقشهٔ عملیاتی که ستاد ارتش روس برای بهارسال ۱۹۱۷ طرح کرده بود شامل تعرضی (به‌اتفاق ارتش بریتانیا) در بین النهرین بود. در دسامبر۱۹۱۶ ارتش بریتانیا شروع به حمله کرد و در فوریه۱۹۱۷ ارتش ششم ترکیه را درکوت العماره شکست داد و در یازدهم مارس بغداد راگرفت . در آخر این ماه جلوداران‌ارتش‌انگلیس بعقوبه*وشهربان**را متصرف‌شدند و در جبل‌حمرین با ترك‌ها به‌جنگ پرداختند .

سپاه باراتف[۱۶۱] که وظیفه‌اش‌انجام‌عملیات‌جنگی‌درمناطق کوهستانی بود دو ماه بعد به تعرض پرداخت . روس‌ها در ۲ مارس‌همدان‌ودر۱۰ مارس تمام منطقه‌کرمانشاه را اشغال‌کردند وبعد در۲۲مارس واحدهای سوارآنها‌پس‌ازدرهم شکستن‌مقاومت ترك ها درقصبهٔ میان طاق دشمن‌را ازخانقین‌بیرون‌کردند . در آخرمارس جلوداران قشون روس باعقب داران ارتش ترك در رودخانه‌دیاله وارد جنگ‌شدند وکوشیدند راه عقب‌نشینی نیروی ترك‌را به‌قفری***(کفری)قطع کنند. واحدقزاقی که‌فرماندهی روس برای ارتباط بانیروهای بریتانیا فرستاده بود ، درناحیه قزل رباط **** به‌آنها پیوست[۱۶۲])

بنابراین براثر عملیات جنگی بهارسال ۱۹۱۷ قوای روسی جناح چپ جبهه قفقاز به نیرو های عملیاتی بریتانیا در بین‌النهرین پیوستند . واحدهای تحلیل رفته ارتش ششم‌ترکیه که تحت فشار نیروهای انگلیسی وهندی ژنرال‌س. مود Mode

---

Bakuba *   Sharaban **

Kifri ***   Kizil Rabat ****

عقب‌نشینی می‌کردند وهم چنین دسته‌هائی که به وسیلهٔ نیروهای ژنرال باراتف ازخاك ایران بیرون‌ریخته‌شده بودند، درموقعیت دشواری قرار گرفتند. ترك ها درآن هنگام نمی‌توانستند برای دست زدن به یك حملهٔ متقابل قوای قابل ملاحظه‌ای گردآورند وفقط اندیشه تشکیل دفاع بین‌النهرین شمالی که از نقطه نظر تامین‌خوار وبار تمام‌ارتش‌ترکیه درآناتولی، مورد نیاز بود، آنها را به خود مشغول می‌داشت. جناح ارتش‌ششم ترکیه‌مورد تهدید نیروهای روسی جبهه ایران بود. پس ازتصرف بغـداد به وسیله قشون‌انگلیسی دربهار سال ۱۹۱۷ و پیشرفت نیروهای انگلیس به طرف شمال وورود واحدهای روس به بین‌النهرین، خطرمداخله نظامی آلمان - ترکیه درایران عملامنتفی گردید.

***

پیروزی‌ها وشکست های قوای نظامی متفقین درجنگ بر ضد نیروهای ترکیه ـ آلمان همیشه بطور قابل توجهی درخط مشی سیاسی وسیاست‌خارجی دولت ایران وشاه منعکس میشدند بنابراین وقتی‌نیروهای‌روس‌برضد عوامل‌آلمان ـ ترکیه پیروز شدند، کابینه شاهزاده فرمانفرما درتهران به قدرت رسید کـه کاملا فرمانبردار روس وانگلیس‌بود. این‌کابینه سپس جای‌خودرا به‌کابینهٔ سپهدار که‌فرمانبردارتر ازکابینه قبلی‌بود، داد. انگلیس وروس موافقت سپهداررا برای ایجاد سپاه تفنگ داران‌جنوب تحت رهبری انگلیس‌هادرجنوب ایران وتقویت بریگاد قزاق‌در شمال بدست آوردند. کلنل پروزورکویچ Prozorkevich فرمانده این‌بریگاد به پتروگراد نوشت: « فقط کابینه سپهدار که مرکب ازوزیرانی است‌که جرأت مخالفت با نخست وزیـر خودراکه به دستور دیپلوماسی ما (روس ل.م) وانگلیس عمل می‌کند، ندارند، می‌تواند بامفاد معاهدات روس - انگلیس -

ایران برای ایجاد این نیروهای پلیس موافقت نماید »

وقتی درتابستان ۱۹۱۶ بخت به‌ارتش ترکیه روی آورد و ترك ها شروع به راندن سپاهیان روس در امتداد جاده همدان کردند، چندنفر ازوزارای کابینه سپهدار بلافاصله استعفادادند پروزورکویج نوشت : « نخستین اخبار موفقیت ترك‌ها و امکان پیشرفت وورودآنها به تهران برای تصفیه‌حساب باحکومت حاضر موجب استعفای این کابینه که نزدشاه‌محبوبیت نداشت وازحمایت افکارعمومی وجامعه‌برخوردار نبود، شد[۱۶۳]) »

درایام‌تعرض‌ترکیه وقتی‌که مساله تخلیه تهران و خروج اتباع اروپائی‌ازاین شهر تحت حمایت قوای روس‌مطرح گردید. نمایندگان‌روس وانگلیس به احمدشاه توصیه‌کردند آماده‌بیرون رفتن‌ازپایتخت شود. شاه این توصیه را نپذیرفت و تصمیم گرفت درتهران بماند . این‌تصمیم مورد تأیید وپشتیبانی شورای عالی سلطنت که برای بحث در بارهٔ این‌مساله تشکیل‌شده بود، قرار گرفت. احمدشاه که پس‌ازاستعفای سپهدار بی‌دولت مانده بود ، چندباربرای تشکیل‌یك‌کابینه جدید اقدام‌کرد، اما تمام‌اشخاصی که‌ازآنهادرخواست‌تشکیل‌کابینه‌می‌شد، ازقبول‌این‌ماموریت‌امتناع می‌کردند . علت این‌امرعدم ثبات وضع نظامی وسیاسی‌درکشور بود . سرانجام وثوق‌الدوله‌که روس‌ها به او وعدهٔ پشتیبانی‌داده بودند. اقدام‌به تشکیل یك‌کابینه جدید نمود. دیپلومات‌های‌روس اورا طرفدار روسیه‌وانگلیس‌ها اورا آلت فعل‌خود می‌شمردند . مشکل‌بتوان گفت که‌حق‌باکه‌بود. اوفایده کمی‌برای روسیه‌تزاری داشت وبعدا با امضای قرارداد ننگین ۹اوت۱۹۱۹که ایران را تبدیل به مستعمره واقعی انگلیس‌کرد، رسوائی‌به بارآورد . بهر حال وثوق الدوله را نمی توان یك میهن پرست ایرانی شمرد .

وثوق‌الدوله کابینه جدیدی تشکیل داد که « اعضای آن »، همانطور که پروزوکویچ نوشت « اگر تقریباً دوستان ما نباشند، به هرحال، دشمنان ما نیز نیستند ».

یکی از نشانه‌های روش‌دوستانه کابینه جدید نسبت به‌متفقین یاحداقل نسبت به بریتانیا ، شناسائی سپاه تفنگ داران‌جنوب‌به عنوان یك‌نیروی نظامی ملی ایران بود . وثوق‌الدوله ضمن‌یك تلگراف رسمی ازژنرال سایکس برای اعاده «قانون ونظم» در جنوب ایران تشکر کرد.

بنابراین باتوافق روسها وانگلیس‌ها دولتی تشکیل‌شد که سیاست آن‌به نفع روسیه وبریتانیا بود.

امادرجریان جنگ، دول بزرگ نه تنها باشاه‌قاجار و دولت بلکه باقبایل مختلف ایرانی (مخصوصاً ایلات و عشایر وملیون می‌بایست معامله کنند. همانطور که قبلا ذکرشد ترك ها از قبایل‌کرد درجنگ برضد ارتش روس استفاده می‌کردند . ترکها وآلمان‌ها می‌کوشیدند ازلرها، بختیاری‌ها، قشقائی‌ها ، قبایل عرب خوزستان ودیگرطوایف جنوب ایران‌برای عملیات ضدروسی وانگلیسی‌استفاده‌کنند. آنها دربرخی موارد درانجام این‌کار موفق‌می‌شدند . اما این امر به معنای این نیست‌که تمام قیام ها وجنبش‌های ضد انگلیسی و ضد روسی در ایران نتیجه تحریکات و تبلیغات ترك‌ها و آلمان‌ها بود. در بسیاری موارد این جنبش‌ها عبارت بودندازواکنش‌های طبیعی خلق‌های ایران بر ضد اشغال‌کشورشان به‌وسیله مهاجمین بیگانه . البته جنبش ایلات و عشایر که ساختمان اجتماعی آنها هنوز پدر شاهی و قبیله‌ای بود بیشتر به‌ارادهٔ سران‌آنها بستگی داشت . سود وزیان شخصی و تمایل سران عشایر برای حفظ تسلط خود بر قبایل شکل دهنده اصلی روش‌های‌آنها نسبت به‌ارتش‌های دول متحارب

بود. من نمی‌خواهم دربارهٔ روابط متقابل بریتانیا وقبایل جنوب صحبت کنم، چه این موضوع به تفصیل در کتاب سایکس تشریح شده است . نقطه نظر من دراین خصوص «اندکی» با نقطه نظر او فرق دارد و در کتاب من تحت عنوان «توسعه نفوذ بریتانیا در ایران» بیان گردیده است . من می‌خواهم توجه شما را فقط به مطالبی که روابط فرماندهی قشون روس را با سران قبایل و اهالی شمال ایران منعکس می کند، جلب نمایم .

ورود سپاه روس به ایران موجب افزایش طرفداران نهضت جنگل که قبل از جنگ (درسال ۱۹۱۲) تشکیل شده بود، گردید. در راس این جنبش ملی که بر ضد اسارت ایران به‌وسیله امپریالیسم مبارزه می کرد، میرزا کوچك خان قرارداشت . درپائیز سال ۱۹۱٦ جنگلی‌ها به نیروهای روس درایالت گیلان ودرطول جاده انزلی ـ قزوین حمله بردند. درآن زمان عوامل آلمان و ترکیه که اسلحه در اختیار جنگلی‌ها می گذاشتند، از نهضت جنگل استفاده می‌کردند . اما این واقعیت نباید به ما اجازه دهد که جنبش جنگل را یك ماجرای آلمانی به حساب آوریم . برعکس نهضت جنگل جنبشی ملی وضدامپریالیستی بود. حمله به‌وسایل حمل‌ونقل نظامی موجب عملیات تلافی‌جویانه روس‌ها برضدجنگلی‌ها شد. در ژانویه ۱۹۱٦ فرمانده سپاه اعزامی روس به لشکرکشی تلافی جویانه مخصوصی به منظور قلع وقمع نیرو های نظامی اصلی کوچك خان اقدام نمود. قزاق‌ها تلفات سنگینی به جنگلی‌ها واردکردند . اما چون آنها از حمایت و پشتیبانی اهالی محل بر خوردار بودند ، روس ها نتوانستند کاملاً آنها را شکست دهند .

اما نمونه قم نمونه دیگری است . وقتی در آخر سال ۱۹۱۵ نیروهای نظامی روس ضمن تعقیب عوامل آلمان وسربازان

مزدور وارد قم که اقامتگاه «کمیته دفاع ملی» متمایل به آلمان بود، شدند، واقعاً مورد استقبال حکومت و ساکنان شهر قرار گرفتند. اداره تجسس سپاه اعزامی ژنرال باراتف در گزارشی نوشت : «اهالـی از دیدار سر زبان روس بسیار خوشوقتند و مایلند قسمتی از قوای نظامی ما در قم مانده و صلح و آرامش آنرا حفظ کنند.» در گزارش گفته می‌شد که «اشغال قم به‌وسیله سپاهیان روس اهالی شهررا اززیر بارمالیات سنگین خلاص کرد. در روز تصرف قـم تمام ساکنان شهـر می‌بایست مبلغی به کمتیه دفاع ملی قم بدهند . از خـزانه حـرم مقدس نیز مبلغی اخذ می‌شد. درچنین شرایطی، پس از تصرف شهر، روحانیون کاملاً درکنار ما قرار گرفتند و تبلیغات آلمان‌ها و ترك ها درکاشان وسلطان‌آباد به نتیجه نرسید[۱۶۴] .»

به موجب همین گزارش عوامل ترکیه و آلمان از قبایل مختلف کرد استفاده میکردند. واحدهای کرد در ناحیه بیجار متمرکز شده بودند تا از آنجا به منطقه خمسه و مرکز آن شهرزنجان حمله کنند. دولت مرکزی به حاکم زنجان و امیر افشار دستور داد به اتفاق قزاق‌های ایرانی و نظامیان روس برضد آلمان‌ها، ترك‌ها وکردها اقدام کنند. در این وضع امیر افشار قراردادی با فرمانده قشون روس امضاء کرد که به مـوجب آن امیر وعده داده بود که اگر نظامیان روس ازورود به منطقه خمسه خودداری کنند، او سیاست دوستانه خود را نسبت به روسیه حفظ نماید. با این شرط روس‌ها تمام مسائل مربوط به این ناحیه را به داوری امیر افشار محول کردند. یکی از دلایل روش دوستانه‌ای کـه امیر نسبت به روس‌ها اتخاد کرده بود، ظاهراً وعده انتصاب او به عنوان حاکم زنجان بود. در اوت ۱۹۱۶ وقتی نیروهای ترکیه به همدان حمله کردند، فرمانده روس گروهی از سربازان خود

را به زنجان فرستاد. امیر افشار از ترس ورود ترکها به شهر نامه تملق‌آمیزی برای آنها فرستاد و در نامه دیگر خود به باراتف عقب نشینی قشون روس را از زنجان بر طبق قرار داد خواستار گردید. دد پاسخ، باراتف به‌امیر نوشت:

« راجع به قرارداد با من کـه قشون روس نباید وارد خاك خمسه شوند، شما درواقع این را از من خواستید ومن هم موافقت کردم ، به شرطی که شما اجازه ندهید دشمنان ما وارد منطقه خمسه شوند. معذلك شما به ترکها اجازه دادید به منطقه شما تجاوز کنند، و نسبت به‌آنها ابراز دوستی کردید. در مورد بی‌طرفی ایران باید بدانید که بی‌طرفی سیاست‌ضعفاست، اماشما امیر توانائید و تصمیم گرفتید بی‌طرفی را ترك کنید. نامه‌ای از شما دارم که درآن به‌من اطلاع می‌دهید که حاضرید ۵۰۰سوار در اختیار من بگذارید، وهمانطور که می‌دانید انتصاب شما به عنوان حاکم زنجان مشروط به اینست که سواران را در اختیار من بگذارید و بـه دشمنان ما اجازه ندهید وارد منطقه خمسه شوند ...»

باراتف نامه خـود را چنین خاتمه می‌دهد. «رفتار شما باید اینطور باشد: چون شما نمی‌خواهید و نمی‌توانید بـر ضد دشمنان ماعمل کنید، طلب می کنم بی‌طرفی کامل را رعایت‌نمائید. سربازان من باید بدانند با چه‌کسانی سروکاردارند[۱۶۵]»

روابط روس‌ها با امیر افشار خیلی خوب خصوصیت بی طرفی رادریك مقیاس‌ایالتی که ضمناً شبیه بی‌طرفی‌دولت مرکزی بود، نشان می‌دهد.این روابط هم‌چنین نشان می‌دهدکه گرایش سیاسی خان‌های ایرانی برخی اوقات، بر اساس منافع شخصی آنها قرار داشت. در ضمن، نامه باراتف مثال زنده‌ای است از روش سودجویانه‌ای که فرماندهی روس نسبت به مسائل داخلی

ایران و روابط با حکومت این کشور اتخاد می‌نمود.

روابط روسیه با قبایل لر در آن زمان قابل توجه است. در پایان سال ۱۹۱۵ آلمان‌ها و ترک‌ها کوشیدند پشتیبانی امواج متعدد مسلح لررا جلب کنند و آنها را زیر فرماندهی شاهزاده نظام‌السلطنه‌حاکم لرستان قراردهند. اما لرها در برابر حمله وتعرض روس‌ها مقاومت مسلحانه‌نکردند، وفرمانده ایرانی آنها نظام‌السلطنه به‌بغداد فرارکرد.

در ماه ژوئن ۱۹۱٦ رئیس فوج بروجرد قشون روس و مامورسیاسی سپاه‌اعزامی گزارش مخصوصی‌درباره‌اوضاع لرستان به شرح زیر به ژنرال باراتف تسلیم‌کرد:

«در مدت اقامت در بروجرد موفق شدیم خان‌های متمرد و یاغی لر را به طرف خود جلب‌کنیم تاآن حدکه‌آنها ازهیچ کوششی‌برای‌اعاده نظم‌وآرامش درمنطقه‌ای‌که‌آشفتگی وراهزنی درآن امرعادی و پدیده‌ای روزمره بود ، دریغ‌نکردند . آنچه، ایرانی ها، علی رغم تمام‌کوشش‌ها و تلاش‌های خود، سال ها نتوانستند انجام دهند، ما در عرض چند ماه‌انجام دادیم. دولت ایران بایدازما تشکرکندوفقط ازما تشکرکندکه نظم‌را دراینجا برقرارکردیم . خان‌های لر آشکارا اظهار مـی‌دارندکه آنها تنها به خاطر احساسات دوستی و همراهی نسبت به‌روس‌هائی‌که به اینجا آمده‌اند، نظم وامنیت را حفظ می‌کنند... ضمناً خانها خصومت خود رابادولت ایران‌که مکرراً آنها را رنجانده است، پنهان نمی‌کنند. [۱٦٦]»

درپیام دستجمعی خان های لر به‌ژنرال‌باراتف می‌خوانیم،

«ما امضاءکنندگان زیر مفتخراً بـه عـرض آن جناب می‌رسانیم‌کـه حـاضریم تمام دستورات شما را اجراکنیم و در آینده نظم و صلح وامنیت جاده‌ها را در منطقه خود نگاهداریم.

اگر قشون امپراطوری به خدمت ما نیازی داشته باشد حاضریم هرچه ازدست‌مان برای‌این منظوربرآید کوتاهی نکنیم.»

بعد، در نامه گفته می‌شدکه لرها عمداً تمام روابط خود را با دولت مرکزی قطع کرده‌اند و استقرار نظم و آرامش در لرستان نتیجه احترام لرها به‌سپاهیان روس‌ودوستی با آنهاست. «ما ازقنسول امپراطوری خواستیم به جنابعالی اطلاع دهدکه چگونه دولت‌ایران‌ظالمانه‌با مارفتارمی‌کند. ماازآن‌جناب می‌خواهیم، به ما چاکرانتان، کمك و همراهی کنید تا حقوق‌مان را حفظ نمائیم *[۱۶۷] »

خصومت خان‌های لر بادولت ایران ناشی‌ازاین امر بود که دولت مرکزی آنهارا ازمزایا وحقوق نگاهداری جاده‌هاو استقرار نظم درلرستان محروم کرده بود. حکامی‌که به‌لرستان اعزام‌می‌شدند این‌وظایف را به قشون ایران‌که رفتارش دشمنی اهالی را بر می انگیخت محول‌می‌کردند. رکن‌الدوله حاکم جدیدبروجرد، خوزستان ولرستان‌که بجای نظام‌السلطنه(که‌به پیش ترك‌ها گریخته بود،) فرستاده شده بود، دستور داشت بـا لرها مثل‌سابق رفتارکند. به علاوه دولت مصمم بود حساب‌های خودرا بالرها بااستفاده ازاقامت نظامیان روس درلرستان‌تصفیه کند. رکن‌الدوله محرمانه به فرمانـده روس اطلاع دادکـه نخست‌وزیر به‌وی دستورتلگرافی داده است‌که بااستفاده‌ازفرصت اقامت قنسول‌روس دربروجردوکمك‌سربازان روس‌به یك لشکر کشی تنبیهی برضد لرها اقدام‌کند.

---

* هفت خان‌لر این‌نامه‌را امضاکرده بودند: علی‌مردان خان امیر مفخم، غلامعلی خان سردار اشرف، شیخ علی‌خان سردار عشایر و دیگران.

باید تأکید نمود که صلح و آرامش در لرستان درواقع در نتیجه وفاداری لرها به قوای روس دوباره برقرار گردید و نه براثر عملیات سربازان روس. (درآنزمان در بروجرد و نهاوند فقط ۲/۵ سوتنیای قزاق مستقر بودند) . بنابراین اقدامات نادرست حکومت ایران ممکن بود منجر به نتایج وخیمی برای خود حکومت وعقب سپاه اعزامی روس گردد .

باتوجه به موقعیت نظامی لرستان و سیاست دولت ایران نسبت به لرها که مطلقاً نادرست بود، رئیس فوج بروجرد و مأمور سیاسی سپاه اعزامی اقدامات زیررا در گزارش خود توصیه نمود : « باید ایرانی‌ها را مجبور کنم ازنقشه خود خواهانه وخطرناك استفاده از قوای روس برای تصفیه حساب با لرها صرف نظر کنند وازدولت ایران بخواهیم امتیازات قدیم لرها را برای حفظ نظم در لرستان ونگهداری جاده‌های تجارتی بلافاصله به آنها بازگردانند ، درنتیجه این امر می‌توان: الف) لرها راآرام نمود ب) خصومت حکومت مرکزی وقبایل‌را نسبت به یکدیگر رفع وبین آنها روابط عادی برقرار کرد .» گزارش ادامه می‌دهد . « بیش‌ازنصف این‌دوهدف بااستقرار مناسبات دوستانه بین لرها وسپاهیان‌امپراطوری تحقق‌یافته است . شك نیست که یك‌حکومت ایرانی دوست روسیه قادر خواهد بوو در این جهت عمل کند. (۱۶۸ »

این اسناد گواهی است بر تمایل نمایندگان سیاسی و نظامی روس در ایران ـ برای تامین منافع کشورشان ـ به‌عادی کردن وضع سیاسی‌داخلی کشور. ضمنا این اسنادکوته نظری سیاست داخلی‌دولت شاه قاجار وپیچیدگی روابط متقابل دولت مرکزی ومردم ایالت دورازمرکزرا نشان می‌دهد .

پیروزی‌قوای روس‌وانگلیس‌درجنگ باترکیه‌درجبهه‌های

بین‌النهرین و قفقـاز و ایران در آغاز ۱۹۱۷ تقریباً به طور کامل عامل نفوذ آلمان وترکیه را (درمناسبات روس وانگلیس با قبایل ایران) برطرف نمود ، باستثنای موقعی که «تهدید» ناچیز وکم اهمیت‌ترکیه درآذربایجان ایران موقتاً درتابستان ۱۹۱۸ دوباره ابراز وجود کرد.



پس از تعرض موفقیت آمیز سربـازان روس در تابستان ۱۹۱۷ جنگ جهانی‌اول درایران خاتمه یـافت وبه بین‌النهرین منتقل گردید ، در حالیکه اشغال نظامی ایران همچنان ادامـه داشت . سربازان روسیه تزاری و بریتانیاکـه درآغـاز جنگ به ایران آمـده بودند ، ظاهـراً قصد نداشتندکشور را تـرك کنند .

در بهارسال ۱۹۱۷ انقلاب بورژوازی روس دولت‌مستبد تزازی‌را در روسیه واژگون‌کرد . افکار عمومی ایران ازخبر انقلاب روس بسیار خرسندگردید زیرا بسیاری ازمردم ایران امید داشتندکه انقلاب در سیاست خارجی روس تغییرات اساسی به وجودآورد. دراین روزهای امیدبخش‌کاردار سفارت روس‌از تهران گزارش‌دادکه : « تمام‌شهردرباره استفاده ازاوضاع‌سخن می‌گوید. عده زیادی ازمردم درخصوص فراخواندن اسحق‌خان (سفیرایران درروسیه ـ ل.م.) ولزوم تقاضای تخلیه ایران از قشون روس و اعزام یك هیئت نمایندگانی به پتروگـراد برای استقرارمناسبات باحکومت جدید بحث می‌کنند. [۱۶۹] »

درتهران مبارزه برای تشکیل مجلسی‌که بوسیله قـوای نظامی روس وانگلیس‌پراکنده شده بود ، آغازگردید واستعفای کابینه انگلوفیل وثوق‌الدوله طلب شد. ملیون ودموکـرات های ایران‌که ازمدت ها پیش‌برضد روس وانگلیس می‌جنگیدند ، به

طرف پایتخت سرازیر شدند . درماه مارس ۱۹۱۷ گروهی از سیاستمداران یك سازمان انقلابی مخفی به‌اسم «کمیته‌مجازات» تشکیل‌دادند .

درراس این‌کمیته ابوالفتح زاده افسرسابق بریگاد قزاق شاه ویکی از شرکت‌کنندگان انقلاب ایران قرار داشت . این کمیته اقدام به ترور مرتجعین ایران و سیاستمداران طرفدار استعمار وامپریالیسم نمود. چون درآن زمان ایرانیان امیدوار بودندکه روسیه پس‌ازانقلاب ازسیاست‌استعماری تزاری دست‌بر دارد، بنابراین تمام‌فعالیت‌عناصر دموکرات وانقلابی‌درمجرای مبارزه با روس وانگلیس وکابینه انگلوفیل وثوق‌الدوله افتاد .

اما انقلاب فوریه (مارس) این امیدهای آزادیخواهان ایران(وروس)رابرنیاوردوحکومت‌موقت‌بورژوازی‌روس‌درسیاست خارجی به‌همان‌راه ورسم حکومت تزاری چسبید.پاول میلیوکف Milyukov طی یك تلگراف محرمانه دستورات زیر را کار دار روس داد: «ما باید به‌حکومت شاه اطلاع‌دهیم‌که روسیه مانندگذشته با بریتانیا در امور ایران همکاری خواهد نمود و سیاست روسیه تغییر نخواهدکرد.» میلیوکف افزود: «اما شما بایدتوجه داشته باشیدکه مانمی‌توانیم دررژیم جدید خودآشکارا با تمایلات آزادیخواهانه درایران مخالفت‌کنیم . بنابراین بهتر است سفیر انگلیس در این نوع مسائل پیشقدم شود و ما درخفا ار او پشتیبانی نمائیم.» دوماه‌بعد ترشنکو Treshenko وزیر امورخارجه جدیدکه جانشین میلیوکف‌شده‌بود، به‌تهران‌تلگراف کرد: « خط مشی عمومی سیاست ما درتهران، همانطورکه سلف من خاطرنشان نمود، مانندگذشته‌براساس همکاری‌کامل‌بابریتانیا قرارداد» .

حکومت موقت قصد نداشت ارتش روس را از ایران فرا

خواند و می‌خواست دراینجا (ودر جبهه‌های دیگر» تا پیروزی نهائی بجنگد.

معذالك دربرخی از بررسی‌ها آمریکائی این دوره ذکر شده است که در ژوئیه۱۹۱۷ حکومت کرنسکی Kerensky دستور دارد قوای نظامی روس ایران را تخلیه‌کنند. مثلا ن.س فاطمی می نویسد: «حکومت‌موقت‌کادت(کابینه‌میلیو کف- لووف*) می‌خواست‌سیاست‌عمومی‌تزاری‌روسیه‌را به‌استثنای‌جنبه‌های‌تهاجمی شدید آن ادامه دهد اما حکومت‌کادت به‌زودی جای خودرا به رژیم‌کرنسکی سوسیالیست‌دادکه اولین‌اقدام‌آن ردتمام‌طرح‌های امپریالیستی‌بخصوص درمورد‌ایران بود. درژوئیه۱۹۱۷حکومت کرنسکی به‌باراتف‌فرمانده سپاه روس دستور دادپیشروی قشون خود را درخاك ایران متوقف‌کند، وخروج قوای نظامی‌روس را ازخاك ایران درآینده‌نزدیك‌اعلام نمود». [۱۷۱])

همین تفسیر کلمه به‌کلمه در «تاریخ ایران‌جدید» تالیف آقای ج.م‌اپتون Upton دیده‌می‌شود: «درسال۱۹۱۷کرنسکی به‌قوای نظامی روس دستور داد هرچه زودتر خاك ایران‌را تخلیه‌کنند...» [۱۷۲]) آقای اپتون‌ازخوانندگان‌می‌خواهد به‌کتاب فاطمی مراجعه‌کنند وفاطمی هم به«شوروی‌ها درمسائل جهانی» [۱۷۳] اثرلویس فیشراشاره‌می‌کند.اما من ازاین می‌ترسم که لویس فیشر نتواند به منابع قابل اطمینانی اشاره‌کند چه این‌نظر بر خلاف واقع است. حکومت‌کرنسکی هرگز دستور تخلیه‌ایران راازقشون روس صادرنکرد. برعکس‌درتابستان۱۹۱۷ واحدهای امدادی جدیدی‌واردایرن شدند وشماره سربازان سپاه باراتف به ۷۵هزارنفر رسید. درماه ژوئن سربازان روس برای‌تسخیر موصل، سلیمانیه‌وکرکوك شروع به‌تعرض‌کردند ولی به‌علت‌بدی

Milyukof-Lvof Cabinet*

بدی هوا وکمی ذخیره خواروبار این تعرض‌متوقف گردید. در پائیز فرمانده قشون انگلیس پیشنهاد کرد که دوارتش‌متفق اقدام به یك حمله تعرضی مشترك جدید کنند و آمادگی بریتانیا را وابرای‌رساندن خواروبار وعلیق به‌چهارده‌هزارسرباز پیاده‌وسوار در بین‌النهرین اعلام نمود. فرمانده روس با توجه به اشکالات داخلی تقاضا کرد حمله تعرضی مشترك به بهارسال آینده موکول شود وکمك نظامی موثر خود را به‌متفقش منحصر به‌اعزام یك گروه‌پارتیزان‌قزاق به‌رهبری بیچراکف Bicherakov نمود.
درماه دسامبر بیچراکف به‌مندلی رسید و خودرا دراختیارژنرال مارشال فرمانده نیروی بریتانیا گذاشت. و در ژانویه ۱۹۱۸ افراد واحد اودوش به‌دوش سربازان انگلیسی درمنطقه جبل‌حمرین جنگیدند.

حوادث بعدی‌ایران وجبهه‌جنگ ایران تحت تأثیر نیرومند انقلاب اکتبرروس توسعه یافت، فرمان دومین کنگره‌شوراهای سراسر روسیه قطع جنگ قوای نظامی روس را در ایران نوید داد. حکومت شوروی‌در «پیام به همه مسلمانان شوروی وشرق» که درسوم دسامبرصادرشد، رسماً ازتمام میراث روسیه تزاری وسیاست‌های امپریالیستی آن درایران چشم پوشید.

پیام اعلام‌کرد که قرارداد تقسیم ایران (قرارداد۱۹۰۷ روس وانگلیس ل.م.) باطل است وقوای روس به محض خاتمه عملیات نظامی‌ازایران خارج خواهند شد وحق ایرانیان برای تعیین آزادانه سرنوشت خودشان تضمین خواهد گردید»[۱۷۵]

برطبق قرارداد صلحی‌که بین‌روسیه ودسته‌بندی آلمان و ترکیه‌دربرست لیتوسك منعقدشد، مقررگردید ایران‌ازنیروهای روس وترکیه تخلیه‌شود. در۱۹ دسامبر کمیساریای امورخارجه خلق‌به اسدخان‌کاردار سفارت ایران درپتروگراد پیشنهاد کرد

مذاکره برای تخلیه‌ازقشون روس آغاز گردد.[۱۷۶]) دراول ژانویه ۱۹۱۸ موافقت دولت ایران رسید و درپنجم ژانویه روزنامه‌ها برنامه‌تخلیه‌ایران‌را ازقشون روس منتشر کردند، دولت شوروی آمادگی‌خودرا برای خروج فوری واحدهائی که «ازنقطه نظر نظامی دارای هیچگونه اهمیتی نیستند وبه عنوان وسیله‌ای‌برای اشغال‌ایران به‌کاررفته‌اند »اعلام نمود. دراین‌یادداشت کمیساریای امورخارجه احضار معلمین روسی بریگاد قزاق شاه‌را از ایران امری ضروری شمرد. یادداشت تاکید نمود : « به منظور رفع ظلم و ستمی که دولت های تزاری و بوژوازی روسیه به مردم ایران تحمیل کردند بایدهرچه‌زودتر این‌کار انجام شود.»[۱۷۷])

اما دولت شوروی درهنگام‌اجرای این‌برنامه‌با اشکالات زیادی روبرو شد. فرمانده سپاه روس‌درایران وهم‌چنین‌فرمانده جبهه قفقاز درتفلیس‌ازاجرای دستورات حکومت شوروی‌سرباز زدند. آنها باحکومت ضدانقلابی ماوراء قفقازکه دولت‌مرکزی شوروی‌را به رسمیت‌نمی‌شناخت همکاری‌می کردند. سفارت‌روسیه درتهران نیزدولت انقلابی‌جدید روسیه را به‌رسمیت‌نمی‌شناخت. معذالك انقلاب‌پشتیبانان‌محکمی درمیان واحدهای ارتش روسیه در جبهه ایران پیداکرد ، و در آخر سال ۱۹۱۷ نفوذ قابل ملاحظه‌ای به دست‌آورد. «کمیته‌های سربازان» که پس‌ازانقلاب فوریه به‌وجودآورده‌بودندفعالیت خودرا توسعه‌دادند. «کمیته‌های انقلابی ارتش» تشکیل شدند . اوضاع برای فعالیت آنها بسیار مناسب بود . سربازان روس ازجنگ بی‌ثمرخسته شده بودند و می خواستند هرچه زودتر به‌کشورشان برگردند . تقاضاهای زیادی‌ازطرف «کمیته سربازان» برای بازگشت ارتش‌به‌روسیه به ستاد سپاه اعزامی رسید. هرروز سیل‌نامه‌ها نیرومندترولحن آنها قاطع‌تر می‌شد. توسعهٔ نارضائی سیاسی در میان سربازان

جبهه ، ژنرال باراتف را واداشت به تفلیس تلگراف کند که اگر سرفرمانده فرمان بازگشت ارتش‌را صادر نکند ، این‌امر خود بخود انجام‌خواهد شد. در نتیجه ستاد جبهه قفقاز دستور بازگشت سپاه روس‌را ازایران صادر نمود .

بازگشت ارتش در وضع مخصوصی انجام شد ، این کار همزمان زیرهدایت‌دو کمیته مخالف، «کمیته‌مخصوص ستادسپاه» که دولت شوروی را به رسمیت نمی شناخت و «کمیته انقلابی ارتش» درقزوین وانزلی‌متشکل از بلشویك‌ها وسوسیالیست‌های انقلابی که ازدستورات حکومت شوروی مسکو پیروی می کرد ، انجام می‌شد ، پرچم های سرخ بالای سر سربازانی‌که خاك ایران راترك می کردند، در اهتزاز بود. اهالی ایالات شمالی کشور که پیش‌از این برضد ارتش‌روسیه اسلحه به دست گرفته و جنگیده‌بودند،رفتارشان‌را تغییرداده، وباسربازان روس‌مناسبات دوستانه برقرار کردند.

تخلیه ایران ازواحدها اصلی روس درآخرمارس۱۹۱۸ خاتمه یافت. فقط ملزومات نظامی درکشور باقی‌ماند که آنهم‌در در طی ماههای تابستان همان سال به وسیله «کمیته انقلابی ارتش»ازراه انزلی‌به باکوفرستاده شد. اما به اصطلاح‌ماروسها « زمین‌خدا ازحجت خالی‌نمی‌ماند ». ارتش روس شمال‌ایران را تخلیه‌کرد ولی‌قشون‌اشغالگر بریتانیا جای‌آنرا اشغال‌نمود. تخلیه شمال‌ایران ازارتش‌روس‌برای بریتانیا فرصتی‌راکه‌مدتها بود برای تسلط نفوذ خود در آن قسمت آرزو می کرد ، پیش آورد .

باتوجه به تخلیه احتمالی ایران‌ازقشون‌روس، سرچارلز مارلینگ سفیر بریتانیا درتهران در نیمه دسامبر۱۹۱۷ پیشنهاد کرد که ژنرال مارشال «دفاع» جاده خانقین‌ـ همدان‌راسازمان

دهد. درهمان وقت ، رئیس ستاد ارتش بریتانیا نقشه تشکیل ارتش های گرجی وارمنی واعزام گروهی ازافسران انگلیسی را ازراه بغداد وایران به ماراء قفقاز به ژنرال مارشال اطلاع داد [۱۷۸]) اواول میخواست میسیون ژنرال « دنسترویل »را به ماوراءقفقاز بفرستد . هدف های این میسیون همانطور که فعالیتش نشان داده است فقط منحصر به دفاع ایران وماوراء قفقاز در مقابل ترکها نبود . اینست آنچه میشل لارشه مورخ فرانسوی دربارهٔ اعمال ومقاصد انگلیس دراین زمان می نویسد :

« بریتانیا ماموریت داشت که برضد ترکها وبلشویک ها درماوراء قفقاز، منطقه مجاوربحرخزر، بجنگد ، دولت انگلیس خیلی به این منطقه علاقه داشت زیرا باتسخیر آن متصرفاتش رادر بین النهرین ازطرف شمال وشرق تکمیل می کرد ونفت باکورا متصرف می شد ومنطقه امن وسیعی برگرد امپراطوری هند در آسیا به وجود می آورد.»[۱۷۹])

مقصودلارشه از «ماموریت» عهدنامه دسامبر۱۹۱۷انگلیس وفرانسه است که به موجب آن مناطق عمل متفقین در خاك روسیه ، با دادن کمك به نیروهای ضد انقــلاب ، محــدود شده بود. [۱۸۰])

همانطورکه دیده ایم لارشــه نه تنها دربارهٔ تهدید آلمان بلکه در خصوص دفاع متصرفات بریتانیا در بین النهرین ، بسط امپراطوری استعماری وبه دست آوردن نفت باکو سخن می گوید. جالب اینست که وقتی ژنرال مارشال سرفرمانده ارتش انگلیس دربین النهرین که ظاهراً وضع نظامی این منطقه را خوب میدانست ازاعزام یك میسیون نظامی بریتانیائی از راه ایران به ماوراء قفقاز اطلاع یافت ، بسیار متعجب شد واظهار داشت که ازنقطه نظر نظامی وارد آوردن ضربه به ارتش ترکیه دربین النهرین بسیار

مناسب‌تر ازدرگیری بانیروهای آن‌درناحیه‌قفقاز می‌باشد. نقشه چالزمارلینگ ودنسترویل مورد پشتیبانی کمیته شرق بود وآنها در اجرای آن پافشاری میکردند، و ژنرال مارشال سرانجام دستورات مستقیمی برای‌اجرای این‌نقشه‌که به عقیده‌اش اقدامی جنون‌آمیز بود دریافت نمود.»[۱۸۱])

ژنرال‌مارشال دستور داشت‌باواحدهای ارتش‌بین‌النهرین ازعملیات‌گروه دنسترویل درایران وماوراء قفقازپشتیبانی کند.

دنسترویل درفوریه ۱۹۱۸ کوشید با پیش قراولان گروه خود درماوراء قفقاز رخنه‌کند ولی‌درانزلی مورد بازرسی کمیته انقلابی ارتش‌قرارگرفت‌وناچاربه همدان برگشت وبقیه‌زمستان وبهار۱۹۱۷ را درآنجا گذراند.

ازهمان‌آغاز سال۱۹۱۸ واحدهای منظم‌انگلیسی وهندی گروه بین‌النهرین به شمال غربی ایران سرازیر شدند. در آغاز ژانویه یك‌گروه انگلیسی به سرکردگی سرهنگ ماتیوس Matthews به طرف این‌منطقه حرکت‌کرد.

ستونی به فرماندهی یك سرهنگ دوم بریگاد از ناحیه گردنه پاطاق گذشت و وارد منطقه قصرشیرین شد. انگلیس‌ها کوشیدند ازتماس‌باواحدهای روس‌اجتناب‌کنند وبافاصله زیادی از آنها به‌طرف شرق پیش روند. گروه بیچراکف‌که به خدمت انگلیس‌ها درآمده بود وباژنرال دنسترویل برای عملیات‌جنگی آینده درایران وماوراء قفقاز قرارداد مخصوصی بسته بود، یك نوع سپربین‌دوارتش محسوب‌می‌شد. درماه مارس قشون‌انگلیس به فرمان‌ربرتسان Robertson رئیس‌ستادبریتانیا کنترل‌جاده قصرشیرین‌ـ‌کرمانشاه را به‌دست‌گرفت. درکرمانشاه واحدهای سی‌وششمین بریگادپیاده‌ژنرال تامسون مستقربودند[۱۸۲]). همدان کم‌کم‌تبدیل به محل‌تمرکز قوای‌گروه دنسترویل یا به اصطلاح

نیروی دنستر گردید .

تقریباً درهمین زمان بریتانیا شمال شرقی‌ایران‌رااشغال کرد. درفوریه نیروهای قزاق روسیه خراسان را تخلیه‌کردند وپیشروی قوای انگلیسی(خط خاوری ایران) به شمال شروع شد . درسوم‌مارس‌بریتانیا مشهد را اشغال‌کرد. اشغال خراسان نه فقط به خاطر کنترل این‌ناحیه ازایران وممانعت وجلوگیری ازخطر افسانه‌ای تجاوز ترکیه وآلمان به هند، بلکه به‌منظور سازمان دادن‌یك مداخله‌مسلحانه‌برضد روسیه شوروی در ماوراء قفقاز انجام گرفت. دررأس میسیون‌انگلیس درشمال‌شرقی‌ایران ژنرال مالسون Malleson قرار داشت . بنابر نظر سایکس « هدف گروه‌مالسون بازداشتن بلشویك ها ازتسلط‌بربخش‌غربی جاده‌آسیای‌مرکزی وبندر کراسنوودسك Krasnovdskبود». من‌فکر نمی‌کنم‌که این‌بار ژنرال سایکس اشتباه‌کرده باشد ، ژنرال دنسترویل‌که همین‌عقیده را داشت، نوشت‌که « یك قشون نیرومند بلشویك‌که گروهی‌به فرماندهی‌ژنرال مالسون‌به مقابله آن فرستاده شده بود درنزدیك مرو مشغول پیکاربود» [۱۸۴])

دربهارسال۱۹۱۸قوای‌انگلیس‌کنترل‌نواحی شرقی‌ایران را ازبحرعمان تامرز ایران وروس دردست داشتند .

بریتانیا پس‌ازاشغال‌ایران، در۱۲ مارس‌یادداشتی‌به‌دولت ایران فرستادکه درآن گفته می‌شدکه نیروهای انگلیسی تاپایان جنگ « ازمرز های آذربایجان دفاع خواهندکرد». این‌سند طبق‌معمول،متضمن‌وعده‌هائی‌درخصوص‌رعایت‌حق‌حاکمیت‌واستقلال ایران بود. بریتانیا درازای‌وعده رعایت استقلال ایران وکمك مالی والغای قرارداد ۱۹۰۷ ـ‌که منقضی شده بود ـ از دولت ایران خواست‌سیاست دوستانه‌ای نسبت به‌اوتعقیب کند. مخصوصاً ، ایران‌می‌بایست‌تفنگ‌داران‌جنوب‌را رسماً به‌رسمیت بشناسد [۱۸۵]).

این یادداشت خشم و نفرت تمام عناصر مترقی مردم ایران را برانگیخت. کمیته جنگلی « اتحاد اسلام » طی تلگرافی از دولت خواست به اشغال خاك ایران به وسیله بریتانیا خاتمه دهد. در تلگراف گفته می‌شد: «درشورای وزیران باید اقدامات شدیدی برضد اشغال ایران معمول دارد درغیر اینصورت کمیته «اتحاد اسلام» خود دست به اقدامات مؤثری خواهد زد»[۱۸۶])

دولت مستوفی‌الممالك ازانجام تقاضاهای بریتانیا امتناع کرد ودریك یاداشت جوابیه اعلام کرد که « تفنگ داران جنوب ایران» یك نیروی خارجی است واستقلال وتمامیت کشوراتهدید میکند واظهارامیدواری کرد که بریتانیامانع تحقق اصلاحاتی که برای ایران ضروری است ، نشود.[۱۸۷])

کابینه مستوفی‌الممالك مدت زیادی دوام نکرد ودر ۲۰ مارس زیرفشار دیپلوماسی بریتانیا مجبور به‌استعفا گردید. اما کابینه جدید هم که به وسیله صمصام‌السلطنه ناسیونالیست تشکیل شده بود ، نمی‌خواست به بریتانیا امتیاز بدهد.

دولت صمصام اقدامات دیگری کرد که بریتانیا از آنها نفرت داشت (کوشش برای لغورژیم کاپیتولاسیون ؛ آزادی رهبران کمیته مجازات که به دستور کابینه وثوق الدولدوله توقیف شده بودند وغیره) . مارلینگ تقاضای اعزام نیروی اضافی نمود تا «دولت ایران‌راکاملاً زیرفشاربگذارد ». سرانجام با دسایس و تحریکات بریتانیا وپیروان سیاسی‌او دولت سرکش« نخست‌وزیر بختیاری » مجبور به استعفا شد. در هفتم ماه اوت وثوق‌الدوله دوباره به قدرت رسید. بریتانیا می‌توانست درحل مسائل‌داخلی ایران روی اوحساب‌کند. عمر کابینه وثوق‌الدوله نسبت به عمر کابینه های زمان جنگ ایران زیاد طول‌کشید این امر معلول ثبات ناشی‌ازاشغال ایران به وسیله ارتش‌بریتانیا بود.

دراین زمان بریتانیا کار اشغال تمام شمال ایران را بـه استثنای آذربایجان تمام کردواز آنجاشروع به مداخله مسلحانه درماوراء قفقاز، دریای‌خزر وترکستان‌نمود. درماه ژوئن‌نیروی دنسترویل به‌کمك واحدهای قزاق بیچراکف نیروی‌کوچك‌خان را نزدیك منجیل شکست داد وموقعیتش‌را دررشت مرکز ایالت گیلان محکم‌کرد. آنگاه ارتش‌انگلیس، پس‌از سقوط حکومت شوروی درباکو، تمام‌اعضای «کمیته انقلابی‌ارتش» را درانزلی دستگیرکرد وفرمانروای‌بلامنازع این‌بندر گردید. درآغازاوت سربازان «نیروی دنستر» درباکو پیاده شدندکه ازآنجا یکماه ونیم‌بعدیعنی درنیمه‌سپتامبر به‌علت در خطرافتادن شهربه دست ترکها باعجله به انزلی عقب‌نشستند. بعد «نیروی دنستر»منحل شد ونیروی جدیدی، وارد ایران‌گردید. این نیروی جدید «نورپرفورس*» (نیروی شمال‌ایران) بودکه تحت فرماندهی ژنرال تامسون قرار داشت.

«نورپرفورس»یك‌قشون ضربتی‌نیرومندمتشکل‌از واحدهای زبده انگلیسی وهندی‌بودکه ماموریت داشت‌برضد روسیه‌شوروی بجنگد: سی‌ونهمین بریگاد پیاده‌بریتانیا (که ازباکوبرگشته‌بود)، سی‌وششمین‌بریگاد پیاده‌هندوانگلیس، بریگادزره پوش‌کرافورد، سیزدهمین‌بریگادتوپخانه‌صحرائی، وواحدهای‌توپخانه‌کوهستانی، چهاردهمین هنگ‌هوسار Hossar واحدهای مهندس‌و۱۵فروند هواپیما درانتظار تجاوز جدیدی به خاك ماوراء قفقاز، وظایف نیروهای اشغالی‌را در ایران انجام می‌دادند. واحدهای اصلی «نورپرفورس» درانزلی وقزوین، قرارگاه ستادگروه تامسون موضع‌گرفته بودند. نیروهای مدافع «خطارتباطی» در طول

---

* Norperforce

جاده قزوین خ[illegible]نقین مستقر بودند [illegible]ون ازدوگردان پیاده هندی (بیست و ششمین وشصت‌ودومین پنجابی) یك واحد سوار و واحدهای مهندس تشکیل می‌شد.

درآن زمان بریتانیا نیروی نسبتاً کمی درشمال‌شرقی ایران داشت. درماه اوت میسیون مالسون یا به اصطلاح «مالمیس» که مرکب از یك گردان پیاده هندی ویك هنگ سوار (نوزدهمین وبیست وهشتمین سواره نظام پنجابی) بود، برضد قوای نظامی حکومت شوروی ترکستان درناحیه مرو وارد جنگ شد. ستاد مالسون ازمشهدبه عشق‌آباد مرکزحکومت ضد انقلابی ماوراء قفقاز منتقل شد. سربازان انگلیسی کنترل راه‌آهن ماوراء خزر وبندرکراسنوودسك را به دست گرفتند. ژنرال دنسترویل یك واحد سرباز انگلیسی به سرکردگی سرهنگ دوم باتین‌ازانزلی به کراسنوودسك فرستاد. مشهدتبدیل به پایگاه گروه مداخله گر مالسون شده بود. این گروه به نوبه‌خود با پایگاه پشت جبهه ارتش درهند غربی (کویته) به وسیله یك خط ارتباطی که‌تحت حفاظت واحدهای ارتش‌هند وسربازان محلی‌بود ارتباطداشت. واحدهای مستقر در این ناحیه ایران بیشتربرای جاده سازی مورد استفاده قرارمیگرفتند.

بنا براظهارات‌رسمی مقامات‌انگلیسی تمام سربازان هندی وانگلیسی‌فقط برای یك‌منظور– پرکردن خلاء حاصله ازخروج قوای روس‌ازایران وجلوگیری ازتهاجم آلمان‌ها وترکها ازراه ایران ودیگر سرزمین‌های‌آسیای مرکزی به‌هند– به‌شمال‌ایران ریخته بودند. ترکها، درواقع، عجله‌ای برای استفاده‌ازچنین «فرصتی» نداشتند. برعکس‌آنها مدتی زیاد مشغول ترمیم وضع خود در ناحیه سر حدی ماوراء قفقاز بودند و توجه‌کمی به آذربایجان ایران داشتند. شرایط‌سخت ودشوار عملیات جنگی

دراراضی کوهستانی درفصل زمستان، مدت مدیدی اقدامات ترکیه را دراین منطقه فلج کرد .

درآوریل ۱۹۱۷ بریتانیا دربین‌النهرین شروع به حمله تعرضی کردکه با تصرف کرکوك پایان یافت . اما در ۱۸ مه وزیرجنگ بریتانیا فرمان قطع حمله تعرضی و تعویق آنرا تا پائیز صادرکرد . « ضمناً به ژنرال مارشال دستورداده شد با وسایل‌حمل‌ونقل‌خودفعالیت‌ژنرال‌دنسترویل‌را توسعه دهد».[۱۸۹]) انگلیس‌ها پس‌ازوصول این دستورات کرکوك‌را که بعد دوباره‌به اشغال ترکها درآمد، تخلیه‌کردندوخودرا به مواضع طوزخور- ماتو* وقفری(کفری)رساندند.[۱۹۰]) این‌عقب‌نشینی قوای‌انگلیس به جنوب تااندازه‌ای امکان‌نفـوذ ورخنه سربازان تـرك‌را به آذربایجان افزایش‌داد. اما انگلیس‌ها ازتعرض ترك ها به‌این منطقه بیمی نداشتند. همانطورکه از ارزیابی هوشیارانه «پیکار دربین‌النهرین» ازاوضاع نظامی «ماه مه برمی‌آید : « تنها خطر برای واحدهای‌کوچك ما در راه ایران قشون دشمنی است‌که هنوز ۱۵۰ میل ازما دوراست وبرای او پیشروی همانـقدر یا بیشتر مشکل‌است‌که برای ما[۱۹۱])» دراین مورد من‌با پروفسور فرای هم‌عقیده‌ام‌که مینویسد: « تنها ضعف وناتوانی ارتش‌عثمانی ترك‌ها را ازپیشروی فوری درآذربایجان باز می‌داشت. [۱۹۲])»

توجه فرماندهی آلمان وترکیه مانندتوجه رهبران‌نظامی بریتانیا درآن‌زمان بیشترروی ماوراء قفقاز و معادن‌نفت باکو متمرکز بود . درتابستان ۱۹۱۸ ترکها تمام قوای ذخیره‌خود را دراین‌راه به‌کار انداختند . درهمان زمان فرماندهی‌ترکیه برای حفظ جناح قشون خودرا درماوراء قفقاز نیروهائی (که

Tuz Khurmatli *

کمتر ازدوهزارنفربودند) به آذربایجان ایران فرستاد . آنها درژوئن تبریزرا اشغال کردند ودرتابستان همان سال ارومیه‌را متصرف شدند وکنترل نواحی‌ساوجبلاغ وسقز وصاین قلعه‌را به دست گرفتند .

فرماندهی بریتانیا برای به دست‌آوردن اطلاعات‌ازوضع سربازان ترك واحد سوارکوچکی به سرکردگی سرگرد واگستاف Wagstaf به ناحیه زنجان فرستاد . واحدهای گشتی کوچك‌دیگری‌برای کسب‌اطلاع‌ازوضع‌ترکها به‌بیجاروسنه (سنندج) فرستاده‌شدند. واحد واگستاف درامتداد جاده تبریز میانه پیش‌رفت وپیش‌قراولانش‌بدون برخورد بادشمن تاسی‌کیلو متری تبریز اکتشاف به عمل‌آوردند .

درآغاز سپتامبر درگرماگرم جنگ باکو، ترکها به فعالیت در جاده تبریز پرداختند و در پنجم سپتامبر به آسانی موفق به راندن پست پیش‌رفته انگلیس ازمواضعش درتیکماده* (۵۰ کیلومتری تبریز) شدند وسپس بدون جنگ ترکمانچای و میانه راگرفتند .

پیشروی ترك‌ها به طرف زنجان فقط درجمال‌آبادمتوقف شد. ترك‌ها وقتی با مقاومت دشمن روبرو شدند به قافلان‌کوه عقب نشستند و درآنجا وضع دفاعی گرفتند . درچنین اوضاع و احوال بودکه جنگ به پایان رسید ، بنابراین عملیات جنگی قشون‌انگلیس‌درایران‌درسال۱۹۱۸ حوادث‌جنگی فرعی‌محسوب می‌شد وهیچگونه اهمیت نظامی دربر نداشت .

درسپتامبر۱۹۱۸ انگلیس شروع به حمله تعرضی قاطعی درفلسطین وسوریه‌کرد. درآن‌زمان نیروهای اصلی ارتش‌ترکیه

Tikmadeh *

در این سرزمین ها متمرکز شده بودند . به قول للوید جرج نخست وزیر بریتانیا « ترکیه برای چیدن رسیده بود»[۱۹۴])

درآخر اکتبر ، وقتی که تسلیم ترکیه کاملاً مسلم بود ، درست قبل ازافتادن پرده آخر، بریتانیا دربین النهرین شروع به تعرض کرد. نیروهای انگلیس بدون جنگ کرکوك را گرفتند و سه روز قبل ازامضای قرارداد متارکه درمودراس MOUDROS، موصل را اشغال کردند . درماه نوامبر آلمان ومتحدینش تسلیم شدند و جنگ جهانی اول باپیروزی متفقین پایان یافت.

***

درآخرین سال جنگ، درنتیجه تخلیه ایران ازارتش روس بریتانیا درایران بی رقیب گردید. مخالف نظامیش، ترکیه عثمانی دیگر رقیب خطرناکی شمرده نمیشد. روسیه ایران ومیراث خود را برای بریتانیا ونیروهای ضدانقلابی و چند پناهنده سیاسی گذاشت .

سر کلارمونت اسکرین که ناظر حوادث مورد بحث بود در کتاب خودتحت عنوان«جنگ جهانی درایران» که به تازگی منتشر شده، درخصوص موقعیت بریتانیادرایران درآخرسال ۱۹۱۸ وآغازسال ۱۹۱۹ چنین مینویسد :

در زمستان ۱۹۱۹-۱۹۱۸ حیثیت و قدرت بریتانیا در ایران به حدی رسید که اززمان خارج شدن ترکیه و آلمان از صحنه جنگ سابقه نداشت. فرانسه و ممالك متحده امریکا فقط هیئت های دیپلوماتیك درایران داشتند ، روسیه بلشویك ناشناخته بود وقدرت تهدیدکننده جدی محسوب نمی شد؛ خلیج فارس در در دست قوای انگلیسی بود وتفنگداران جنوب ایران که زیر فرمان افسران انگلیسی بودند ، ایالات جنوبی را دردست داشتند، فرماندهی بغداد مرکز ودریادار نوریس NORRIS باناوگانش

بحر خزر راکنترل می‌کردند . ژنرال مالسون و نیروی خط خاوری در یك جاده باریك خاکی هزار میلی که از اراضی کوهستانی جنوب شرقی بلوچستان ایران شروع میشد و به‌مرو درآسیای مرکزی روسیه منتهی میگردید ، پخش شده بودند ، هر پایتخت ایران دولت ناتوان انگلوفیل آخرین شاه سلسله قاجار حکومت میکرد. بنابراین‌بریتانیا حاکم بلامنازع‌ایران بود ».(۱۹۵)

اولین اقدامات دولت شوروی در زمینه سیاست خارجی در ایران بریتانیا را بیدارکرد . این اقدامات ضمن رهائی بریتانیا از رقابت ارتش روس‌به پایه‌های امپریالیستی‌آن دولت در این‌کشور لطمه میزد . انتشار قرار داد های سری روس وانگلیس دربارهٔ تقسیم ایران وترکیه وچشم‌پوشی شوروی ازامتیازات ودارائی روسیه تزاری به نفع مردم‌ایران‌به شدت مواضع سیاسی بریتانیا را در این سرزمین خراب‌کرد . روش روسیه شوروی دراین‌زمینه باعث توقع ایرانیان ازدولت‌انگلیس برای‌انجام‌اقدامات مشابه‌گردید. بنابراین بریتانیاپس‌ازشروع تدارك مسلحانه‌برضد شوروی، اقدامات شدیدی‌برای‌جلوگیری ازنفوذ شوروی‌درایران ازراه‌ممانعت از برقراری‌روابط سیاسی وغیره بین دوکشور به عمل‌آورد .

وقتی‌تخلیه ایران ازقشون روس آغاز شد دولت شوروی دریادداشت۲۷ژانویه‌خود الغای قرارداد۱۹۰۷ ودیگرمعاهدات مغایر باحق حاکمیت ایران راکه روسیه تزاری با دولت های خارجی نموده‌بود، اعلام‌داشت . دریادداشت گفته می‌شدکه‌دولت شوروی همه امکانات خودرا برای تخلیه‌کامل ایران‌ازسربازان ترکیه وانگلیس به‌کارخواهد برد» . دولت ایران در یادداشت ۳۰فوریه خودکه به‌وسیله اسدخان‌کاردار سفارت ایران‌به‌دولت

شوروی تسلیم شد اعلام کرد که « دولت ایران با قبول نظریات اصلی یادداشت دولت جمهوری روس به عنوان اساس روابط متقابل آینده ایران وروسیه آمادگی خود را برای انعقاد معاهدات و قرارداد های قنسولی وسایر عهود جدید برپایه توافـق آزاد و احترام متقابل خلق‌ها اعلام میدارد.» [۱۹۶]

نخستین اقدامات دیپلوماتیك شوروی درایران موردتائید دولت و ملت ایران قرار گــرفت . در یادداشت نامبرده چنین گفته میشد :

« اجازه دارد ازطرف مردم ودولت ایـران بــه مناسبت اقدام عادلانه شوروی درمورد ایران وتصمیم شورای کمیسرهای خلق برای فراخواندن نیروهای نظامی ازایران ازدولت جمهوری روسیه تشکر کنم. ازشما کمیسر خلق می‌خواهم احساسات صمیمانه ایران رانسبت به جمهوری شوروی به اولیای امور دولت شوروی ابلاع فرمائید» [۱۹۷]

ك. براوین BRAVIN نماینده سیاسی موقت روسیه شوروی درآن زمان چنین گزارش داد:

« توصیف تاثیر این خبر درایرانیان بسیار مشکل است. (مقصودش الغای قراردادهای ظالمانه است . ل . م) تهران یك پارچه شور و شادی شده است . هیئت‌های نمایندگان لا ینقطع به‌من تبریك میگویند، به‌طوریکه اصلاوقت نمی کنم به‌کارم برسم حتی استقبال مردم ازمن درخیابان‌ها هم قطع نمی‌شود» [۱۹۸]

بدین‌ترتیب مناسبات دوستی و احترام متقابل بین روسیه شوروی وایران برقرار گردید. اما، بعد دولت ایران درروابط رسمی خود باروسیه به‌تاکتیك نسبتاً مبهمی چسبید. دولت شاه‌قاجار ضمن استقبال ازسیاست دوستانهٔ شوروی درایران، شناسائی رسمی

براوین نماینده سیاسی روسیه شوروی در ایران را به تعویق انداخت. ضمناً دولت ایران روابط رسمی خودرا با هیئت دیپلوماتیک حکومت موقت روسیه که در رأس آن فون اترقرار داشت ودولت شوروی اعضایش را ازحقوق قانونی محروم کرده بود، قطع نکرد. در این زمینه دولت ایران ازنمونهٔ دیپلوماسی بریتانیا پیروی می نمود. که مناسباتش را با اتر نگاه می داشت ونماینده شوروی رادرتهران ندیده می گرفت. درفوریه براوین ازتهران گزارش دادکه «در موردشناسائی من به وسیله دولت شاه، میسیون بریتانیا رسماً مداخله می کند . این میسیون نه تنها اصرار داردکه نخست وزیر مرا به رسمیت نشناسد بلکه ضمناً پیشنهاد می کندکه بلافاصله ایران را ترک کنم.»[۱۹۹]

پس ازآن دولت ایران نشان دادکه فاقد عقل سلیم است زیرا سالوسانه طلب کردکه روسیه بقیه قوای خودرا از ایران خارج کند. دولت ایران خیلی خوب میدانست که تمام واحدهای ضد انقلابی که پس ازتخلیه ایران ازسپاه اعزامی روس درایران ماندند به خدمت بریتانیادرآمدند وازآن دولت حقوق می گیرند بنابراین بهیچ وجه نمی شد از آنها خواست که ازدولت شوروی پیروی کنند. وقتی کابینه طرفدارانگلیس وثوق الدوله به قدرت رسید روابط ایران و شوروی بازهم وخیم تر شد وسرانجام به شیوه ای کاملاغیردیپلوماتیک قطع گردید .

درآغازتابستان ۱۹۱۸ دولت شوروی براوین نماینده سیاسی موقت خودراازایران احضار کردوبه استپان شومیان Shaumyan کمیسر فوق العاده امور ماوراء قفقازکه در باکو بود مأموریت داد نماینده سیاسی جدید به تهران بفرستد، شومیان، ایوان. او. کولومیتسف Kolomitsev افسرسابق سپاه اعزامی ودبیر کمیته انقلابی انزلی رایکی ازسازمان دهندگان برجسته تخلیه ایران

ازسپاهیان روس ومردی متبحر و آشنا به اوضاع ایران بود ، انتخاب کرد .

دراواخر ژوئیه کولومیتسف ازباکو، از راه انزلی(بندر پهلوی کنونی) به‌ایران‌فرستاده‌شد. او ودیگراعضای گروه‌شوروی به‌طرزحیرت انگیزی ازچنك دستگاه جاسوسی «نیروی‌دنستر» فرار کرده به‌تهران آمدند. چند روز بعد تمام همکاران «کمیته انقلابی ارتش»او به‌وسیله «دنستر» دستگیر و با اسکورت ازراه بغداد به‌هندفرستاده‌شدند. ورود گروه کولومیتسف به‌پایتخت‌مقارن بود باسقوط دولت شوروی باکو به‌دست ضدانقلاب وپیاده شدن سربازان «نیروی‌دنستر» درآنجا. درهمان زمان‌مداخله‌مسلحانه بریتانیا در ترکستان آغاز شد. درنتیجه ارتباط کولومیتسف با روسیه شوروی قطع گردید. میسیون فون اترکه تبدیل به‌مرکز تمام‌نیروهای ضد شوروی درایران شده بودند، درکاراو اخلال می‌کردوسرانجام کولومیتسف مواجه‌بامخالفت‌کابینه وثوق‌الدوله که‌تازه به‌قدرت‌رسیده بود، گردید. این‌کابینه‌اعلام کرد که‌نماینده سیاسی شوروی رابه‌رسمیت نمی‌شناسدزیرا گویا استوارنامه‌هایش مخدوش است .

اما این چیزها نمی‌توانست کولومیتسف، این مردمتهور، را دلسرد کند وازانجام وظایفش‌بازدارد. اودرآخر اوت‌به‌طور غیررسمی بامعاون وزیرامورخارجه ایران ملاقات وپیشنهادکرد که دولت ایران، بدون توجه به‌شناسائی رسمی روسیه شوروی، درباره مسائل مرزی و احضار معلمین روسی بریگارد قزاق از ایران با او وارد گفتگو ومذاکره شود . این‌پیشنهاد وهمچنین درخواست اعطای حقوق مشروط به هیئت سیاسی شوروی بدون پاسخ ماند. کولومیتسف بانمایندگان‌بازرگانان‌درباره‌برقراری روابط بازرگانی‌ایران وشوروی‌مذاکره‌ومقالاتی در روزنامه‌ها

منتشر نمود .

انگلیس‌ها ، اعضای میسیون اتر وافسران تزاری‌که از فعالیت کولومیتسف دل‌پرخونی داشتند، با اجازه مقامات‌ایرانی باندی برای یورش به‌میسیون دیپلوماتیك شوروی تشکیل‌دادند. درنیمه شب سوم نوامبر یك‌دسته مسلح مرکب ازاعضای بریگارد قزاق وگاردسفید به‌رهبری جیلد براندت قنسول سابق انگلیس به‌ساختمان هیئت دیپلوماتیك شوروی‌یورش بردند واتباع‌شوروی را زدند واموال‌آنها راغارت‌کردند. اعضای هیئت دیپلوماتیك شوروی وخانواده‌های‌آنها من‌جمله زن‌کولومیتسف‌توقیف وسپس به‌مقامات بریتانیا درتهران تسلیم شدند. توقیف وتحویل افراد شوروی وخانواده‌های‌آنها‌بقشون انگلیس‌نشان دادکه چه‌کسانی سازمان‌دهندگان اصلی‌یورش‌به‌ساختمان هیئت‌دیپلوماتیك‌شوروی بودند. تمام‌توقیف شدگان از راه بغداد به‌هند اعزام شدند.

خودکولومیتسف ازتوقیف نجات یافت. اودرهنگام‌یورش به‌ساختمان موفق شد از پنجره طبقه دوم به‌خارج پریده وفرار کند. وی مدتی در تهران به‌کمك مردم مخفیانه بسربرد وبعد از راه‌کوههای‌کردستان وآذربایجان به باکو، که درآن زمان درتصرف قوای انگلیسی بود ، رفت وسرانجام به‌مسکو رسید .

درژوئیه۱۹۱۹ کولومیتسف دوباره به‌ایران اعزام‌گردید واین‌بار اعتبار نامه‌هایش بعنوان نماینده سیاسی شوروی ممهور به مهردولت مرکزی‌شوروی درمسکو بود . وظیفه اوین‌بودکه از دولت ایران درخواست‌کندکه ازنو مناسبات سیاسی‌بادولت شوروی برقرارنماید . دریادداشتی‌که دولت شوروی به ایران فرستاد تمام قروض ایران‌را بخشید وهمه حقوق و امتیازاتی‌را که دراین‌کشور به روسیه تزاری داده‌شده بود، لغونمود . مرز ایران وشوروی‌برای تجارت ودریای خزر برای‌کشتی‌رانی باز

اعلام‌شد، این سند محتوی قسمت عمده شروط مناسبات ایـران و شوروی بود که بعداً وارد قرارداد معروف ایران و شوروی گردید . کولومیتسف یك باردیگر ازخطوط نظامی انگلیس بین ایران وشوروی گذشت، اوباقایق‌موتوری کوچکی‌ازدریای خزر عبورکرد . (دریای خزر در آن زمان زیـر کنترل ناوگان انگلیسی دریادار نوریس‌بود) بدین‌ترتیب که ازحاجی‌طرخان* به‌لنکران** وازآنجابجزایر آشوراده رفت وسپس وارد خاك ایران گردید .

ورودنمایندهٔ سیاسی‌شوروی‌به‌ایران چندروز قبل‌ازانتشار قرارداد ۹ اوت۱۹۱۹ برای‌مرتجعین‌ایران‌و بریتانیا بی‌اندازه ناخوشایندبود .

پ . کاکس Cox به لردکرزن Curzon نوشت: « در اوایل‌اوت‌درحدود چهارصدنفر بلشویك دراسترآبادپیاده‌شدند... به‌درخواست دولت‌ایران دریادار نوریس با نیروهای نظامی در خشکی همکاری‌کرد و پایگاه بلشویك ها رادر آشوراده خراب کردو توپ‌ها وکشتی‌های آنهارا گرفت وخودشان را به‌اسارت درآورد. [۲۰۰] »

خودکولو میتسف دستگیر شد و چند روز بعدبا موافقت مقامات ایرانـی و انگلیسی بـه وسیله فیلیپوف Filipov رئیس ستاد بریگاد قزاق شاه تیر باران گردید . بدین ترتیب دومین تلاش روسیه شوروی برای استقرار مناسیات سیاسی بـا ایران‌که درآن زمان هنوز زیراشغال‌کامل ارتش‌بریتانیا بود، به شکست انجامید. شرح مفصل فعالیت‌کولومیتسف را می‌توان در جزوه شومیاتسکی Shumyatsky سفیرسابق شوروی‌درتهران تحت عنوان «درخدمت دیپلوماسی شوروی» خواند [۲۰۱])

---

* Asthrakhan

** Lenkoran

امادر برخی‌از آثار امریکائی درباره تاریخ‌ایران جدید مناسبات ایران‌و شوروی ازسال ۱۹۱۷ تاسال ۱۹۱۹ به‌طریق زیر تشریح‌شده‌است :

« یکی ازکارهای دولت جدید بلشویك‌ها در مورد ایران فسخ قرارداد ۱۹۰۷ با بریتانیا بود. این‌امر تأثیر مساعدی در میان‌ایرانیان‌که انتظارداشتند انگلیس‌ها از روسها تأسی‌جسته و کشورشان را تخلیه‌کنند، گذاشت. اما شوروی‌ها ایران راترك نکرده‌بودند. درماه‌مه ۱۹۲۰ ناوگان‌بلشویك‌ها به‌تعقیب‌بقایای درحال‌عقب نشینی نیروهای سفید ژنرال دنیکین Denikin دربنادر ایرانی بحرخزر پرداخت [۲۰۲] »

ممکن است‌سئوال شودکه سه سال تاریخ ایران‌کجا رفته است؟ تمام‌روابط تاریخی‌ایران وشوروی، تخلیه ایران ازقوای روس‌در آغازسال ۱۹۱۸، دو سال اشغال نظامی‌ایران به وسیله بریتانیا وبالاخره مداخلهٔ‌مسلحانه نیروهای انگلیسی در ماوراء قفقاز، ترکستان‌و دریای‌خزر یکجا حذف‌شده است .

نمونهٔ دیگررا اپتون‌در « تاریخ ایران‌جدید » خودبه ما می‌دهد. اوپس‌ازتشریح‌سیاست بریتانیا درایران‌وتجزیه وتحلیل قرار داد ۱۹۱۹ انگلیس می‌نویسد :

« درضمن، روس‌ها بیکار ننشسته‌بودند، اگر آنها قادر نبودند درخارج ازکشور خود دست به عملیات نظامی قابل ملاحظه‌ای بزنند دست‌کم می‌توانستند پروپاگاند بکنند، ودر واقع کردند. آنهادر تعقیب‌یاد داشت ژانویه ۱۹۱۸ پیشنهاد مشخص تری در ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ به‌دولت ایران‌دادند . در۲۸ نوامبر ۱۹۲۰ تئودور. روتشتاین*را، که‌سال‌ها عضو برجسته‌منچستر گاردین‌بود به‌عنوان نخستین سفیرخودشان در ایران منصوب کردند. [۲۰۳] »

---

* Teodore A. Rothstein

اما اینها « تفاسیر »ند وشما می‌توانیددربارهٔ این‌موضوع در ادبیات آمریکا نه‌فقط «تفاسیر» عجیب‌وغریب بلکه تحریفات آشکار پیدا کنید .

دوباره از ن.س. فاطمی نقل می‌کنم : «سیاست شوروی نسبت به‌ایران‌دریادداشت مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ لئون‌قراخان Leon Karakhan معاون کمیسر امورخارجه به‌دولت ایران که‌بوسیله کولومیتسف نماینده غیررسمی روسیه در تهران ، قبل از شناسائی رسمی ، به‌وزیر امورخارجه ایران تسلیم گردید ، بیشتر تشریح شده است ۲۴۰» .

امیدوارم این نقل قول محتاج به تفسیر زیاد نباشد . ی. کولومیتسف ، نماینده‌رسمی روسیه‌شوروی درایران که‌نزدیك بندرگز، واقع در کرانه دریای خزر ، کشته‌شد ، نمیتوانست یادداشت مذکور رابه‌وزیر امورخارجه ایران «درتهران»تسلیم کند .

نمونهٔدیگر تحریف تاریخ‌روابط ایران وشوروی‌رامیتوان در«روسیه‌وغرب‌درایران» نوشته ژرژلنچواکی Lenczovaki پیدا کرد :

«معاهده نهائی سوم مارس برست‌لیتووسك بطور کلی این وعده را تائیدکرد (تخلیه‌ایران ـ ل.م). تعریف مفصل‌روش‌های شوروی دریادداشت ۲۶ ژوئن۱۹۱۹ لئون‌قراخان معاون کمیسر امورخارجه‌که بوسیله کولومیتسف نماینده غیررسمی مسکو در ایران به وزیر امور خارجه ایران تسلیم گردید ، بیان شده است ۲۰۵)» .

البته من‌دراین‌سخن‌رانی دربارهٔ روابط ایران ودودولت بزرگ دیگرـ فرانسه‌وایالات‌متحده‌آمریکا درجنگ جهانی‌اول درایران بحث‌نکرده‌ام . درآن‌زمان این‌دولت‌ها فعالیت‌سیاسی

اقتصادی یا نظامی مهمی درایران نداشتند وتأثیرشان در حوادث ناچیز بود .

فرانسه متفق بریتانیا وروسیه درجنگ جهانی بود، قوای نظامیش دورازایران ، مخصوصاً در جبهه اروپا مستقر بودند . دیپلوماتهای فرانسوی درتمام مذاکرات بعدازجنگ برای تقسیم ترکیه آسیا ودیگر سرزمین‌ها فعالانه شرکت کردند ، اما هیچ گونه تقاضائی در خصوص ایران نداشتند . نمایندگان نظامی فرانسه تحت ریاست سرهنگ شاردینی Chardigny در تمام ماجراهای (نیروی‌دنستر) شرکت کردند ولی هدف فعالیتشان ایران نبود [۲۰۶]) .

پس‌از جنگ فرانسه ازروش متفقش انگلیس بخصوص در ایران ناراضی شد، زیرا انگلیس نمیخواست منافع خود را در آنجا با کشور دیگری تقسیم کند . این جنبه مساله در کتاب امیل لزوئر Lesueur تحت‌عنوان «انگلیس‌هادرایران» تشریح شده است [۲۰۷]) .

کاملترین‌ورساترین‌تاریخ‌روابطایران‌وآمریکارا دردوران جنگ میتوان درکتاب «روابطدیپلوماتیك ایالات‌متحده‌وایران» تالیف ا.یزلسان خواند . برخی ازتفسیرهای آن (که‌از منابع روسی‌اخذشده) صحیح‌میباشد . ازاطلاعات منابع‌روسی برمیآید که‌نمایندگان‌سیاسی آمریکا درنخستین سال‌های‌جنگ با آلمان و دیگر دول دسته‌بندی مرکزی‌همراهی داشتند . همانطور که فون‌اتر در تلگراف خود از تهران گزارش داد ، نمایندگان سیاسی‌آلمان،اتریش وترکیه، که‌پس‌از کودتای نافرجام ۱۹۱۵ پایتخت را ترك کردند ، پرچم آمریکا و اسپانیا را بر فراز سفارتخانه‌های خودشان بالا بردند [۲۰۹]» .

اسپرینگ‌رایس Rice سفیرانگلیس در واشنگتن به

باخمتیف Bakhmetyev همکار روسی خود اطلاع داد که : کالدول Caldwell وزیرمختار آمریکا درتهران چنان‌روابط دوستانه‌ای باوزیرمختار آلمان درایران داردکه دیوار باغ‌های بین‌دوسفارتخانه رابرداشته تاوزیرمختار آلمان بتواندزیرپرچم آمریکازندگی وکارکند . واعمالش دیگرازمرحله ابهام گذشته است.»وزیرمختار آمریکادرتهران به‌مارلینگ اطلاع‌داد که«حفظ منافع ترکیه‌وآلمان رادرشمال ایران که‌تحت‌اشغال قوای‌نظامی روس‌است، بعهده گرفته‌است». اوفکرمیکردکه‌همکارانگلیسی‌اش بااین‌اقدام دیپلوماتیك ضدروسی موافقت خواهد کرد ، چنانکه دراوایل ممکن بود چنین‌باشد . امااین بارگری Gary وزیر امورخارجه انگلیس اظهار داشت که بریتانیا چنین اقدامی را قانونی‌نمی‌داندچون‌روابط آلمان‌وترکیه‌ازیك‌طرف‌وروابط آلمان وایران ازطرف دیگر قطع‌نشده‌است وبنابراین‌هیچ گونه دلیلی برای واگذارکردن‌حفظ منافع آلمان به‌نمایندگان دولت‌دیگر وجودندارد .[۲۱۰] وقتی‌دولت‌روسیه درمورد صحت‌واگذارکردن حفظ منافع‌آلمان وترکیه درایران به‌دولت‌آمریکا سئوال کرد، بریان Bryan وزیرامورخارجه توضیح‌دادکه چنین اجازه‌ای به‌کالدول داده نشده‌است . بریان‌هم چنین‌اظهارداشت که تصمیم جدی دارد تمام نمایندگان آمریکا را در خارج مجبورکنند بی طرفی‌ایران‌را کاملا رعایت نمایند . بدین‌ترتیب اعمال کالدول همراهی شخصی‌اوباآلمان وانمود شد .[۲۱۱]) اما این همراهی‌ها به قدری زیـاد بودندکه درسال ۱۹۱۵ دیپلومات های آلمانی می‌توانستند از سفارتخانه آمـریکا درتـهران نه فقط به عنوان پناهگاه مطمئن، بلکه هم‌چنین به عنوان انبار سلاح آلمانی‌که مخفیانه از بین‌النهرین به ایران حمل می‌شد استفاده کنند.[۲۱۲])

ت . کورتکووا در رساله‌اش می‌نویسدکه پس از صدور

دستور فرماندهی روس برای توقیف نمایندگان قنسولی دول متخاصم درآذربایجان ، قنسول آلمان درتبریز به وسیلهٔ همکار آمریکائیش پادوك Paddock مخفی‌شد .

ضمناً درژوئن ۱۹۱۵وزارت امورخارجه آمریکا به وسیلهٔ سفیرآمریکا درپتروگراد از دولت روسیه خواست برای حفظ جان مبلغین‌مذهبی‌آمریکا به ارومیه نیرو بفرستد. وزارت‌امور خارجه روسیه به سفیر آمریکا اطلاع دادکه « درارومیه برای حفظ‌جان اهالی‌شهروخارجیان درمقابل حملات‌ترکها وکردها نیروی‌کافی وجود دارد ». ۲۱۳)

درسال ۱۹۱۶ «کمیته خیریه ایران » به ریاست‌کالدول وزیرمختارآمریکا درایران تشکیل‌شد. این‌کمیته به فعالیت‌نوع پرستانه درمیان مردم‌ایران‌که ازمصائب جنگ، قحطی‌وبیماری های مسری رنج می‌بردند ، پرداخت : این‌کار بیشتر به وسیله مبلغین‌مذهبی‌آمریکاکه تعدادشان زیادبود، انجام می‌شد . ضمناً درآغاز سال۱۸۱۹ مبلغین مذهبی آمریکا داوطلبانه به‌گروه دنسترویل‌درکارمرمت جاده‌هاکمك‌کردند. (ایرانیان برای‌این کارازامریکائی‌هاوانگلیس‌ها خواروبار دریافت‌می‌کردند)ژنرال دنسترویل درکتاب خود باقدردانی ازکمك‌آمریکائیهایادمیکند. به همین‌ترتیت آمریکائی‌ها به نیروی دنسترویل درهنگام‌مداخله نظامی‌درماوراء قفقازکمك‌کردند .

به موجب‌گزارش یزلسان درسال۱۹۱۸ انجمن جدیدی به نام « کمیته خیریه ایران وآمریکا » در نیویورك تشکیل شد که شروع به جمع آوری اعانه برای مردم قحطی زده ایران کرد. فعالیت این‌کمیته جاه طلبانه‌تر از فعالیت «کمیته خیریه ایران» بود .کمیته جدید درپائیزسال۱۹۱۸ میسیونی به‌تهران فرستادکه وظایفش‌ظاهراً منحصربه«کمك به‌ایرانیان قحطی‌زده»

نبود . ژنرال مارشال فرمانده ارتش بریتانیا در بین النهرین می‌نویسد که: « درماه سپتامبر یك گروه آمریکائی که خود را « انجمن مبارزه با قحطی در ایران » می‌نامید، وارد بغداد شد و من دستوراتی برای کمك به این گروه دریافت داشتم . البته من کمك کردم ، هرچند مطمئن بودم که هدف اصلی این گروه نفت بود ونه مبارزه با گرسنگی وقحطی. برخی از اعضای این مسیون واقعاً با قحطی مبارزه میکردند، اما رهبران آنها پس از آمدن به ایران بلافاصله بادولت وارد مذاکره شدند وسرانجام برای استاندارد اویل کمپانی امتیازاتی درشمال غربی ایران گرفتند .

ایالات متحده آمریکا هیچ گونه اقدامی برای جلو گیری ازاشغال ایران به‌وسیله ارتش انگلیس واستفاده ازآن به عنوان پایگاه مداخله مسلحانه برضدشوروی انجام نداد. وقتی بلافاصله پس ازخاتمه جنگ درنوامبر ۱۹۱۸، قوای انگلیس برای اشغال باکو وماوراء قفقاز درانزلی سوار کشتی شدند، یك آمریکائی با نماینده فرانسوی برای پیوستن به نیروی ژنرال تامسون اعزام گردید . هنگامی که ناوگان با نیروهای انگلیس به بادکوبه رسید ، پرچمهای بریتانیا ، فرانسه ، ایالات متحده آمریکا و روسیه تزاری روی دگل کشتی (پرزیدنت کروگر) در اهتزاز بود این مسخرگی به انگلیس‌ها کمك کردتا به مداخله کاملا انگلیسی (مقصودم فقط اشغال نظامی آذربایجان است) رنگ لشکرکشی متفقین بدهند .

***

جنگ جهانی اول درایران برای خلق‌های ایران بدبختیها ومحرومیت‌های بی‌حسابی به‌بار آورد. جنگ مناطق وسیعی را ویران کرد، ده‌هاهزار ایرانی ازگرسنگی وبیماری ویا درنتیجه عملیات جنگی ازپای درآمدند . حتی اکنون وقتی به گذشته نگاه میکنیم

مشکل بتوان گفت چگونه ممکن بود ایـران با رعایت بی‌طرفی واقعی‌در این‌جنگ ویا پیوستن به‌این‌یا آن‌ائتلاف دول امپریالیست کمتر آسیب ببیند. وضع نیمه مستعمره و وابسته ایران‌بطورکلی اتخاذ یك‌سیاست‌مستقل‌من‌جمله‌بیطرفی‌واقعی‌را غیرممکن‌می‌کرد. هم چنین دفاع حاکمیت ملی ازتجاوز دول بزرگ‌که ایران‌را غنیمتی درکشمکش‌برای مستعمرات‌ومناطق نفوذ جدیدمیدانستند غیرممکن‌بود. درپایان جنگ یکی‌از دانشمندان ضمن تجزیه و تحلیل این‌کشمکش دول استعماری نوشت : « ایران رسماً در این جنگ بی‌طرف بود، اما درحقیقت روس‌ها و انگلیس‌ها از یك طرف وترك ها وآلمان‌ها ازطرف دیگر در سرزمین ایران می‌جنگیدند وآنرا غارت می‌کردند» .

درنتیجه جنگ ائتلاف آلمان ـ ترکیه شکست خورد، و روسیه‌تزاری نیرومندترین رقیب‌بریتانیادرکشمکش برای‌تصاحب ایران ازمیدان خارج‌شد . بنابراین بریتانیا درغارت و چپاول بی‌رقیب‌گردید .

درنتیجه ، در پایان جنگ خاك ایران کامـلا بـه وسیله نیرو های نظامی بریتانیا اشغال‌شد . همچنین انگلیس از ایران به عنوان پایگاهی برای توسعه امپراطوری خوددرشرق از راه تسخیرماوراء قفقاز وترکستان استفاده‌کرد .

درآخرتابستان۱۹۱۹ بریتانیا به دلایل سیاسی و نظامی مجبور شد نیروهای خودرا از روسیه شوروی به ایالات شمالی ایران عقب بکشد ودرآنجا منتظرفرارسیدن لحظه مناسب‌برای تجدید مداخله مسلحانه باشد. درآن زمان، بریتانیا ده‌هاهزار سرباز انگلیسی وهندی درایران داشت وبه اتکای آنها سیاستی راکه هدفش تبدیل ایران به یك مستعمره انگلیس‌بـود ، تعقیب می‌کرد. درماه اوت ۱۹۱۹ بریتانیا موفق‌به عقد قراردادی با

حکومت فاسد وثوق‌الدوله شد که شرایطش برابر با استقرار یك دولت تحت‌الحمایه درایران بود . این‌قرار داد خشم و نفرت مردم ایران را برانگیخت . اما بریتانیا به اتکای نیروهای اشغالگر خود اعتنائی به اعتراض عمومی نکرد. اعتراضات رسمی فرانسه ، آمریکا و روسیه شوروی نیز تأثیر ناچیزی در بریتانیا گذاشت .

مانع اصلی تبدیل ایران به تحت الحمایه کامل انگلیس رشد جنبش ضد استعماری ، به‌ویژه درایالات شمالی، آذربایجان گیلان وخراسان بود. درماه مه ۱۹۲۰ ناوگان شوروی باخراب کردن پایگاه بریتانیا درانزلی وتارومار نمودن سربازان انگلیسی درآن بندر لطمه شدیدی به حیثیت ارتش انگلیس درایران زد . به ویژه ، شکست «نورپرفورس» درانزلی منجر به سقوت کابینه انگلوفیل وثوق‌الدوله شد ودولت جدید ملیون به قدرت رسیدو وارد مذاکرات صلح باروسیه شوروی گردید . بریتانیا نمیتوانست جنبش آزادی ملی مردم ایران را خورد کند و سرانجام در سال ۱۹۲۱ مجبور به تخلیه ایران از نیروهای خودشد. یکی ازدلایل تخلیهٔ ایران ازقوای نظامی بریتانیا وتضمین عدم بازگشت آنها به ایران قرارداد ۱۹۲۱ ایران وشوروی بود که ورودسربازان شوروی را به ایران ، در صورت تبدیل این کشور به پایگاه تجاوز بر ضد شوروی پیش بینی می کرد .

سال ۱۹۲۱ صفحهٔ جدیدی درتاریخ ایران ـ تاریخ ایران به‌مثابه یك کشور مستقل ـ گشود.

منابع

1) Сборник дипломатических документов со5ы тий в Персии ("Оранжевые книгн"), вып. I-уII. СПб, 1911 1912.

2) Сборник секретных документов иэ архива бывшего мини стерства иностранных деп, ред. Н. Маркин, НКИд, № I-7, пг., 1917-1918;

3) Ю.В.Ключников и А. Сабанин. Международная политика новейшего времени в договорах, нотах и декларациях, части п и ш, М., 1926-1928;

4) Международные отношения в эпоху империализма. документы из архивов царского и временного правителъств1878-1917 гг. ,серия III,1914-1917;М 1931–1957

5) Советско-иранские отношения в договорах, конвенциях и соглашениях, составили С.И. Сычев и В.К. Волков, М., МИд, 1946;

6) документы внешней политики СССР, тт. I-Iу, М., 1957-1960;

7) Раздел Азиатской Турции. По секретным документам бывшего министерства иностранных дел под, ред. Е.А. Аламова. М., 1924;

8) Корсун н.г., первая мировая война на Кавказском фронте. М., 1946;

9) Корсун Н.Г., Алашкертская и хамаданская операции на Кавказском фронте мировой войны в 1915 г., М, 1940;

10) Корсун н., происки немцев в Иране в 1914-1918 гг. ("Военная мысль", 1941 №9);

11) Короткова Т.С., Германо турецкое вт-

оржение в Иранский Азербайджан ("Вопросы истории",1948, № 1);
12) Короткова Т.С., "Нейтралитет" Ирана в первой мировой войне (неопубликованная канд диссертация). М., 1947;
13) Короткова Т.С., Иран накануне первой мировой войны ("доклады и сообшения исторического факультета МГу, вып8., М.: 1949);
14) Иванова М.Н., Германская агрессия в Иране в годы первой мировй войны ("Краткие сообшения Института востоковедения АН СССР, т. XIX, М. 1956);
15) Абдуллаев З.З., Из истории ирано-американских отношений в годы первой мировой войны ("Известия Академии наук Азерб. ССР", № 9, 1956
16) Мирошников л.и., Англо-индийские во-

йска в Иране, Закавказье и Туркестане, 1914-1920 гг., ("Краткие сообщения ИВ АН СССР", т. XXXу, М., 1959);

17) Мирошников л. И., Английская экспансия в Иране (1914-1920 гг.), М., 1961;

18) Емелъяанов А.Г., Персидский фронт (1915-1918), Берлин.1923

19) Масловский Е., Мировая война на Кавказском фронте 1914-1918 гг.. Париж, 1935;

20)' Никитин В., Nрани ке ман шенахте-ам (перс яз). Тегеран. 1951; ("Иран, каким я знал его");

21) Nikitine V., Vue d'ensemble sur le theatre de la grande guerre dans la nord-ouest de la perse ("L'Asie Francaise", XXIV, N225).

22) Бобинин Н. К Персия, ее экономи-

ческое положение и внешняя торговля 1901-1923 гг.' Тифлис 1923;

23) Минц С., Торговля Персии во время войны ("Новий Восток", 1923, кнг. 3);

24) Тер-Гукасов Г., экономические интересы России в Персии. Пг.) М., 1915.

25) Кассис Ж Я, Зкономическое положение совремеменной Персии, Киев, 1915;

26) Собойинский л А., Персия Статистико- экономическескнй очерк СПб. 1913

27) Тигранов л ф., Из обжественно-экономических отножений в Персии.. С-Пб. 1909;

28) Медведев А.И., Персия. Военно статическое обозрение, СПб 1909;

29) Таленский Н·А, Первая Мировая война 1914 -1919 гг., М, 1944;

30) Зайончковский А., Мировая война 1914–1918 гг., М, 1938;

31) Нотович ф.И., дипломатическая борьба в годы первой мировой войны, М. д., 1947;

32) тарле Е В., Европав эпоху империализма (1871-1919), М., 1924;

33) "Мировая война в цифрах", М., 1934;

34) лении В.И., О сепаратном мире, Соч., т. 23, изд. 4, стр. 115;

35) ленин В И., Империализм, как висшая стадия капитализма, Соч, изд. 4-е, т. 22;

36) ленин В.И, Тетради по империализму, М., 1939;

37) ленин В.И., Война и революция. Соч., т. 24;

38) Documents on British foreign policy 1919 - 1939, vol. I-Iv, L, 1948–1952 ;

39) History of the Great War based on official documents. The campaign in Mesopotamia, comp. by F.J. Moberly, vol. I–Iv , L., 1923 - 1927

40) Statistics of the military effort of the British Empire during the Great War, 1914–1918, L., 1922;

41) Lloyd–George E. , war memoirs, vol. I-II,

42) Churchill W.S. , The world crisis, The aftermath vol. 1–4, L. , 1923–29;

43) Sykes p. , A history of Persia, vol. II, L. , 1930;

44) Sykes P. , Persia , Oxford , 1922 ;

45) Sykes P. , South Persia and the Great War «Georg. Journal» , vol. LVIII , 1922);

46) Dyer R.E.H., Raiders of the Sarhad ... , L., 1921;

47) Douglas J.A., The Bushire–Shiraz road ,1918–1919 (JCAS , vol. X. pt. II, 1923);

48) O'Connor F. ' the frontier and beyond. A record of thirty year service ' L. , 1931

49) Dickson W.E.R. , East Persia. A backwater ef the Great War , L. , 1924 ;

50) Duusterville L.C. , The adventures of Dunsterforce, L. , 1920

51) Donohoe M.H. , With the persian expedition, L. , 1919 ;

52) Wilson A.T., Loyalties. Mesopotamia, 1914 – 1917, L., 1930 ;

53) Wilson A.T., Mesopotamia, 1917 – 1920 : a clash of loyalties, L., 1931 ;

54) Wilson A.T., S.W Persia, A political officer's diary, 1907-1914 L.-N.Y– Toronto, 1941;

55) Marshall W., Memories of four fronts, L., 1934;

56) Haldane A.L., The insurrection in Mesopotamia, 1920, Ed-L., 1922;

57) Sykes Ch., Wassmus «the German Lawrence», Leipzig, 1963 ;

58) Balfour J.M., Recent happenings in Persia, L., 1922

59) Allen W.E.D., Muratoff p., Caucasian battlefield. A history of the wars on the Turko – Caucasian border, 1828 – 1921, Cambridge, 1953.

60) Larcher M., La guerre Turque dans la guerre mondiale, P., 1926;

61) Démorgny G., La question Persane et La guerre, P., 1916 ;

62) Démorgny G., Methodes turko-allemandes en Perse (Revue de Paris, vol. XXII, N 2, 1915);

63) Chèradame A., Le plan pan–German demasqué, p., 1916; (The pan-German plot unmasked, N.Y., 1918);

64) Ducrocq G., Les Allemands en perse (Revue du Monde Mus., LIV, *1923*);

65) Lesueur E., Les anglais en perse, P., *1921*;

66) Poincaré R., Au service de la France ..., P. *1926*-33;

67) روسیه تزاری درآستانه انقلاب تألیف پالئولوک چاپ۱۹۲۳

68) U.S. Department of State. Foreign relations of the United States, *1918*: Russia, 3 vols.; Suppl. I, The World War, *2* vols.; Suppl. *2*, The World War; W., *1931*–33; U.S. Departemnt of State. Foreign Relations of the United States. The Lansing papers, *1914*-*1920*, *2* vols.W., *1939*–40;

69) Hurewitz J.C., Diplomacy in the Near and Middle East. A documentary record, vol. I–II, New York, 1956;

70) Yeselson A., United States - Persian diplomatic relations, *1883*– *1921*, New Brunswick, *1956*;

71) Kazemzadeh F., The struggle for Transcaucasia, *1917* - *1921*, N.Y., *1951*;

72) Fatemi N.S., Diplomatic history of Persia. *1917* - *1923*, New York, *1954*;

73) Lenczovsky G., Russia and West in Iran, *1918* - 1948, N.Y., *1949*;

74) Frye R.N., Iran, london, *1954*;

75) Upton J.M. The history of modern Iran. An inter–petation, Cambridge, Mass., *1960*;

76) Niedermayer O., Unter der glutsonne Irans, Krie–gserlebnise der deutschen Expedition nach Persien und Afghanistan, Munchen–Dachau, *1915*;

77) Griesinger W., German intrigues in Persia: the diary of a German agent, the Niedermayer expedition through Persia to Afghanistan and India, L., *1918*;

78) Kietling H., Mit Feldmarschal' von der Goltz Pascha in Mosopotamien und Persien, Leipzig, *1922*;

79) von Sanders L., Funf Jahre Turkei, Berlin, *1920*;

80) Ludendorf E., Meine Kriegserinnerungen, *1914* - *1918*, B., *1919*;

81) Litten W., Persien Von der «pénétration pacifique» zum «protectorat», B.-Leipzig, *1920*;

82) Englische Dokumente zur Erdrosselung Persiens, B., *1917*;

83) Die internationalen Beziehuuge im zeitalter des Impesialismus ... *12* Bd., Berlin, *1931*-43; (transl. from Russian);

84) Die Europaischen Machte und die Turkei wahrend des Weltkrieges. Konstantinopel und die Meerengen... Bd. 1-3, Dresden, *1930* (transl. from Russian);

85) Gehrke U. , Persien in des deutschen orientpolitik wahrend der ersten Weltkrieges, 2 Bd. , Stuttgart, 1961 (reviewed in Middle East Journal, Winter, 1962, vol. 16 N I);

86) Emin A. , Turkey in the World War, New Haven, 1930;

87) Yalman A.E. Turkey in thd World War, New Haven, 1930 ;

88) Djemal Pasha, Memories of a Turkish stateaman. L. ,

89) Nystrom P. , Fem ar i Peraien som gendarm - officer, Stockholm, 1952 ;

90) Bergdahl S. , poliarapport fran Teheran, Stockholm, 1917 ;

91) بیطرفی ایران ـ مراسلات و مذاکرات متعاطیه بین دول علیه و دول خارجه از بدو وقوع جنگ بین الملل در سنه هزاروسیصد وسی و دو هجری مطابق با ۱۹۱۴ مسیحی ، جلد اول ، طهران، سنه ۱۳۳۲

92) Empire de perse. Ministére des Affairs Etrangêres Neutralité Persane. Documents diplomatiques 30 sept. 1914–22 mars 1915. Traduction du texte peraan, paria, 1919;

93) مکی حسین - مختصری از زندگانی سیاسی سلطان احمد شاه قاجار، ۱۳۳۳

بهار ملك‌الشعرا ـ تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران ، طهران، (94
۱۳۲۳
آدمیت رکن‌زاده ـ فارس وجنگ بین‌الملل ، طهران ، ۱۳۳۷ (95
سپهر احمدعلی ـ ایران وجنگ بزرگ ۱۹۱۸ـ۱۹۱٤، طهران، (96
۱۳۳۲
حلاج ـ کتاب تاریخ نهضت ایران ، تهران ، ۱۳۱۲ (97
مستوفی عبدالله ـ شرح زندگانی‌من یا تاریخ اجتماعی و اداری (98
دورهٔ قاجاریه ، تهران ، ۱۳۲٤
کیانفر محدی ـ سیاست امریکا در ایران ، تهران ، ۱۳۲۸ (99
مجتهدی مهدی ـ ایران وانگلیس ، تهران ، ۱۳۲٦ (100

101) Afshar M., La question Persane et la rivalite anglo-llemande en Asie, Geneve, 1917; Afshar M., Probleme persane et la Paix, Lausanne, 1919;
Afshar M., La politique europeenne en Perse, Berlin, 1921;

102) Ameer Ali, The rights of Persia..., L., 1919;

103) Ameer Ali, persia and the Conference ("Euglish Reviw", N 28' L., 1919);

سید ضیاء الدین طباطبائی: عصرجدید در تاریخ ایران ومعاهده (104
ایران و انگلیس چاپ باکو ۱۹۲۰
احسان‌اله‌خان: جنبش ملی‌در ایران‌در سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۱۷ (105
از «روابط اجتماعی واقتصادی» تألیف تیگرانف (106

107) Imperialisam as the highest stage of Capitalism

108) کاسیس ، وضع اقتصادی ایران جدید

109) U. Gehrke, Persien in der deutschen Orientpolitik während der ersten Weltkrieges. Stutrgart, 1961, Band I, p.l.

110) جنگ جهانی اول درجبهه قفقاز

111) همان کتاب صفحه ۲۷-۲۱

112) History of the Great war based on official documents. The Campaign in Mesopotamia, vol. I, L., 1923, pp. 79, 84, 91. ("The Campaign in Mesopotamia").

113) Ibid., pp. 99, 102-103;

114) روابط بین‌المللی درعصر امپریالیزم

115) همانجا

116) آرشیومرکزی‌جمهوری گرجستان

117) Neutralité Persane. Documents diplomatiques..., Paris, 1919, p. 7:

118) "The Campaign in Mesopotamia", vol. I, p. 107; J. A. Douglas, The Bushire-Shiraz road, 1918-1919, (JCAS, vol. X, pt. II, 1923),

119) "The Campaign in Mesopotamia", vol. I, pp. 107, 130, 151;

120) Ibid., vol. I, p. 184.

121) کورسون ؛ عملیات خرابکارانه آلمانها در ایران درسال ۱۹۱۴–۱۹۱۸

Persien in der deutschen Orientpolitik..., bd. I, ss. 27-28, 56-57.

122) The Campaign in Mesopotamia vol. I. مراجعه‌شود به

123) Ibid., I, p. 234;

124) کورسون ، جنگ جهانی درجبهه قفقاز

125) Casualties in the Russian Army amounted to 20 thousand men.

127) تقسیم ترکیه آسیا صفحات ۱۲۹-۱۱۸

127 همان‌کتاب صفحات ۱۲۶-۱۲۴

128) Alashkert and Hamadan operations

129) همان‌کتاب صفحه ٤٤

130) کوروتکوا: بی‌طرفی ایران صفحه ۱۰۱-۱۰۰

131) همان‌کتاب صفحه ۱۰۳

132) همان‌جا صفحه ۱۱۵

133) روابط بین‌المللی در عصر امپریالیزم

134) کورتکووا: بی‌طرفی ایران درجنگ جهانی اول

135) آرشیو مرکزی جمهوری گرجستان

136) See: Ch. Sykes, "Wassmus, the German Lawrence" and "Neutralise Persane..,"

137) P. Sykes, A history of Persia, L, 1930, vol. II, p. 450.

138) عملیات خرابکارانهٔ آلمان‌ها درسالهای جنگ جهانی اول

139) آرشیو مرکزی جمهوری گرجستان

140) روابط بین‌المللی درعصر امپریالیزم

141) همانجا

142) Alashkert and Hamadan operations

143) روابط بین‌المللی درعصرامپریالیزم

144) همانجا

145) Alashkert and Hamadan operations

146) P. Sykes, A history of Persia, vol. II, p. 452.

147) مراجعه شود به "The Campaign in Mesopotamia", vol. III, p. 397, app. XXXVI.

148) شمارهٔ سربازان بریتانیا در کارون در آن زمان در حدود ۲۵۰۰ نفربود.

149) The volume of Britain's and Russia's trade with Eastern Iran is considered in W. E. R. Dickson's "East Persia. A backwater of the Great War" (pp. 270-271).

150) جنگ جهانی اول درجبههٔ قفقاز تألیف کورسون

151) موگویف : آنسوی دجله ، ۱۹۵۳

152) P. Sykes, A history of Persia, vol. 451.

153) Ibid., vol. II, pp. 451-468 (Chapter LXXYVI).

154) Alashkert and Hamadan Operations pp. 180-181
155) P. Sykes, A history of Persia, vol. II, p. 451;
156) جنگ جهانی درجبهٔ قفقاز
157) جنگ جهانی درجبهٔ قفقاز ، صفحه ۷۰ـ۶۹
158) P. Sykes, A history of Persia, vol. II, p. 451-452.
159) کورسون: جنگ جهانی درجبهٔ قفقاز صفحات ۷۶ـ۴۹
160) According to N. Korsun the forces of the British Army that launched this offensive amounted to four infantry divisions and one cavalry division.
161) By the beginning of 1917 camgaign the First Caucasian cavalry corps (the former Fxpeditionary Corps)amounted approximately to eighteen thousand cavalrymen and infantrymen and fifty guns.
162) جنگ جهانی درجبهٔ قفقاز، صفحات ۸۱-۷۸
The vans of Baratov'a corps consisted of three thousand men. (Dates are taken from a table in "Statistics of the military effort of the British Empire during the Great War, 1914-1918".)
163) Report of Colonel Prozorkevich to General Staff, August, 16 (29), 1916.
164) آرشیو مرکزی جمهوری گرجستان
165) General Baratov's letter to Emir Afshar dated August, 19 (Seotember, 1), 1916.

166) آرشیو مرکزی دولتی گرجستان

167) The letter, dated May 31, 1916, was sigred and sealed by seven Lur Khans: Ali Mardan Khan Emir Mufakham, Gulam Ali Khan Sardar Ashraf, Sheikh Ali Khan Sardar Ashair and others .

168) The abovementioned letter from Burujird to General Baratov dated June 1, 1916.

169) Secret telegram N. 186, dated March 14, 1917,

170) Milyukov's telegram of April 16, and Tereschenko's telegram of May 9. 1917.

171) N. S. Fatemi, Diplomatic history of Persia, 1917-1923, N-Y, 1954' p. 135.

172) J. M. Upton, The history of modern Iran, An interpretation, Cambridge, Mass, 1960, p. 39.

173) L. Fisher, The Soviets in World affairs, Boston, 1930.

174) At the Persian front the purpose of the partisan groups was to organize subversive operations against communications and to harass the enemy's rear. They were armed with light guns and machineguns and in the military and tactical respects they represented independent units. Bicherakhov's group consisted of 1200 men.

175) اسناد سیاست خارجی اتحاد شوروی

176) همانجا صفحه ۵۱

177) همانجا صفحه ۷۳

178) "The Campaign in Mesopotamia", vol. IV, p. 87, 88

179) M. Larchet, La guerre Turque dens la querre mondiale, p. 416.

180) Memorandum prepared for Lord Milner and Lord Cecil on suggested policy in Russia and accepted by M. Clemenceau and M. Pichon on December 22, 1917: ("Papers relating to the foreign relations of the United States, 1918, Russia' vol. I, W., 1931, pp. 330–331: W. S. Churchill, The World crisis. The aftermath, p. 166).

181) W. Marshal. Memories of four fronts, L., 1934, p. 286–287.

182) "The Campaign in Mesopotamia", vol. IV, pp. 112–114, 120.

183) P. Sykes, A history of Persia, vol. II, p. 496.

184) L, C. Dunsterville, Adventures of Dunstetforce, p. 178.

185) M. Hallaj, Kitabe tarikhe nehzate Iran, Teheran, 1312, p. 102.

186) مجله خزر (باکو) ۲٤ مارس ۱۹۱۸

187) M. Hallaj, Kitabe tarikhe nehzat Iran, p. 102
178) "The Campain in Mecopotamia", vol. IV, p. 251.
189) Ibid., vol. IV, pp. 168-169. The greatest importance was attached by the Chief of the Imperial General Staff to "even a small British force reaching the Caspian that summer".
190) Ibid., vol. IV, p. 171.
191) Ibid., vol. IV, p. 170.
192) R. N. Frye, Iran, L., 1954, p. 71.
193) War Memories of David Lloyd George, 1918, vol. VI. Boston, 1937, p. 205:
194) C. Skrine, World War in Iran, L , 1961, p. 56.
195) اسناد سیاست خارجی اتحاد شوروی ، صفحات ۹۳-۹۲
196) همانجا صفحه ۹۳
197) Bravin's letter dated January 31, 1918.
198) اسناد سیاست خارجی شوروی
199) Documents on British foreign policy, 1919-1939, First series, vol. 1919, L., 1952, p. 1137, N. 729. (Telegram of the British minister to Teheran P/Z. Cox to Curzon, dated August 19, 1919).
200) Kolomiitsev's grave is in درخدمت دیپلماسی شوروی the garden of the Soviet consulat in Gorgan (Astrabad)

201) R. Frye, Iran, L., 1945, p. 72.

202) J. M. Upton, The history of modern Iran; An interpretation, p. 42.

203) N. S. Fatemi, Diplomatic history of Persia, 1917-1923, p. 139.

204) G. Lenczowski, Russia and the West in Iran, 1918–1948, N-Y, 1949, p. 49.

205) L. C. Dunsterville, The adventures of Dunster–force, pp. 83, 126, 260.

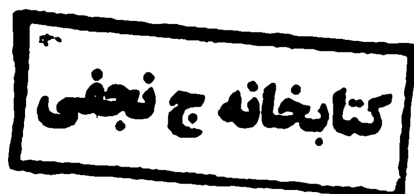
206) E. Lesueur, Les Anglais en Perse, Paris, 1921.

207) A. Yeselson, United States-Persian diplomatic ralations, 1883-1921, New Brunswick, 1956.

208) روابط بین‌المللی درعصر امپریالیزم

209) همانجا

210) همانجا



211) همانجا

212) همانجا

213) W. Marshall, Memories of four fronts, p. 317.

کتابهای سیمرغ :

۱ــ **تاریخ حساب**	ترجمهٔ: پرویز شهریاری	۳۰ ریال
۲ــ **تمدن فرانسه**	ترجمهٔ: روح‌الله عباسی	۲۵ »
۳ــ **انرژی اتمی**	ترجمهٔ: حسن صفاری	۳۵ »
۴ــ **سرگرمیهای فیزیك**	ترجمهٔ: مهندس احمد تمدن	۵۰ »
۵ــ **نیمه‌هادیها**	ترجمهٔ: صمد خیرخواه	۲۵ »
۶ــ **زندگی در دریا**	ترجمهٔ: مهدی تجلی پور	۳۵ »
۷ــ **تقارن**	ترجمهٔ: پرویز شهریاری	۳۰ »
۸ــ **فن شنا**	ترجمهٔ: اسماعیل فیاضی مشرف الملك	۳۵ »
۹ــ **ماجراهای جاودان در فلسفه**	ترجمهٔ: انوشه سارا	۷۰ »
۱۰ــ **سرطان**	ترجمهٔ: دکتر ایرج رفعانی	۳۵ »
۱۱ــ **نسبیت**	ترجمهٔ: احمد آرام	۳۰ »
۱۲ــ **نازیسم**	ترجمهٔ: محمد مربوط ـ محمد باقر مؤمنی	۲۵ »
۱۳ــ **هندسه در گذشته و حال**	ترجمهٔ: پرویز شهریاری	۲۵ »
۱۴ــ **جستجوی طلا**	ترجمهٔ: علیقلی کاتبی	۲۰ »
۱۵ــ **انرژی اتمی**	ترجمهٔ: ابراهیم بهداد	۴۵ »
۱۶ــ **تفریحات ریاضی**	ترجمهٔ: هرمز شهریاری	۳۰ »
۱۷ــ **علم فضا**	ترجمهٔ: عارف قلی نیا	۶۰ »
۱۸ــ **تمدنهای آفریقا**	ترجمه: مسعود آشیریان و حجت‌الله ستوده	۴۰ »
۱۹ــ **اعداد اول**	ترجمهٔ: پرویز شهریاری	۴۰ »
۲۰ــ **سرودهای دینی یارسان**	ترجمهٔ: ماشاءالله سوری	۴۰ »
۲۱ــ **روان تنی**	ترجمهٔ: دکتر مسعود میربهاء	۶۰ »

این کتاب :

مجموعهٔ سخنرانی هائی است کـه ل. ی. میروشنیکف محقق برجستهٔ انستیتوی آسیا، فرهنگستان علوم اتحاد شوروی، ودانشیاردانشگاه دولتی مسکو در سمینارهای مرکز بررسی‌های خاورمیانه ومرکز تحقیق دربارهٔ روسیه، دانشگاه هاروارد، درنوامبر ۱۹۶۲ ایراد نمود. متن سخنرانی‌ها در پایان سال ۱۹۶۲ زیر نظر دو مرکز تحقیقاتی نامبرده منتشر گردید.

چاپ دوم این کتاب که بوسیلهٔ ادارهٔ نشریات ادبیات خاوری منتشر گردیده تفاوتی بـا چاپ اول آن ندارد. فقط برخی اشتباهات واغلاط چاپی تصحیح و کتاب با چند یادداشت و تفسیر تکمیل شده است اما مؤلف، این اثر رابیش از یك مجموعه سخنرانی‌ها محسوب نمی دارد.

بها ۲۵ ریال